

بسم الله الرحمن الرحيم

دوره ی فشرده ی نخبگان ، موسسه ی امیر بیان ، استاد هادی پور

تابستان ۹۴

مقرر: محمد علی عابدی ( التماس دعا )

۱۴ / ۶ / ۹۴ جلسه ی عصر شنبه

شنبه، ۰۵ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۴:۱۵ ب.ظ

برای سخنرانی جذاب و تأثیرگذار باید ۵ مرحله را طی کنیم

۱. مخاطب شناسی

هر چه مخاطب شناسی دقیق تر باشد ، میزان تأثیرگذاری بیشتر خواهد شد .

سه نوع مخاطب شناسی لازمه ی کار منبری هست

۱. ویژگی های سنی مخاطب

ویژگی های سن افراد در هر دوره از زندگی : نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و کهنسالی

برای هر مخاطبی که دعوت می شویم باید سوال کنیم که در چه سنی هستند ، حتی اگر جلسه

ترکیبی بود ، باید پرسیم که اکثریت در چه سنی هستند . اطلاعات مربوط به مخاطب را می توانیم

از میزبانمان بگیریم . وقتی می خواهیم برای مخاطبی سخنرانی آماده کنیم ، راجع به شرایط سنی

اش بدانیم تا بتوانیم پیام را آماده کنیم . اکثریت مهم است . مثلا اگر ۶۰ درصد جوان هستند ، باید

۶۰ درصد پیام هایمان مربوط به آن گروه سنی باشد و ۴۰ درصد مابقی سخنرانی برای ۴۰ درصد

دیگر باشد .

مثلا مقطع اول سنی ، مخاطب نوجوان است که ۲۳ ویژگی برای آنها مشخص کردیم .

۱. بلوغ
۲. بیداری غریزه جنسی و توجه به جنس مخالف
۳. آغاز اجتماعی شدن
۴. رسیدگی بیش از حد به وضع ظاهر
۵. دوستی های افراطی
۶. رفتارهای متناقض و گرایش های متضاد
۷. بی باکی

نوجوان گاهی دارای شور و هیجان هست و گاهی در درون خودش می رود و حوصله ی کسی را ندارد. این تعارضات جزء ویژگی های جوان است که گاهی به اتفاقات هورمونی وجود آن ها برمی گردد. ویژگی های سنی ویژگی هایی هستند که فارق از ملیت و مذهب معنا دارد. نوجوان بماهو نوجوان این ویژگی ها را دارد و فرق نمی کند که از چه کشوری و چه دینی هست. البته محل زندگی گاهی در دیر یا زود شدن این ویژگی ها تأثیر دارد. مثلاً بلوغ زودرس در آمریکا بیشتر است. یا بخاطر حضور ماهواره اخیراً در کشور ما بلوغ زودتر شده است.

بعضی از مطالب روانشناسی منافاتی با معارف دینی ما ندارد بلکه تحقیق کرده اند و گفته اند.

شماره ی ۶ و ۷: در جبهه در زمان جنگ حاضر حضور بخش قابل توجهی از نوجوان ها در جنگ بودیم. ابعاد جهاد با سن نوجوان تناسب دارد. فضای جهاد که بی باکی هست برای او جذاب است. البته در فضای جهاد اتفاقاتی برای نوجوان می افتاد که این اتفاقات در سخنرانی های ما هم می تواند برای نوجوان بیافتد.

نوجوان گاهی نیاز به خلوت دارد و دوست دارد تنها باشد و در خودش باشد و کسی در حریمش دخالت نکند. بخشی از معارف ما معارفی هست که لذت خلوت با خدا را می گوید.

لذا به نوجوانان توصیه به نماز شب خوب است. در جنگ، نوجوانی بود که محاسن نداشت و ۱۵ سالش بود. به همسنگرش گفت که من را ساعت ۳ بلند می کنی که داروهایم را بخورم. گفتم باشه. بیدارش کردم. دیدم نیامد و نگران شدم. رفتم دنبالش و دیدم در سجده است

به من گفت: من دروغ نگفتم. من ۱۶ ساله ام، وقتی چشمام هنوز لیاقت دیدن آقا را پیدا نکرده، دارویش نماز شب هست. وقتی گوش هایم هنوز لیاقت شنیدن صدای حضرت را پیدا نکرده، نشان می دهد که گوش هایم مریض هست و دوایش نماز شب هست و بیدار شدم که این دارو را بخورم.

برای نوجوان های دبیرستان در تهران در مورد لذت ارتباط با خدا و حال کردن با خدا صحبت کردم. اگر من لذت هایم در حد خوردن و خوابیدن و شهوترانی باشد، چه فرقی با گوسفندها داریم!

یکی از همین نوجوان ها به من زنگ زد و گفت: چگونه می توانم با خدا حال کنم. به او گفتم که شما نماز شب می خوانی. گفت من نمازهای روزم را هم نمی خوانم. گفتم چرا نمی خوانی، بخوان. گفت: مگه کسی که استمناء می کنه و نجس هست می تواند نماز بخواند. گفتم که نکن. گفت همه می کنند.... این شخص خالکوبی در بازویش کرده بود که انتقام.

الان طلبه ی پایه ی ۵ در یکی از حوزه های علمیه است به او اصرار کردم که غسل جنابت کن و یک نماز شب بخوان و لذتش را بچش او نماز خوان شد، نماز شب خوان شد. هیأتی شد. لذت را که می چشد باعث می شود که نماز واجب را هم باحال تر بخواند.

ویژگی های سن جوانی:  
ازدواج و تشکیل خانواده  
ایفای نقش پدر و مادری و  
بی تجربگی و خامی  
میل به زیبایی

در ابتدای سن جوانی باید معارف اقتصادی را به جوان بگوییم

برای جوانی که می خواهد شغل را انتخاب کند اگر بعضی از معارف را بگوییم ، شغلی که اقتضای حرام دارد را انتخاب نمی کند . بخشی از فسادهای جامعه ی ما از مال حرام است . کمتر شغلی هست که در آن دزدی نباشد . از مکانیکی تا انواع و اقسام شغل ها . چون معارف مربوط به غش در معامله را به آنها نگفته ایم . وقتی مال حرام آمد ، پشت سرش خیلی از چیزهای دیگر هم می آید .

در این انتخاب ها هست که می توانیم سخنران موفق باشیم .  
مثلا تکلیف در سن نوجوانی هست که نماز به عنوان یکی از واجبات باید در این سن گفته شد . این نماز را به عنوان یک پیام حتما و باید به آن پردازیم که ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر اگر مال حرام آمد دیگر کلام امام هم در آن اثر ندارد

بینیم چه شغل هایی مطرح است . به او بگوییم که اگر کارمند شدیم ، حواسمان باشد .

نسبت به پولی که می گیریم ، وظیفه داریم که کار کنیم . وجدان کاری باید درست شود و وجدان کاری در سن جوانی هست .

مقطع میانسالی

تعلق و تحلیلگری

تحلیل رفتن جسم

دغدغه ی سر و سامان دادن به فرزندان

خاستگار دخترش دارد ولی شوهر نمی دهد . چند درصد پدر و مادرها برایشان مهم است که خاستگار دخترش فاسق نباشد . عذاب های عجیبی که یکی از آنها این است که اگر به فاسق بدهد و فاسق بودن برایش مهم نباشد ، روزی ۷۰ بار ملائکه لعن می کنند .

غالب ما در منبرها مخاطب میان سال داریم . اگر کسی دخترش را به فاسق شوهر دهد ، پدر و دختر چه عذاب هایی دارند ....

خیلی از ماها این روایات را ندیدیم

نمی دانیم کدام قسمت دین تکلیف است که باید بگوییم

اگر این دو ازدواج کنند ، نسلشان فاسق می شود و توجه نداریم  
اصلا نماز نخوان بودن دختر یا پسر برای شخص مهم نیست . شرابخوار بودنش مهم نیست و ....

### کهنسالی

جوان شدن حرص یکی از ویژگی های این دوره است  
این حرص را اگر جهت بدهیم چه اتفاقی می افتد . این سن ، سنی هست که معمولا آدم ها یک  
عمری زحمت کشیده اند و دستشان باز هست که یا پول دارند یا آبرو یا ... هست  
باید این حرص را جهت بدهیم که در آخر عمرش باقیات الصالحاتی برای خودش رقم می زند که  
خیراتی برای او باقی می ماند .

به او گفتم که شما کارت اعتباری صادرات داری ؟ تجارت هم داری ؟  
اگر یک وقتی بخواهی از این حسابت به حساب دیگری بریزی  
اگر شما اجاره ی یکی از مغازه هایت را وقف امیر بیان کنی ، از حساب دنیایت به آخرت می  
شود .

هر دو حساب خودت هست ....

یک روایت برایش خواندم : شب های جمعه ی ماه رمضان ، اموات اجازه پیدا می کنند که پیش  
خویشاوندانشان بیایند . می گویند به ما رحم کنید به یک صدقه ای . ما مردیم و پول های ما برای  
شما ماند ولی شما یک صدقه از همین اموال خودمان نمی دهید . دیر بجنبی ، اموات می افتد  
دست زن و بچه ات که باید التماس کنی که یک چیزی برایت بفرستند و بدهند .

دومین نوع مخاطب شناسی : مخاطب شناسی جامع شناختی است  
یک ۲۵ ساله ی سرباز در فضای پادگان با ۲۵ ساله ی دانشجو که ارشد می خواند و در فضای  
دانشگاه هست فرق می کند . ویژگی های این دو یکی نیستند  
وقتی آدم ها عضو یک گروه اجتماعی می شوند یک ویژگی هایی بخاطر عضویت در آن گروه  
اجتماعی پیدا می کنند . مثلا ۲۵ ساله ی طلبه با ۲۵ ساله ی دانشجو فرق می کند . حتی از نظر  
ظاهری و قیافه . آدم ها وقتی عضو یک گروه اجتماعی می شوند یک هویت اجتماعی و گروهی  
خاصی را پیدا می کنند .

دانش آموز هیأتی با دانش آموزی که هیأتی نیست متفاوت است . یک اقتضات و اختصاصاتی به جهت گروه اجتماعی اش پیدا می کند .

معمولا سخنرانی های ما افراد به اعتبار افراد نیستند بلکه غالبا و عموما گروه های اجتماعی خاص هستند . یا مسجدی هست ، یا هیأتی ، یا طلبه ، یا دانشجو یا کارگر ، بانوان ، کارمند ، نظامی ، فرهنگیان ، اهل سنت ، رسانه ای و....  
سخنرانی با اهل سنت غالبا باید با استدلالات قرآنی باشد .

شخصی برای اولین بار می خواست در فضای دانشجویی سخنرانی کند .  
من چند تا ویژگی از دانشجویان گفتم ...

در هر کدام از این مخاطبان ، سراغ سخنرانانی رفتم که مدت زیادی در این فضاها دارد سخنرانی می کند . هر کدام از منبری های موفق در یک مخاطبی دارای تجربه هستند . ما بصورت میدانی از این ها اطلاعات گرفتیم .

سه عنصر مهم و کلیدی در سخنرانی :

۱ . پیام ( متناسب با نیازهای مخاطب )

۲ . راهبرد ...

دومین فائده ی مخاطب شناسی ، تعیین راهبرد است یعنی دریچه ی میل مخاطب هر مخاطبی با توجه به گروهش ، دریچه ی میل خاص خودش را دارد

پیام یعنی چه بگویم

راهبرد یعنی چگونه بگویم

در سخنرانی اگر راهبرد خوبی تعیین کنیم ، می توانیم پیام را با کمک راهبرد به بهترین شکل به مخاطب منتقل کنیم

راهبرد یعنی یافتن دریچه ی میل مخاطب یا نقطه ی تأثیرپذیری مخاطب

در کاراته کسی موفق است که تا در یک جایی گارد باز شد ، بزند . راهبرد یعنی راه نفوذ را پیدا کن . بین به چه چیزی تأثیرپذیر است و میل دارد .

در یک دبیرستانی می خواستند برای اولیاء صحبت شود ، اکثر اهل ماهواره بودند و تحصیل کرده بودند ( دبیرستان تیزهوشان ) به من گفتند که ....

تا به من گفتند که مخاطبانم تحصیل کرده هستند . معمول تحصیل کرده ها علم زدگی دارند و فکر می کنند که علم خیلی مهم است . من اوادم دریچه ی میل مخاطبم را بررسی کردم و مطالب ناب و علمی از ذهن انسان را بررسی کردم . که ذهن ما چند میلیارد عکس می تواند ذخیره کند . چشم ما هر روز تعداد زیادی عکس می گیرد و بعد از ۲۰ سال که او را می بینیم ، مغزمان قدرت بازیابی دارد که عکس ۲۰ سال پیش را می ...

از مطالب علمی در مورد مغز انسان را گفتم با اسلاید . اینهایی که می بینی ویژگی های مغز بچه های شما نیست . اینها مغز انسان های عادی است . این نعمتی که خدا به بچه ی شما داده از این هم قوی تر است . این قدرت ذخیره ی عکس را دیدی . یعنی بچه ی شما وقتی پای ماهواره می نشینید تمام این عکس ها را ذخیره می کند . بجای اینکه پای درس بنشیند و حواسش به ...

فقط این عکس نیست بلکه در این موقعیت به این مهمی بجای ....

به قیمت سرگرمی ، ...

دختر وقتی این تصاویر را می بیند ، علاقه مند می شود که با جنس مخالف ارتباط برقرار کند .

قرآن می گوید : قو انفسکم و اهلیکم نارا

بعدا باید این نعمت بچه را پاسخ بدهیم

باید ببینیم که پیام را از چه دریچه ای به او منتقل کنیم

ویژگی های جامعه شناختی

مخاطب مسجدی «

< اطلاعات زیاد مذهبی اما سطحی

< حضور خانوادگی

< پذیرش زیاد از سیره علماء

< تعبد بالا

حرف زیاد شنیدند . لذا اگر در سخنرانی یک نکته ی کلیدی را رعایت نکنی ، منبرت خراب می شود .

هر منبری ای که در این مسجد می آید ، بیشتر از صد نفر نمی شنند . ولی یک منبری آمد که حدود دو هزار نفر نشستند . چه اتفاقی افتاده ؟ مخاطب مسجدی اطلاعاتش زیاد است ولی سطحی . لذا اگر به عمق یک مطلب پردازی ، مطلبت گیرا می شود .

مثلا در مورد حضور قلب در نماز و اسرار نماز وقتی صحبت کردم گرفته است . چون اکثرا نماز می خوانند ولی حضور قلب ندارند .

بعضی از ماها ۵۰ سال است که نماز می خوانیم

در حالیکه در روایت داریم که از نمازت آنقدر قبول است که توجه داری

پرداختن به عمق یک معرفت می شود راهبرد من

لذا خیلی از پیام ها را در ذیل این راهبرد ( پرداختن به عمق مطلب ) می توانم بگویم .

مثلا در مورد حضور قلب در نماز می گویم یکی از چیزهایی که در حضور قلب در نماز موثر

است ، طهارت است . طهارت چه ظاهری و چه باطنی در حضور قلب در نماز موثر است .

به ما گفته اند وضو بگیری یعنی حضور قلب داشته باشی . اگر آلوده باشیم ارتباط برقرار نمی شود

طهارت ظاهری با آب پاک می شود . و طهارت باطنی هم با آب پاک می شود . بعضی از گناهان

و معصیت هایی که از صبح تا ظهر سر زده است با اشک چشم پاک می شود .

روایت داریم که اگر زن یا مرد از دست یکدیگر ناراضی شود ، تا وقتی راضی نشود به اندازه ی

ریگ های بیابان هم عبادت کند ، مقبول نیست .

سن مسجدی ها میانسالی و متأهل است و معمولا اخلاق همسرداریشان مشکل دارد . من در مورد

همسرداری و نحوه ی تعامل با همسر با او صحبت کردم . از راهبرد حضور قلب در نماز گریز زدم

به همسرداری . راهبرد کمک می کند که پیام را بتوانیم ...

یکی از ویژگی های مخاطب مسجدی ، حضور خانوادگی هست لذا هر مطلبی که می گوئیم باید

گره های خانوادگی هم برایش داشته باشیم .

معارف خانوادگی ؛ ....



در یک جایی می گفتند که محبت به همسر در اینجا آنقدر کم رنگ هست که باعث فساد شده است .

در جایی که پیام را انتخاب می کنیم . وقتی می خواهیم از ویژگی های صنفی اش می خواهیم پیام بیرون بکشیم ، حضور خانوادگی اش...

یا یک پیامی را انتخاب کردم و می خواهم خوب منتقل کنم ، باید از ویژگی تعبیدی بودن مسجدی ها استفاده کنم . لذا موضوعی که مورد نظرمان هست را با استفاده از راهبر تعبیدی به مسجدی ها منتقل می کنیم .

باید استخراج پیام و راهبرد استفاده کنیم . چه پیام و چه راهبرد از ویژگی های سنی و صنفی قابل درآوردن و استفاده هستند

« گروه دانشجو »

نگاه سوالی به دین

اندیشه محوری و عقلانیت

در نگاه سوالی به دین

در یک دانشگاهی گفتند ؛ ما جدیدالورودها را جمع کردیم و شما صحبت کنید .

به آن ها گفتم : اگر با خدای دبیرستانان به دانشگاه بیاید بی دین می شوید ( یعنی با همان اندازه

معرفت نسبت به خدا اگر وارد شوند در شبهات و سوالات جدید و بیشتری ، بی دین می شوید )

شما که دانشجو شدید باید اعتقادات را یکبار دیگر و در سطح خودت یاد بگیرید و بالا ببری .

خیلی ها متدین وارد دانشگاه می شوند و بی دین

نگاه سوالی یعنی نگاه پرسشگری دارد . و اعتقادات دین ما با نگاه پرسشگری و مستدل ثابت می

کند .

متناسب با سطح دانشگاهش اگر یکبار دیگر اعتقاداتش را بفهمد محکم می شود .

این می شود نمونه ی پیام

اما نمونه ی راهبرد

اندیشه محوری دارد : متفکری و منطقی به همه چی نگاه می کند  
یعنی اگر می خواهی دانشجو پیامت را خوب گوش کند . یک سوال مطرح کن و ذهنش را  
در گیر کن . در اینصورت با تمام وجود به پیامت گوش می کند .

در یک دانشگاهی نزدیکای سحر شب قدر با اینکه خسته بودند  
گفتم شما دانشجویان به ما طلبه ها گیر می دهید که مثلا می گوییم موسیقی حرام است .... شما  
می گوید تا دلیلت را نگویم من باور نمی کنم  
من الان یک سوال می کنم : تو چه حسابی از شب تا صبح بیدار بودی  
آیا واقعا اینطور است که یکسال هر کاری می خواهیم بکنیم و اگر یک شب تا صبح بیدار بمانیم ،  
تقدیراتمان را خوب می نویسند ! روی چه منطقی شما شب تا صبح بیدار ماندید .  
در همه ی ذهن ها ، سوال ایجاد شد و در گیر شدند .

الان مخاطب آماده ی پیام است . اندیشه مداری اش را تحریک کردم و الان او می گوید که حالا  
بگو . من می خواستم برایشان جا بیافتد که اینکه می گویند شب تقدیر است و بیدار بودنش ....  
بعد معرفتی اش را می خواستم جا بیاندازم که آن پیام جا بیافتد . آن پیام من « اثر گناه است »  
در این عالم هیچ چیزی بی تأثیر نیست . هر عملی یک واکنش و نتیجه دارد . هر کاری که بکنیم  
یک نتیجه ای دارد .

پس اعمال شما اثر دارد ولی خدا خدایی هست که .... بعد از انتقال پیام ، جواب سوال را هم می  
دهم که هم مخاطب من شب های قدر بیدار بماند و هم با معرفت باشد و بداند برای چی ....

مخاطب هیأتی «

۱ . آمادگی بالا برای دریافت ...

۲ . نیاز شدید به ایجاد و استحکام اندیشه

۳ . عالم محور نبودن هیأت ها و نیاز به ایجاد ...

۴ . احساسات شدید نسبت ...

۵. علاقه ی وافر به خاطرات شهداء

شما هر پیامی که بخواهید منتقل کنید می توانید با کمک خاطرات شهداء برایشان بیان کنی  
مخاطبین طلبه از سیره ی علماء و اصحاب جلیل القدر تأثیر پذیر هستند

در اوایل جوانی یک تندی با همسرم کردم ، در عالم معنا به من گفتند که ۲۰ سال عقب ماندی .  
بعضی از کارها خیلی آدم را عقب می اندازد و ....

بچه هیأتی که اهل مطالعه ی کتابهای شهید مطهری و دستغیب شود ، یا طلبه می شود یا هیأتی  
باقی می ماند . دریچه ی میلش خاطرات شهداء می شود . از چمران و ... می گوئیم که اهل مطالعه  
بوده اند .

تکلیف کارگاه پژوهش :

چهار گروه مخاطب از بین پنج گروه ؛ در هر گروه با دقت در ویژگی های یک راهبرد و یک پیام  
انتخاب می کنیم

مخاطب دانشجو ، دانش آموز ، مسجدی ، هیأتی  
در هر کدام از ویژگی های این چهار گروه یک پیام و یک راهبرد ...

نوع سوم مخاطب شناسی : مردم شناختی است

در روانشناختی ویژگی های سنی

در جامعه شناسی ویژگی های گروه و صنف را درآوردیم

حالا جوان ۲۵ ساله هیأتی خوزستان ، با کردستان ، با سیستان و .... فرق می کنند .

مسجدی های این ها هم باهم فرق می کنند

هر استانی یک مختصات مردم شناختی دارند

حتی در یک استان ، دو تا شهر باهم متفاوت هستند

در هر منطقه ای اگر می خواهی سخنرانی ات موثر باشد باید روی ویژگی های مردم شناختی آن منطقه باید کار کنی

در یک پرسش نامه ای ۱۳ سوال است که مختصات منطقه ای که صحبت می کنی را برای مشخص می کند

من می خواستم برای اولین بار یزد سخنرانی کنم . و نمی شناختم .

حسینیه ی صفّار در یزد دعوت شده بودم و نمی دانستم که تیپ فکریشان چطور است . گفتم هم باید یزد را بشناسم و هم مردم آن حسینیه را . از بین دوستانمان شخصی را پیدا کردم و اطلاعات گرفتم . به او گفتم : یک شب شام بیا منزل ما .

۲۰ صفحه اطلاعات از او گرفتم . ۱۳ تا سوال از او پرسیدم

شهادت می دهم که اگر این اطلاعات را از او نمی گرفتم ، منبرم نه تنها موثر واقع نمی شد بلکه من را مفتضح می کرد . چون یکی از اطلاعات و سوالاتم ، نگرش و جهت گیری سیاسی مردم آنجا بود . ( گفتند اینها از اول انقلاب با امام جمعه یعنی پسر آیت الله صدوقی مشکل داشتند . با انقلاب و رهبری و حکومت و... خیلی خوب نیستند ) . همین اطلاعات باعث شد که تکلیف را دوبرابر احساس کنم . اما وقتی فهمیدم که با ولایت مشکل دارند با خودم گفتم که باید جوری راهبردم را تنظیم کنم که بتوانم پیام ولایت را منتقل کنم . پیام ولایت می شود یک پیام ، حالا بدنبال راهبرد بودم .

پرسیدم که مردم ایجا از نظر فرهنگ خانوادگی چطور هستند ؛ گفت : که عاشق بحث های خانوادگی هستند ، که در فلان جا ها گیر دارند . آن گیرها می شود پیام ، و آن میل ها و علاقه ها می شود راهبرد

کربلایی که ما صحبت می کنیم ، حاصل خانواده است . عمر سعد ، یزید ، یارای امام حسین همگی حاصل خانواده هستند ، اگر خانواده یک ویژگی هایی داشته باشد ، یار حسین تحویل می دهد و اگر این ویژگی ها را داشته باشد یار یزید تحویل می دهد ....

وقتی منبرها باب میل آنها شد و شلوغ شد . شب آخر که مقبولیت و محبوبیت ایجاد شد ( با دریاچه ی میل ) حالا زمان آن شد با استفاده از دریاچه ی میل آن ها که استفاده کرده بودم حالا پیام را یعنی ، بحث ولایت را مطرح کردم .

درس مردم شناختی

۱ . میزان تدین و نوع آن چگونه است .

۲ . فرهنگ خانوادگی

=====

پیام

راهبرد

خط قرمز

پیام چه بگوییم

راهبرد چگونه بگوییم

خط قرمز : چه نگوییم

اگر ورود پیدا کنی ، مخاطبت را از دست می دهی و دیگر حرف هایت را نمی پذیری و سخت می پذیری . سخنران ماهر باید خطوط قرمز را بشناسد .

یکی از سوالات در مردم شناختی : آداب و رسوم است . هر کشور و منطقه ای آداب و رسومی دارد . گفتم در محرم ، آداب و رسوم چی هست ؟ گفت وسط منبرت در شب ششم ، دسته می آید و شما نباید اعتراض کنی . اگر مانع خواندنشان شوی ، بدشان می آید و بد تلقی می کنند . یکی از منبری های معروف کشوری آمد ، وسط منبرش دسته آمد و از شانشش دسته ی لات ها آمدند ، اینها با شور وارد شدند با شور یزدی ها سینه می زدند .

این منبری با صدای بلند گفت : آقا بنشین ، معرفت لازم است . عزیز دلم ، بی معرفتی امام حسین را برد کربلا . آمدیم بیرون دیدیم این گنده لات هایش اگر کار این مرتیکه را آگه من امشب چاقی نزنم ، بچه ی بابام نیستم . به دسته ی امام حسین بی احترامی کرد . چون عرف شده است ، این کار را بی احترامی می دادند .

آداب و رسوم هر منطقه ای اقتضات خودش را دارد .

یک سوال میزان تدین و نوع آن است  
ما از میزان تدین ، پیام استخراج می کنیم  
هیأتی داریم تا هیأتی

بعضی از هیأتی ها نماز شب می خوانند بعضی دیگر یکی در میان نماز می خوانند ، بعضی دیگر  
قلیانی هستند ...

دبیرستانی داریم تا دبیرستانی  
باید سطح تدین و مذهبی بودن مردم و مخاطبیتان را بررسییم .  
نوع تدین را بررسییم که در این منطقه چه مذهب هایی کار می کنند .  
مثلا اگر فهمیدی که وهابیت دارد کار می کند یا بقیه ی ادیان ، باید در پیام هایت بخشی از پیام  
هایت واکسن نسبت به هجمه ی آن ها باشد .

سوالات را بصورت ۱۳ سال در جزوه آورده ایم که ...  
وقتی فهمیدیم که اینها مذهبی هستند ، پس بعضی از پیام های ما می شود خط قرمز  
و وقتی فهمیدیم که غیر مذهبی هستند ، پس بعضی از ....

وقتی فهمیدیم که مردم اهل ماهواره هستند  
پس صحبت کردن در مورد ماهواره خط قرمز است  
پس صحبت کردن در مورد ماهواره به عنوان پیام لازم است  
پس باید خیلی ظریف و آرام آرام صحبت کنم و با حرف های غیر مستقیم زیر آب ماهواره را  
بزنیم بدون اینکه شمشیر را از رو ببندیم  
منظور از خط قرمز این نیست که متعرض مسأله نشویم بلکه منظورر اینست که خیلی آرام و با  
احتیاط قدم برداریم یعنی میدان مین است .

=====

تکلیف مردم شناختی :

یک مجلس در یکی از شهرستان را انتخاب می کنیم ( واقعی باشد ). سوالاتی که در جزوه هست را نسبت به مخاطبانمان جواب می دهیم و در نهایت یک پیام ، یک راهبرد و یک خط قرمز مشخص می کنیم .

## کارگاه عصر شنبه

شنبه، ۰۵ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۶:۱۷ ب.ظ

با اینکه از هر سه تالی روانشناختی ، جامعه شناسی و مردم شناسی پیام ، راهبرد و خط قرمز بدست می آید ولی بیشتر پیام ها از ویژگی های روانشناختی بدست می آید همچنین راهبردها از ویژگی های جامعه شناسی بدست می آید خط قرمزها از ویژگی های مردم شناسی بدست می آید .

البته منظور از خط قرمزها این نیست که همیشه نباید گفت بلکه اگر یک مطلب ارزشی هست که برای مخاطب الان خط قرمز هست در ابتدا و بصورت مستقیم نباید بگوییم بلکه با تأخیر و غیر مستقیم می گوییم .

راهبرد یعنی دریچه ی میل که مخاطب می پسندد .

داستان را غالباً همه ی اصناف مردم می پسندند ولی همین داستان را اگر در جمع هیأتی ها بخواهیم بگوییم از شهداء و علماء می گوییم و برای دانشجو از اندیشمندان می گوییم .

مثلاً رفتن به تفریح می شود دریچه ی میل . یک نکته هم بگوییم که از تفریح لذت بیشتری ببرد و در کنارش وارد پیام می شویم و پیام را می گوییم .

از آنجایی که مخاطبان دوست دارد شروع می کنیم و به آنجایی که تکلیفمان هست تمام می کنیم .

با مخاطب راه می رویم با توجه به میل او ، وقتی با ما همراه شد ، در برگشت به آنجایی که دوست داریم او را می بریم .

بحث های خانوادگی از بحث های جذاب و مورد نیاز همه است . پیام ما به اندازه ی ۵ دقیقه یا ۱۰ دقیقه ، بحث های خانوادگی بود .

=====

جواب سوالات مردم شناختی برای استان گلستان ، شهر دلدن ( برای مشخص شدن خط قرمزها و شاید مشخص شدن پیام ها و راهبردها )

۱ . تأثیر جغرافیا و مختصات اقلیمی بر رفتار مردم چیست ؟

سرزنده و سرسبز و با نشاط ، صحبت کردن با صدای بلند و خشن ، اهل دعوا بودن

۲ . میزان تدین و نوع آن ؟

اهل تسنن در کنار تشیع ، فعالیت وهابیت

۳ . فرهنگ و اخلاق خانوادگی ؟

بدرفتاری با فرزند و تربیت با کتک

۴ . آداب و رسوم ؟

.....

۵ . نگرش سیاسی ؟

اهل ولایت

۶ . آسیب ها و انحرافها ؟

مواد مخدر ، روابط ، قلیان خانه ها ، کلوپ ها

۷ . امتیازات و محاسن ؟



اهمیت به مراسم محرم ، شهر سادات بودن

۸. وضعیت و اخلاق اقتصادی؟

وضعیت اقتصادی خوب ، اختلاف طبقاتی زیاد ، خست مالی در امور دینی زیاد

۹. ادبیات ، گویش و لهجه؟

.....

۱۰. افتخارات و مشاهیر؟

شهر سادات

۱۱. علائق گروهی؟

جنگل ، شنا ...

۱۲. مقدسات و عقائد؟

.....

۱۳. اصطلاحات خاص؟

.....

۱۴. قومیت ها ، روابط و تعصبات

بحث نژاد پرستی

=====

آقای قیاس ؛ سوال می پرسد در سخنرانی .

-----

سخنرانی یکی از دوستان :

بعضی از سوالات هست که ذهن انسان را درگیر می کند

یک سوال اینست که فلسفه ی خلقت ما روی کره ی زمین چی هست ؟  
بهترین شخص برای پاسخ ؛ خود قرآن کریم است  
ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون

سوال دوم سرباز می کند : چه کاری را می گویند عبادت ؟  
در احادیث امور زیادی به عنوان عبادت معرفی شده است : برترین عبادات ؛ نماز معرفی شده  
است .

ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر  
ان الصلاة كانت على المومنین کتابا موقوتا....

نماز ؛ خط جدا کننده ی بین اسلام و کفر است .  
( در بین دانشجویان ما ، اهمیت چندانی به نماز نمی دهند )

نحن صراط المستقیم

معامله ی یک هیأتی با نماز چیست و معامله ی امام حسین علیه السلام با نماز چگونه بود !  
زمانی شور حسینی اهمیت دارد که همراه با شعور حسینی باشد .

=====

نکات این منبر :

پیام : نماز بود

مخاطبین جوانان و دانشجویان بودند

از ویژگی های جامعه شناسی قشر دانشجو از دو راهبرد : نگاه سوالی به دین و علاقه مند بودن به  
مباحث دینی عمیق و دقیق استفاده شده است ، اندیشه مداری و عقلانیت محوری .

خطاب باید متناسب با دانشجو باشد . آخوندی سوال نشود و آخوندی جواب داده نشود .

بلکه با فضا و ادبیات دانشجویی گفته شود . خیلی راحت سوال می کند نه با احترام و ....

از این راهبرد که می توان مطالب عمیق گفت را می توان استفاده کرد . می شود از نکات سطحی بالاتر رفت .

اما از اندیشه مداری و عقلانیت محوری دانشجو به عنوان راهبرد استفاده نشد .

=====

سخنرانی خودم :

- پول زیادی به من رسیده بد ، نمی دانستم چه کار کنم . گفتند یک شخصی هست که با پول کار می کند و سود می دهد . من هم اعتماد کردم و دادم . بعد از یکسال که سود خوبی گرفتم ادامه دادم . هنوز دو سال نشد که دیدم دیگه خبری نیست .  
( جدیت نسبت به انگیزه ی شخصی

=====

آقای قطبی به عنوان سخنران

گروه دانش آموز

شما نسبت به بچه ای که به دکتری که جان مادرش را نجات داده ، سلام نکرده چه نگاهی دارید .  
خدایی که قبل از تولد ما غذای ما را در شکم مادر آماده کرده ؛ آیا تشکر نمی خواهد  
بعد از دنیا آمدن این همه نعمت و زندگی به ما داده ، آیا جای تشکر ندارد  
زبان تشکر نماز است .

صبح دوشنبه ۱۶ / ۶ / ۹۴

دوشنبه ۰۷ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۸:۰۹ ق.ظ

مطلبی هست که برای زیارت امام رضا علیه السلام خیلی مقبول است .

پیش یکی از اولیاء رفتم که پیش او تمام وجود ما پیدا بود . مکان ایشان در یک حسینیه بود که صبح جمعه در آنجا دعای ندبه داشتند و سخنرانی می کردند . یک صبح جمعه ای من مراقبت کردم که آلوده نشوم ، ولی نزدیک حسینیه احساس کردم یک کدورتی ایجاد شده است . در مینی بوس با خودم گفتم که چه کنم ؟ یاد این روایت افتادم از امام رضا علیه السلام که اگر کسی برای جد غریبیم به اندازه ی بال مگسی اشک بریزد ، تمام گناهانش آمرزیده می شود حتی اگر به اندازه ی بال مگسی باشد

وسط منبرش رسیدم ( داشت در مورد رجعت صحبت می کرد )  
اینکه احساس کدورت می کنی ، می گویی یا ابالفضل ، این یعنی رجعت

این نکته را گفتم که پشت سرش این قسمت را بگویم  
رفتم زیارت حضرت معصومه دیدم ایشان هم آمده است  
به او گفتم : ما در زیارت ، معرفت زیارتان کم است چه در مشهد و چه در قم  
اینکه گفته شده است ، عارفا بحقه ...

این معرفت زیارت ضعیف است ، یک نکته بگویید برای با معرفت زیارت کردن  
ایشان فرمودند : وقتی زیارت می آید ، زیاد حرف نزنید ، یک مقدار هم گوش کنید .  
ایشان فرمودند ؛ زیارت نامه ی خود را بخوانید ، عرض حوائج هم داشته باشید و بعد از آن ، با تمام توجه بنشینید و با تمام وجود به حضرت توجه کنید ، آنوقت می بینید که در این سکوت و توجه به حضرت چیزهایی نصیب شما می شود . ( به شکل کاملاً دلنشین و زیبا و موثری بعد از یکمقدار که سکوت می کنید و با دل به حضرت توجه می کنید و معرفت قلبی حاصل می شود ، یکباره حس می کنی که انگار امام رضا یکباره ، خطاهایت را به تو توجه می دهد  
در ۶ ماه گذشته که میلیون ها قطعه دارد ، یکدفعه یک القاءات نفسانی برای شما حاصل می شود  
که مثلاً فلان اشتباه را در زندگی داشته ای ، با این کار این زیارت را از یک طرفه به دوطرفه تبدیل می کند )

ولی یک مقدمه هم دارد و آن اذن دخول امام رضا علیه السلام هست که وقتی می خوانید ، ( اذن دخول یعنی اجازه ی وارد شدن ) ، خیلی از ماها می خوانیم و وارد می شویم . سوال : وقتی اجازه

می گیرید ؛ تا مطمئن نشدید که صاحب بیت راضی هست به دخول ما ، آیا می توانیم داخل شویم ؟

برای عموم مردم ؛ اذن دخول را می خوانند و وارد می شوند ولی خوبان باید اذن دخول را جوری باید بخوانند که مطمئن شوند که آقا راضی به این دخول راضی هست  
راهش اینست که همان ابتدای اذن دخول که می گوییم : ما معتقد هستیم انی اعتقد حرمه هذا  
المشهد الشريف... آیه ی لاتدخلوا بیوت النبی را هم می خوانیم  
همینجا یک گریز بزنیید و یک روزه ی حضرت زهراء برای امام رضا بخوانید  
بگویید : یا امام رضا ؛ یک عده ای اومدند درب خانه ی مادرتان وو اذن نگر فتند و با لگد وارد  
خانه شدند ...

شما وقتی در جایگاه روزه خوان مادر امام رضا قرار گرفتید ، اجازه ی ورود قطعی هست . چون  
آن ها روزه خوان مادرشان را دوست دارند و شما را می پذیرند  
اگر توانستید گریز به کربلا بزنیید و اشک بر امام حسین علیه السلام هم جاری شود که نور علی  
نور است

سنت اهل بیت این بوده که به روزه خوان محفلشان « صله » می دادند لذا اگر کسی اینطور وارد  
شود ، دعای مستجاب هم پیدا می کند و امام رضا علیه السلام عنایت ویژه به این شخص می کند .  
اهل بیت روزه ی جدشان را دوست دارند .

شرط استفاده از این نکته اینست که هر وقت رفتید و از این نکته بهره بردید ؛ یک زیارت امین الله  
را من را میهمان کنید . ( هادوی )

=====

از فصل پردازش دو درس دیگر باقی است

۱ . روش و برنامه ی مطالعه برای منبر .

مطالعه ی یک منبری با بقیه ی طلبه ها فرق می کند .

روش فیش نویسی منبر هم فرق می کند . نرم افزار فیش منبر موضوعی هست که ۶ هزار فیش ناب  
در آن هست . در ورژن های بعدی این نرم افزار ذکری می خواهد تبدیل شود به شبکه ی ملی ....

که در سایت امیر بیان می شود و روز به روز افزایش فیش می شود . خود شما هم می توانید مطالعاتتان را بصورت موضوعی فیش برداری کنید .

درس پنجم هم چیش سخنرانی هست .

اگر شما روزی دو ساعت برای مطالعه ی منبر وقت بگذاری و طبق برنامه ای که در « بخش چهارم کتاب روش سخنرانی دینی - شیوه های آماده سازی و پرورش کلام -

یکی از کلیدی ترین مباحث امیر بیان و فن خطابه بحث امروز است

در سوره ی یوسف : قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی

از روی بصیرت ( نه صرف احساسات ، نه جبر ، نه تقلید ) به خدا دعوت می کنم . من پیامبر و هر کس تابع من است باید دعوت الی الله او « علی بصیرة » باشد . این آیه ؛ سخنرانان را دو گروه می کند . مبلغین تابع پیامبر و مبلغین غیر تابع پیامبر

لذا یک عده از سخنرانان که منبرشان « علی بصیرة » نیست ، سخنران تابع پیامبر نیستند

این آیه ی شریقه تاکیدات فراوانی دارد . اول آوردن « قل »

هذه سبیلی ... این سیره و راه من است نه اینکه بعضی وقت ها اینگونه باشد .

ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه...

خداوند متعال می فرماید که دعوت شما به خدا باید بالحکمه باشد ( علامه : منظور از حکمت ، بودن اندیشه در فضای سخنرانی هست . )

منظور از موعظه ی حسنه : اشاره به بعد احساس در سخنرانی هست

این یک راهبرد است

مخاطب تا اندیشه اش اقناع نشود ، با ما همراه نمی شود .

ما پنج مدل فعالیت در اندیشه ی مخاطب می توانیم انجام دهیم .

مهمترین فعالیت در اندیشه ی مخاطب ، اقناع است .

فعالیت های پیرامون اندیشه در سخنرانی :

۱ . آگاهی دادن

مخاطب نمی داند که یک درهم ربا از ۷۰ باز زنا با محارم در خانه ی خدا بیشتر است .

۲ . تذکر دهی

یکسری چیزها را می داند ولی ما می خواهیم به او خبر دهیم  
می داند که اگر گندم بکارد ، گندم درو می کند ... عزیز من بترس از ظلم کردن به کسی که جز  
خدا یآوری ندارد .

۳ . تمرکز بخشی

در منبرمان سعی می کنیم که ذهنمان را متمرکز در یک موضوع کنیم .  
باید ذهن شخص مقابل را متمرکز در یک موضوع کنیم . الکلام یجر الکلام نشود ، هر چه  
پراکندگی ذهنی شود ، تمرکز ذهنی مخاطب را بهم می زنیم لذا سخنرانی ما باید در یک محور  
باشد

۴ . اقناع و متقاعد کردن

آنجایی که مخاطب مطلبی را نفهمیده یا نمی خواهد قبول کند یا برایش جا نیافتاده ، ما نیازمند  
هستیم که فعالیت اقناعی انجام دهیم . اگر اقناع نشود ، مخاطب ظاهرا یا باطنا از ما جدا می شود .  
علامتش اینست که حواسش نیست و حرف ها را قبول ندارد لذا با موبایل بازی می کند یا با  
کناری اش صحبت می کند

اگر نتوانستی مخاطب را قانع کنی ، دیگر به مرحله ی احساس و رفتار نمی رسد  
لذا در سخنرانی باید یک فرایندی را بدانیم که هر پیامی که می خواهیم بدهیم باید مخاطب را  
قانع کنیم و الا گیر می کند

لذا اقناع مهمترین فعالیت اندیشه ای هست

۵ . رشد اندیشه ی مخاطب

فرق اقناع با رشد اندیشه چیست ؟

گاهی شما یک سوال مخاطب را پاسخ می دهی و قانع می شود

گاهی در خلال پاسخ به یک سوال ، به او یک چهارچوب فکری می دهی و اندیشه ی او را به طوری رشد می دهی که اگر با چند تا سوال هم مواجه شوی می تواند جواب دهد . کتابهای شهید مطهری که پیاده شدن سخنرانی های او هست ، همین اتفاق افتاده است

## اقناع اندیشه در سخنرانی

اندیشه موجب استحکام و ماندگاری تأثیرگذاری هست  
بعضی سخنرانان در فضای محرم و ... احساس سخنرانی اش بیشتر است لذا وقتی یک طوفان شهوت می آید ؛ از بین می رود .  
لذا جهنمی ها می گویند : لو كنا نسمع او نعقل ما كنا فی اصحاب السعیر  
یعنی اگر موفق شویم مردم جامعه را اهل تفکر و اندیشه کنیم ، از جهنمی شدنشان می توانیم جلوگیری کنیم .

## درس اول اقناع اندیشه :

۲۱ روش در قالب ۶ درس برای اقناع اندیشه به طلبه ها آموزش می دهیم

درس هفتم : روش ترکیب روش های اقناع اندیشه هست

چرا چنین درسی را گذاشتیم ؟ چون معمولاً شبهات را با یک روش اقناع اندیشه نمی توان پاسخ داد

بلکه باید از چند روش استفاده کند

لازمه ی ترکیب اینست که در این ۲۱ روش تسلط داشته باشی و بدانی که از کدام باید استفاده کنی .

ما ۶ روش را در قالب دو درس ؛ صبح و بعد از ظهر می گوییم

الان درس مقایسه و تشبیه که سه روش گفته می شود

یک مفهومی در ادبیات روایی هست به اسم قیاس . درست هست که اولین شخص ابلیس بود که مقایسه کرد ولی همه جا بد نیست . مقایسه یکی از روش های خوب برای اقناع اندیشه است  
ما دو نوع قیاس داریم .



۱. در مقام استنباط حکم

۲. در مقام تبیین حکم

حکم از راه صحیح استنباط شده است ولی مخاطب نمی تواند درک کند ، لذا ما با قیاس مطلب را برای شخص جا می اندازیم . قیاس به این معنا در قرآن و روایات هم به کار برده شده است منظورمان از قیاس ؛ قیاس در مقام تبیین حکم است . امتیازات این روش :

شما انواع مخاطبین را می توانید قانع کنی .

نمونه اش آقای قرائتی هست که در این ۳۰ سال سخنرانی اش همه ی کار

آچار فرانسه ی سخنرانی های آقای قرائتی ؛ قیاس و مقایسه و تشبیه هست

اگر تشبیه و تمثیل سازی ذهنتان می خواهد فعال شود باید این کتاب ها را تهیه کنید و به این سبکی که گفته می شود مطالعه کنید

این روش در انتقال مطالب خیلی به شما کمک می کنند

کتاب تمثیلات آقای قرائتی و حائری را نگاه کنید . روزی چند تا تمثیل مطالعه کنید و سعی کنید روزی دو تا خودتان اضافه کنید . انسان وقتی زیاد تمثیل می خوانید خود به خود در ذهنش تمثیل می آید .

این روش سه امتیاز دارد : اول اینکه در کمترین زمان ممکن می توانید مخاطب را قانع کنید .

مثلا شما یک فراز اندیشه ای داری و لابه لای صحبت ها ....

اگر مخاطب گیر کرد با یک مقایسه و تشبیه ، گیرش را باز می کنی . در واقع یک ابزاری هست

که هر جا مخاطب گیر کرد با این ابزار

۲. این روش برای همه قابل فهم است

۳. بعضی از روش های اقناع اندیشه ؛ ساعت ها مطالعه می برد ولی این روش زمان کمتری می

برد مخصوصا بعد از کسب مهارت ( در کمترین زمان قابل تولید است )

از روش مقایسه و تشبیه ؛ چگونه در سخنرانی بهره ببریم

مقایسه به دو نوع کلی تقسیم می شود :

۱. مقایسه و ترجیح

۲ . مقایسه و تشبیه

دوتا چیز را مقایسه می کنیم ولی گاهی از تفاوت ها استفاده می شود و گاهی از شباهت ها

### ۱ . مقایسه و ترجیح

من می خواهم شما را قانع کنم که طلبه ی هدفمند با طلبه ی بی هدف فرق می کنند .

می خواهم شما را قانع کنم و از بی هدف شما را خارج کنم

می گویم : طلبه ی هدفمند انگیزه دارد ، خستگی ندارد و چون هدف دارد خسته نمی شود ،

عمرش را به راحتی تلف نمی کند ، حوصله ی سریال دیدن ندارد ، نمی گذارد عمرش به راحتی

به بطالت بگذرد

ولی طلبه ی هدفمند : دنبال یک ساعت نمی گردد که سریع برود و مطالعه کند .... ، با یک مقدار

مطالعه خسته می شود .

چون انگیزه ندارد . مطالعاتش جهت ندارد . سرگردان است . تخصصی ندارد . توانایی یک کار

ویژه ندارد و بدرد یک درد ویژه ی امام زمان نمی خورد

اما طلبه ی هدفمند از رشته ها به اندازه ای می خواند که نیاز دارد .

سومین تفاوت در کارآمد بودن طلبه ی هدفمند و ناکارآمد بودن طلبه ی بی هدف است .

دنیا لذت هایش ته دارد ولی آخرت نه

دنیا لذت های همراه با عذاب است ولی آخرت ...

امیرالمومنین مقایسه می کند و می فرماید که اهل دنیا نباش و اهل آخرت باش

این روش که مقایسه هست .

مثلا شما می خواهی در مورد ولایت فقیه می خواهی صحبت کنی

می گویی ما چند مدل نظام داریم : دیکتاتوری ...

حاکم کشور می توانید فقیه باشد یا نباشد

بین اینکه فقیه باشد یا نباشد ، مقایسه می کنی

بین حکومتی که رهبر آن ، فقیه جامع الشرائط هست یا نیست مقایسه می کنی .

لذا مخاطب از این مقایسه به ترجیح یکی از دو طرف می رسد که می فهمد این بهتر از آن است .

حالت بعدی : مقایسه و تشبیه است  
که از شباهت ها استفاده می کنیم  
برای پیش سه مدل هست

## ۱. مقایسه با اجزاء دیگر دین

مثال : یک موقعی در تهران یک طرحی اجراء شد در ۵ سال پیش که از امیر بیان چند نفری  
مشارکت کردیم ؛ طرح پاسخ به سوالات در متروی تهران . دور اولش خیلی خوب بود و صحنه  
های زیبایی خلق می شد .

ایستگاه شهید بهشتی خیلی هم شلوغ می شد . مردم صف می ایستادند که ۵ دقیقه با روحانی  
صحبت کنند .

در این افرادی که می آمدند ، یک جوانی آمد که به ظاهر قرتی بود ولی با صفا بود و اعتقاد  
داشت

گفت یک سوال بپرسم ناراحت نمی شوی ؟ گفت یک حرف شما آخوندها در کتم نمی رود .  
گفت جوان ، صبح از خواب ناز بلند شده است و بر نفسش غلبه کرده و وضو گرفته و نماز صبح  
می خواند . شما می گویی که اگر مخارج حروف نمازش درست نباشد ، نمازش قبول نیست .  
خدا به این جوان می گوید احسنت و گیر به مخارج حروف نمازش نمی دهد

این یک سوال هست : ولی شما در سخنرانی دقیقا می توانیم مفاهیم را به همین شکل برای  
مخاطب جا بیاندازیم

ماه رمضان بود ؛ گفتم روزه ای ؟ گفت : بله

به او گفتم ؛ اگر یک ربع مانده به اذان مغرب ، بگویند روزه ات را بخور می خوری ؟  
گفتم : تو جوان در تابستان از صبح تا غروب گرسنگی و تشنگی را تحمل کردی ، حالا یک ربع

اینور یا اونور دیگر تفاوتی نمی کند ، گفت : نه ، باطل می شود

گفتم یک سوال دیگر

اگر شما مکه رفتی: در طواف اگر ۶ دور زدی و خسته شدی. برگردی و بگویی که اصل کار این بود که از ایران بیایی و این سختی را تحمل کنی، آیا قبول هست؟ گفت باطل می شود. گفتم ...

گفت: گرفتم. شما می خواهید بگویی که عبادت یک قانونی دارد و باید رعایت شود عبادت یعنی اطاعت امر مولا و آنطور که خواسته و اونی که خواسته باید انجام شود تا مقبول شود در نماز هم قرائت نماز را باید اینطور بخوانی ...

اگر بگویند که تو شربت آلبالو بیار و تو یک شربت دیگر بیاری فائده ای ندارد

ما در این روش با اجزاء دیگر دین پاسخ می دهیم این روش وقتی جواب می دهد که مخاطب، بخشی از معارف دین را قبول دارد ولی در بعضی از جاهای دیگر گیر دارد. غالب مخاطبین ما هم اینطور هستند که ما می توانیم با چیزهای دیگر دین که مقبول هست مقایسه کنیم. غالبا مخاطب چیزهایی که مطابق با هوای نفسش هست را از دین نمی پذیرد.

در تهران اهل گناه جسور شده اند و از بس امر به معروف و نهی از منکر ترک شده است، اهل گناه جسور شده اند. (اگر ترک شود، اشرار حاکم می شود و دعا مستجاب نمی شود) چی باعث شده که رسماً در تهران یک عده در خانم ها بی حجاب و بدون روسری رانندگی می کند. گاهی در معابر عمومی و پیاده رو، روسری را کنار می اندازند.

یک شبهه ای جا انداخته بودند که حرفی را قبول کن که در قرآن هست. گفتم شما نماز می خوانی؟ گفت نماز صبحم را دو رکعت خواندم. گفتم چرا نماز صبح دو رکعت هست؟ شما سه رکعت بخوان گفتم متأهلی؟ گفت بله. گفتم خانمونت را عقد کردی؟ گفتم عقدی که خواندی، کجای قرآن آمده

خیلی از چیزهایی که در دین ما هست، در قرآن نیست بلکه قرآن فرموده: ما آتاکم الرسول فخذوه ... ما که خوارج و سنی نیستیم که بگوییم حسبنا کتاب الله ...

پیامبر هم فرموده بعد از من از اهل بیت تبعیت کنید  
همه ی جزئیات که در قرآن نیامده است ، ما اهل بیت را قبول داریم ..  
مخاطب ما یک چیزهایی را قبول دارد و یک چیزهایی را قبول ندارد لذا برای اینکه بپذیرد باید با  
چیزهایی که قبول دارد مقایسه کرد

## ۲ . مقایسه با حالات و سخنان مخاطب در موقعیت ها و شرایط دیگر

مثال : یکبار در جمع دانشجویان در مورد حجاب سخنرانی کردم  
من بین حجاب و امام زمان گره زدم در فضای احساسی سخنرانی ام .  
من یک عمری هستم که نگاه به امام زمان نمی کنم تا چشم هایم لایق دیدار امام زمان شود ، شما  
می گوید که حضرت مانتو را دوست ندارد ، من هم می گویم چشم . شما ناموس حضرت هستید  
و ...

گفتند ما یک جای صحبت های شما را قبول نداریم  
شما گفتید اگر کسی آقا را دوست دارد باید چادر سرش کند  
ما می گویم محبت به دل هست نه چادر  
( شبهه ی دلت پاک باشد هم هست )  
گفتم فرض کنید که چند وقت از ازدواج شما می گذرد ، یکی از دوستانت به شما زنگ می زند  
و میگوید شما مگر با فلان پسر ازدواج نکردی ؟ گفت بله . آخه من دیدم الان در کافی شاپ  
فلانجا دارند با یک دختره می خندند  
می گویی ، کجا ؟ او می گوید شاید اشتباه کرده باشم  
بعد از چند روز دوباره زنگ می زند و می گوید الان فلانجا قرار دارد .

شما چرا ناراحت هستی ؟ من به شما علاقه دارم و با ایشان هم رابطه دارم  
آیا شما قبول می کنی که محبتش به شما با این رابطه قابل جمع هست ؟! می گویی نه : و می  
گویی اگر من را دوست داشتی ، کاری که من را ناراحت می کند انجام نمی دادی  
یک قانون در محبت جاری هست : آدم اگر کسی را دوست دارد ، کاری که او را ناراحت می  
کند انجام نمی دهد

امام زمان هم مانتو را دوست ندارد

ما خیلی از جاها اگر مخاطب را از یک موردی ببریم به مورد دیگر، همان حرفی که قبول ندارد را در جای دیگر ممی پذیرد

موضوع رابطه ی دختر و پسر بود

گفتم اگر کسی موتور گازی را بخرد ۱۰ میلیون به او چی می گوید؟ می گوئیم: بی عقل و احمق

چون موتور گازی یک ذره لذت دارد و لذتش ده میلیون نمی ارزد

در روایت دارد که اگر کسی با نامحرم شوخی کند و بگویند و بخندد به عدد هر کلمه اش؛ هزار سال در جهنم می ماند

این رابطه لذت دارد ولی لذتش به عذاب زیاد نمی ارزد

اگر آدم عاقل باشد، هیچ گناهی به عذابش نمی ارزد

می خواهی بدانی که طاقت داری یا نه، شعله کوچک گاز را روشن کن و دستت را ۵ دقیقه روی شعله کوچیکه نگه دار. نمی توانی

سر ۲۰ ثانیه پوست دستت می سوزد

ولی بذار یکذره بسوزد و بعدش به خودت بگو که تو ۲۰ ثانیه طاقت آتیش کوچیکه ی دنیا را هم

نداری، و مفت مفت آتیش جهنم را نخر

عذاب جهنم رابطه به لذت رابطه نمی ارزد

شما در موضوعات مختلف می توانی این کار را کنی

فقط باید مخاطب را ببری در یک صحنه ی دیگر و ....

به یک دختری گفتم: یک سوال دارم شما جواب بده: اگر کربلا بودی و می دیدی یک عده ای

دور امام حسین هستند و دارند به آقا سنگ می زدند، شما می زدی

اگر یک عده ای مسخره ات می کردند، و تو را کتک می زدند، آیا باز هم سنگ می زدی

امام زمان دوست ندارد که شما را اینطور ببیند

بخاطر مسخره کردن دیگران ، اینطور نگردن  
همه ی سختی های چادر به یک لبخند آقا امام زمان می ارزد ، نمی ارزد ؟  
ما با مقایسه با حالات مخاطب در شرائط دیگر می توانیم به مخاطب می فهمانیم که اینجا هم مثل  
همان هست و در آنجا چطور می پذیری ، اینجا هم باید پذیری

#### ۴ . مقایسه با اشیاء دیگر

دور و برمان پر است از اشیاء و نمونه هایی که باید در مقایسه از آنها استفاده کنیم

یک جوانی بود که نماز نمی خواند  
به او گفتم که موبایل را گر دوو روز شارژ نزنی ، چه می شود ؟ گفت خاموش می شود  
موبایل شارژ می خواهد . تو با این عظمت و روح ( و نفخت فیه من روحی )  
غذا اگر سه روز نخوری ، ضعیف و بی حال می شوی ، روح هم بی حال می شود  
روح را ضعیف نکن و گرنه هر گناهی ازت سر می زند  
با ارتباط با خدا روح شارژ می شود

یک تیکه هایی از دریا گاهی جدا می شود و تالاب و مرداب می شود  
آب مظهر زلالی هست ولی وقتی درجا می زند ، می گندد  
مومن مذموم هست که دو روزش مثل هم باشد  
آب وقتی درجا بزند می گندد  
دور و برما خیلی از چیزها هست  
اشیاء و تمثیلات در دور و برمان زیاد هست  
اگر عامل هم نباشی ، کلام تو که از روایات هست در مخاطب تأثیر می گذارد . عالم مثل فتیله  
هست که می سوزد و به بقیه هم نور می دهد  
شرایطی را باید رعایت کنیم :

۱. بین دو چیزی که تشبیه یا تفارق را می گوئیم ؛ وجوه قابل توجهی داشته باشد که مخاطب نگوید که چه ربطی به هم داشت
  ۲. پرورش مناسب طرفین تشبیه ( باید پرورش داد ... طرفین را )
  ۳. نقطه ی ارتباط ( وجه شبه ) را خوب بتوانی جا بیاندازی . بین موتورگازی ۱۰ میلیون و گناه و عذاب باید خوب جا بیاندازی ( که مثلا این رابطه ارزشش اینقدر است ولی ... )
  ۴. گرفتن اقرار از مخاطب در این روش ( اول نمی گوئیم که چه استفاده ای می خواهیم بکنیم )
  ۵. بهره گیری از طنز ( یک مقدار تشبیه ، مایه ی طنز هم داشته باشد )
- مواظب باشید که یک طرف تشبیه شما مطلب را اثبات نکند ، و طرف دیگر مطلب را نقض کند .

=====

تکلیف کارگاه پژوهش :

- چهارتا سوال پیدا کنید : هر کدام را با یکی از این چهار حالت برایش پاسخ پیدا کنید
- هر سوال را با یکی از این روش ها جواب دهید
- یکی را با مقایسه و ترجیح
- یکی را با مقایسه و ...

## شبکه های اجتماعی

دوشنبه، ۰۷ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۸:۴۸ ق.ظ

لذا جهنمی ها می گویند : لو كنا نسمع او نعقل ما كنا فی اصحاب السعیر  
یعنی اگر موفق شویم مردم جامعه را اهل تفکر و اندیشه کنیم ، از جهنمی شدنشان می توانیم  
جلوگیری کنیم .



## کارگاه صبح دوشنبه ۱۶ / ۶ / ۹۴

دوشنبه، ۰۷ سپتامبر ۲۰۱۵

۱۱:۰۸ ق.ظ

گاهی موقع مقایسه و تشبیه ؛ اقناعی هست ، گاهی احساسی هست و گاهی هم تبیین هست  
مثلا اگر شخصی ایراد می گیرد ، مثل مگسی هست که روی کثیفی می نشیند ( این اقناع نیست  
بلکه احساس هست )  
یا مثال و تشبیه به آب پاک و زلال ( تبیین هست )

=====

چرا جامعه باید حاکم اسلامی داشته باشد ؟  
دهها سال پیش مرجع تقلید بود و کافی هم بود و مشکلی هم نبود  
تبعیت از مرجع تقلید بخاطر رجوع به متخصص هست .

## عصر دوشنبه ۱۶ / ۶ / ۹۴

دوشنبه، ۰۷ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۴:۲۰ ب.ظ

دومین بحث از مباحث اقناع اندیشه ؛ روش استقراء و تحقیقات علمی هست  
جلسه ای بود ، عده ای از سخنرانان مطرح کشور را در معاونت تبلیغ حوزه جمع کرده بودند ، در  
این جلسه تقریبا هر ساله با جمعیت ۳۰ نفر برگزار می شود و همفکری بین آنان می شود که چه  
مباحثی در عاشورا مطرح شود  
بین بزرگواران افرادی بودند که ۳۰ الی ۴۰ سال منبری هست ، و بین اینها افرادی بودند که تازه  
مطرح شده اند . در چنین فضایی که هر شخص خودش را رجلی می داند ، یکی از بزرگواران که

اظهار نظر می کرد، بقیه حالت ها را بررسی می کردند که حالا مثلا تو هم بگو. بعضی دیگر را هم اصلا نگاه نمی کردند

لابه لای این سخنرانان، یک جوانی بود که سخنران موفقی هست و شروع کرد صحبت کردن، یک جمع نخبه ی اینچینی را اقناع کردن که همه قانع شود، کار سختی بود. من دقت می کردم که هر سخنران چه سبکی دارد و از چه روشی استفاده می کند

این جوان به روش استقراء توانست همه را قانع کرد. حتی بزرگترها شروع کردن به نوشتن. سن ایشان اقتضاء می کرد که حرفش را نپذیرند ولی چقدر سریع توانست بدون خون ریزی این کار را انجام دهد

این شخص گفت: به نظر من دو تا موضوع در محرم باید اولویت یک شما باشد  
۱. فرماندهی نیروی انتظامی کل کشور مصاحبه ای داشت و گفت که ما هفته ی گذشته ؛ ۲۰۰ میلیون لیتر مشروبات الکلی توقیف کردیم که این فقط یک سوم مشروبات موجود در کشور است یعنی ۶۰۰ میلیون لیتر بوده و ما فقط ۲۰۰ میلیون لیتر آن را توانستیم کشف کنیم بعد از نقل این آمار، همه شروع کردن نوشتن. مستندش را هم دقیق گفت

۲. یک آمار دقیقی از قوه ی قضائیه ؛ آمار طلاق یکسال گذشته و مقایسه اش با ده سال گذشته و

...

در این مقایسه در همگی اعجابی ایجاد شد که اوضاع طلاق، یک اوضاع بحرانی هست طلاق مساوی هست با فرزندان طلاق و مشکلات دیگر در جامعه لذا باید به بحث خانواده پردازیم

## استقراء و تحقیقات علمی

یک روش هست که هم جذاب هست و هم نشان دهنده ی تحقیقی بودن سخنرانی هست. مخصوصا اگر مخاطب شما تحصیل کرده باشد استفاده از این روش زودتر او را قانع می کند. زحمت زیادی هم ندارد و سریع قانع می شود.

استقراء پایه ی زندگی روزمره ی همه ی مردم ماست . با اینکه می دانیم استقراء ناقص هست و تام و هر دو اینجور هست ولی هر وقت بیمار شویم به دکتر می رویم با اینکه اساس پزشکی با آزمون و خطا و استقراء هست .

بعضی از جاها می توانیم استقراء تام هم انجام داد و بعضی از جاها که ناقص هست ، همین ناقصش گویای کلی حرف هست . فرض کنید عامل طلاق ها در پرونده ها ذکر شده است و فقط ۴ درصد منشأ اقتصادی بوده و در ۹۶ درصد عوامل دیگری هست .

ولو اینکه در این بررسی ده درصد خطا شده باشد و فووش می شود ۱۵ درصد خطا . ولی دیگر ۸۰ درصد که نمی شود . پس پاسخ استقراء قابل اعتنا هست به شرطی که صحیح انجام شده باشد

انواع استقراء

الف ( استقراء کتابی

ب : استقراء آزمایشی

ج : استقراء میدانی

الف : استقراء کتابی

سه شکل برای منبری قابل استفاده است

۱ . قرآنی

۲ . روایی

۳ . تاریخی

استقراء قرآنی :

با دکتر رفیعی من مصاحبه ای داشتم

من از ایشان پرسیدم که از مرحله ی انتخاب موضوع تا آماده شدن مطلبتان ، چه مراحل را طی می کنید ؟

گفت : قدم اول بعد از انتخاب موضوعم ، احصاء آیات و روایات در این موضوع هست

شروع می کنم آیات و روایات را دسته بندی کردن

ما به این کار می‌گوییم استقراء قرآنی که اولاً یک قوت قلب هست برای خود سخنران که اولاً حرف خدا چی هست ، چون در منبر هدف ما اینست که حرف خدا را بگوییم در این استقراء گاهی آمارهایی که کشف می‌شود خیلی جالب هست

در یک شهری منبر می‌رفتیم ؛ شخصی به من گفت که فلانی معلم قرآن و عربی است . یکدفعه وسط منبر بلند شد و گفت : حاج آقا ، بحث شما قرآنی نیست ( ما طلبه‌ها با چند تا گروه که خرده علم دارند مشکل داریم : مداحان ، معلمان دینی و عربی ، پاسداران )  
گفتم : کجایش قرآنی نیست . گفت : شما اندارتان بیشتر از تبشیر دارد . در حالیکه قرآن می‌گوید : انذار و تبشیرتان یکی باشد  
ما در هیچ جای قرآن نداریم که حصر کرده باشد و تبشیر را حصر کرده باشد .  
انما انت منذر ، ان انت الا نذیر

آیا مربوط به عذاب و اندازی را بررسی کردی نسبت به تبشیری ؟ گفت : نه . گفتم : آیات اندازی بیشتر است

تبشیر : امید ایجاد می‌کند ، امید سرازیری هست ، آدم‌ها را ولشان کنی ، امیدوار هست  
اگر انذار بیشتر از تبشیر باشد ، اینها مساوی نمی‌شود  
پس انذار باید بیش از امید باشد تا ترس و امید اندازه هم شود و الا اندازه هم نمی‌شود

یکبار آمدم و آیات رزق را در قرآن احصاء کردم . حدود ۹۰ آیه ی رزق در قرآن داریم شروع کردم و این آیات را بررسی کردم . به این نکته رسیدم و آن اینکه خدای متعال از ۱۰۰ آیه رزق ، حدود ۸۰ آیه یک حرف رازده و در ۲۰ تای دیگر مطالب دیگر را گفته همین تکرار نشان می‌دهد که در بحث رزق ؛ مفهوم اصلی همین است . یک مفهوم در رزق ۸۰ بار تکرار شده و آن مفهوم : رازق بودن خداست . ان الله یسط الرزق لمن یشاء و یقدر....  
اگر بدانند رازق خداست ؛ می‌داند که خدا روزی می‌دهد لذا در کسبش دروغ نمی‌گوید ، فرزند می‌آورد و...

این مطلب می‌شود استدلال من ، که چرا این مطلب مهم ترین مطلب در بحث رزق هست .

یکبار نگاه در قرآن را بررسی می‌کردم :

دیدم ۵ مدل نگاه در قرآن مطرح شده است  
یک نگاه در قرآن؛ نگاه حسرت هست. لا تمدنّ عینیک .... نگاه بلند مدت و کشیده به ظاهر  
حیات دنیایی اینها نکن  
نگاه دقت: افلا ينظرون الی الابل کیف خلقت ....  
نگاه شهوت: قل للمومنین یغضوا من ابصارهم  
نگاه عبادت: مثل نگاه به والدین  
نگاه دیگری که ۲۲ بار در قرآن مطرح شده است و کمتر در منبرهای ما گفته می شود؛ نگاه  
عبرت است.  
فلینظر کیف کان عاقبه ....

بعضی از راهها را جلوتر از ماها رفته اند، و ما نباید دوباره ضربه بخوریم.

گاهی موقع استقراء، تعداد نیست. بلکه گاهی می گویند، خداوند متعال یک مطلب را فقط  
یکبار در قرآن ذکر کرده است. مثل اینکه اگر فلان کار را کنید، اعلان جنگ با خداست یعنی  
این عمل آنقدر قبح دارد و زشت هست که سبب اعلام جنگ با خداست و آن ربا هست.  
فأذنوا بحرب من الله

استقراء روایی:

مثال:

بعضی وقت ها یک بحثی در هیأت ها داغ هست و آن اینکه بچه هیأتی ها می گویند محبت، و  
طلبه ها می گویند تقوا. ان کنت تعمل .... و الا فلا. اگر اهل گناه باشی، باید جهنم بروی و بعد با  
شفاعت ما بهشت بروی.

در فضای هیأت ها می گویند که محبت برای نجات ما کافی هست.

یکی از راههای استدلال کردن، راهش اینست که روایاتش را برای شخص بیاوریم.  
بگوییم روایات این باب سه دسته هست. بعضی از روحانیون می گویند که محبت بدون تقوا هیچ  
فائده ای ندارد. این حرف اشتباه است چون محبت اهل بیت حتی برای یهودی و مسیحی هم  
فائده دارد ولی باعث نجاتش نمی شود.

محبت مراتبی دارد و روایاتش متفاوت است . یک زمانی بود که اگر محبت هم می داشتند آنها را می کشتند . لذا حضرات می خواستند تنور محبت داغ بماند  
در ۴۰ حدیث ، بابی هست به نام محبت اهل بیت ...

در استقراء روایی نمونه های مختلفی می توانیم داشته باشیم .  
در قضیه ی فرزند آوری روایات چه گفته اند ؟ برای محکم شدن دل مخاطب کافی هست

### استقراء تاریخی

اینکه راجع به کربلا و کوفه و ... استقراء می کنید که وضعیت چگونه بوده است و این استقراء به ما امکان تحلیل در مورد کربلا و ... می دهد .  
استقراء روایی و تاریخی در هر دو صورت اثرگذار است .  
لشگر عمر سعد چند نفرشان کافر بودند ؟ کفار برای جنگ نیامده بودند . عده ای از اینان پای رکاب حضرت علی علیه السلام بودند .  
استقراء تاریخی خیلی از چیزها را نشان می دهد  
حرف های شهید مطهری در حماسه ی حسینی مستند به استقراء های تاریخی هست .

### استقراء آزمایشی و میدانی

تفاوت این دو : در استقراء آزمایشگاهی ، متغیرها در اختیار آزمایشگر هست و ...  
مثلا یکی از آزمایش های آزمایشگاهی ؛ آزمایش « هیل » است که تحقیقش این بود که یک تعداد افراد را برای آزمایش از آنها دعوت کرد . در یک اتاقی آن ها را گذاشت که یک دسته ای بود که ولوم را کم و زیاد می کرد ... در اتاق یک شیشه ای بود و به او گفته بودند که تو ادای آدمی که برق گرفته است را در بیاور .  
فرد آزمایشگر به اینها می گفت که شما این ولتاژ برق را شروع می کنی تا ۲۲۰ ولت . بعد به او می گفت که به میزانی که من به او می گویم ، تو بیشتر عکس العمل نشان بده .

بعضی از این آزمایش دهنده ها به یک مرحله ای که می رسید دیگر ادامه نمی دادند و حاضر به اطاعت از دستور او نمی شدند و قید پول را می زدند .

بعدا اومد فضا و مکان آزمایش را عوض کرد . اینبار دیگر شیشه ای نبود و صحنه را نمی دید و فقط صدا را می شنید و به او گفته بودند ...ببیند که چند نفر حاضر می شوند تا مرگ او پول بگیرند و ///

مرحله ی سوم دیگه نه صدا بود و نه تصویر ....

در حالت اول فقط ۲۵ درصد حاضر شدند تا مرگ شخص مقابل پیش بروند . در حالت دوم ۵۰ درصد و در حالت سوم ۷۵ درصد حاضر شدند تفاوت این سه ؛ این بود که یکی هم می دید و هم می شنوید ، دیگری ....

شخص روانشناس نظامی بود ...

پس سربازها باید طوری شود که اثر جنایتشان را نه ببینند و نه بشنوند و در این صورت می توانند بیشتر جنایت کنند

شبهه همین برای منبر

استقراء آزمایشگاهی برای منبر

یک آقای به اسم سولمان اشک ، ۲۰ نفر آورد که ۱۵ نفر با او همراهی می کردند و ۵ نفر آزمایشگر بودند که این ۵ نفر خبر نداشتند که این ۱۵ نفر دیگر دستیارهای آزمایشگر هستند این ۲۰ نفر که ۱۵ نفرشان هماهنگ بودند ، این آقای اشک خط هایی کشید و گفت نگاه کنید که کدامیک از دو خط اندازه ی هم هستند

وقتی از دور نگاه می کنی ، ممکن است چشم خطاهایی دارد

هماهنگ کرد که همه ی شما بگویید که الف با جیم مساوی هست در حالیکه هر شخصی که نگاه کند می فهمد که الف با ب مساوی هست نه با جیم . اما چون ۱۵ نفر جور دیگری گفتند با خودش می گفت که نکند که من دارم اشتباه می کنم و اشتباه می بینم با اینکه می دیدند الف با ب مساوی هست ولی در اظهار نظر ، جرأت اینکه با جمع مخالفت کنند ندارند .

وقتی ۱۵ نفر را ده نفر می کند، و همینطور که کمتر می کرد، دیگر به بقیه نگاه نمی کردند

از این آزمایش نتیجه می گیریم که ارزش جماعات در اسلام چقدر زیاد است. وقتی احساس می کنند که یک جمعی با شما همراه هست، خیلی احساس خوبی دارند.

به مردم می گوئیم که لا تستوحشوا فی طریق الهدی من قله. نباید تحت تأثیر جمع قرار بگیریم  
جمع روی فرد اثر دارد

اثر اجتماعی جمع روی فرد

لذا در جمع دانشجویان می گوئیم که حرکت های اجتماعی نباید در شما تأثیر بگذارد.

استقراء میدانی:

استقراء آزمایشگاهی بیشتر در علوم روانشناسی استفاده می شود. استقراء میدانی در علوم جامع شناسی.

در دانشگاه می خواستم در مورد موسیقی صحبت کنم

شروع صحبتم این بود، مجله ی آکادمیک ...

ابعاد متافیزیکی موسیقی عنوان بحثم بود

تحقیقاتی در این مجله ذکر شده بود که مردم آمریکا، هر شب ۳۰ میلیون قرص خواب آور

استفاده می کنند. که برای ۸ شب مردم کره ی زمین کافی است

وزارت بهداشت ایتالیا اعلام رسمی کرد که بیشترین مریضی در ایتالیا بعد از بیماریهای قلبی،

بیماریهای روانی است. همین آمار را وزارت بهداشت سوئد هم اعلام کرد

این آمارها را وقتی کنار هم می گذاریم؛ سوال برای من پیش می آید که در امریکا که انواع

کنسرت ها هست، وقتی اینها می گویند غذای روح هست، پس چرا روح های نا آرام آن ها را

موسیقی آرام نمی کند. شما که مصرف می کنید چرا اینقدر مشکلات روانی دارید و ۳۰ میلیون

قرص خواب آور ...

قرآن می فرماید: و نفخت فیه من روحی

این انسان فقط در اثر نزدیکی به منبع اصلی اش آرام می شود



نه تنها موسیقی آرام نمی کند : هگل می گوید : موسیقی با ما آن کاری را می کند که یک چوب با حوض می کند

دیدید یک حوض که تهش جلبک مانده باشد ، چطور اگر هم بزنی ، آن ...  
موسیقی درون انسان را هم می زند و یکسری نیازهای خفته را بیدار می کند  
تا الان مشغول درس بود ولی الان احساس نیاز به جنس مخالف می ...  
گاهی موقع غم نداری ولی یک موسیقی غمگین می گذاری ، تمام غم های عالم می آید  
آرامش شما را بهم می زند

در جالیکه اگر به خدا وصل شوی ، همه کاره ی عالم هست و چرا غصه بخوری و چرا نا امید شوی و احساس می کنی که همه ی مشکلات را می تواند برطرف کند ...

آمار دیگر :

کتاب عصر امام خمینی را بخوانید  
یک آمارهایی را آقای حاجتی می آورد  
در امریکا یکسری همایش های علمی توسط دانشگاههای علوم پزشکی برگزار می شود که در آن همایش ها بحث اینست : معنویت درمانی  
نقش دعا در درمان بیماری های لاعلاج  
مریض هایی که دیگر از نظر پزشکی نمی توان درمان کرد ، وقتی بحث ذکر و دعا وسط می آید ، آمار گرفتند که تعداد مشخصی درمان شدند . و دعا آن ها را آرام می کند  
نقش ذکر ، اتصال به معبود در آرامش تأثیر دارد .

هر کس تریبون دارد وظیفه دارد در مورد اقتصاد مقاومتی و موضوعات مربوط به آن صحبت کند  
اسراف بی داد می کند

مردم ایران ۷۰ میلیون هستند . قوت غالب آنها برنج است . اگر ۳۰ میلیون در یک بشقاب برنج روزانه ی خود یکدانه برنج اسراف کند . روزی ۳۰ میلیون دانه برنج اسراف می شود

هر ۱۰ هزار دانه برنج معادل یک کیلو برنج هست . ۳۰ میلیون وقتی تقسیم بر ۱۰ هزار شود می شود ۳ هزار کیلو که ۳ تن برنج در روز می شود . در ماه می شود ۹۰ تن برنج و در سال می شود حدود هزار تن برنج

با هزار تن برنج چند تا خانواده ی فقیر زندگی آن ها تأمین می شود .  
این استقراء ، میدانی و دست ساز بود و خود شما هم مثل این را می توانید درست کنید .

شرائط استقراء میدانی :

۱ . گستره استقراء باید قابل اعتنا باشد

( بعضی از آمارها پشتوانه اش استقرائی هست که دارای مشکل است )

۲ . بیان استقراء ، دقت و نسیت رعایت شود

اون آماری که ارائه می کنی باید دقیق باشد . مثلاً اکثریت فائده ندارد بلکه باید بگویی ۶ میلیون یا ....

اما باید نسیت را رعایت کنی یعنی بهتر است از کلماتی استفاده شود که بعداً نتوانند مچ شما را بگیرند یعنی می گوئیم : به نظر می رسد نه اینکه « حتماً اینطور هست »

آقای عباسی ولدی ؛ یک سلسله بحث در مورد طلاق داشت که عوامل طلاق را بررسی کرده بود که ۸۰ درصد از طلاق ها ؛ عاملش از مسائل اخلاقی نشأت گرفته بوده ؛ روابط ناصحیح با نامحرم و حجاب بوده است .

حتی در طلبه ها ؛ سر سفره ها با هم ننشینید بلکه جدا بنشینید . این اختلاط هر جا که بیاید ، مفسد بدنبال دارد . نامحرم باید به اندازه ضرورت رابطه باشد .

۳ . شرائط مصاحبه مهم است و سوالها مهم است

باید ببینید که شرائط مصاحبه و سوالها چی بوده که بعضی سوالها جهت می دهد به جواب ها

۴ . تعداد افراد مصاحبه شونده مهم است ، سال آزمایش و شخص آزمایشگر

۵ . استقراء بومی و دارای تحلیل های روایی و قرآنی اولویت دارند

تحلیل استقراء در میزان اقناعش خیلی موثر است . باید بتوانی تحلیل کنی که از این آمار بر می آید که ....

لذا در فضای کارگاه باید تحلیل شما دقت شود .

چند تا کتاب از حیث استقراء میدانی :

آمارها پرده برمی دارد ( اصغر ... )

از نگاه آمار ( اسماعیلی )

عصر امام خمینی )

=====

تکلیف :

یک سوال از جنس سوالاتی که با استقراء قابل اقناع هست

مثلا چه جور سوالاتی با استقراء ( سوالاتی که اگر کمیت یک چیز را بفهمد ، قانع می شود

مثلا بر می گردد و می گوید که در جوامع غربی ... اگر حجاب را آزاد کنی ، خیلی از فسادها

کاهش پیدا می کند و بعد می گوید که الانسان حریص علی ما منع ...

شما می گوید که اگر آزاد کنیم ، مفسد کم می شود . خود دادگستری انگلیس طی آمار رسمی

اعلام کرد که در هر دقیقه در انگلیسی ، سه خشونت جنسی انجام می شود . با اینکه حجاب در

انگلیس اجباری نیست

در آمریکا آمار گرفتند که دخترها چند درصد از آنها قبل از اینکه به بلوغ جنسی برسند به آنها

تجاوز می شود ....

یک استقراء خوب قانع کننده با تحلیل و اقناع ارائه می دهی ، با توجه به سوال

سه شنبه صبح ۱۷ / ۶ / ۹۴

سه شنبه ۰۸ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۸:۰۸ ق.ظ

## فصل چهارم از فصول روش سخنرانی

### روشهای پرورش احساس

یک مفهومی در دین داریم به اسم قبولی اعمال که با صحت فرق می کند . گاهی موقع زحمت زیاد می کشیم ولی به بعضی نکات کیفی کم توجه می کنیم و در قیامت می بیند که زحمات عمرش بخاطر عدم توجه به یک نکته ی کیفی ، همه ی اعمالش هباء منثورا شده است .

خوب است که یک تحقیق نو و جدیدی در مورد قبولی اعمال داشته باشیم که چه کنیم اعمالمان قبول شود ؟

آیه ی قرآنی هست که نگران کننده هست « انما يتقبل الله من المتقين » خدا فقط از متقین قبول می کند .

اینکه فقط از متقین قبول می کند باید یک منبری را نگران کند که اگر یک منبری درجه ی یک باشد ، خداوند می فرماید اگر تقوا داری ، منبرهایت قبول است و الا خدا قبولت ندارد . اگر تمام عالم بگویند که تو نفر اول جهان هستی و در اوج محبوبیت هستی ، خدا که می داند .... دنیا که می گذرد و این همه علاقه ها هیچ کدام به درد ما نمی خورد ، در نهایت سر و کارمان با اوست و خدا باید بپذیرد . انا لله و انا اليه راجعون

اگر خیلی اهل تلاش هستید ، کنار ذهنتان این آیه را در نظر بگیرید . یک وقت روز قیامت نگویند که ۵۰ سال منبر شما مورد قبول خدا نیست . باید از خدا بخواهیم که ...

بعضی از طلبه هایی که می گویند تا اهل عمل نشدیم ، منبر نمی رویم . این هم کید شیطان است . اما چه خوب است که خودش اول مستمع اهل منبرش باشد . وقتی می گویم که مراقب چشمت باش ، خودم عمل می کنم . یک منبری اگر خودش به حرف هایی که می زند عمل کند ، می شود مجسمه ی تقوا .

در روایات ما در مورد عالم بی عمل می گویند که اهل جهنم از بوی بد عالم بی عمل متنفر می شوند و متاذی می شوند و به خدا شکایت می کنند که خدایا خیلی به ما سخت می گذرد !

=====

فصل احساس یکی از فصل های فوق العاده با اهمیت موسسه هست  
وقتی می گوئیم احساس ، بعضی دوستان طلبه تصورشان احساساتی کردن مخاطب است بلکه  
منظور ما کار هدفمند روی احساس مخاطب است که در روایات مورد تأکید قرار گرفته است .  
در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید : هل الدین الا الحب و البغض  
آیا دین چیزی جز محبت و نفرت هست ؟ این دو ، دو احساس هست که حضرت به عنوان ماهیت  
دین معرفی میکند

گاهی بعضی احساسها در تربیت شخص ، نقش محوری ایفا می کنند  
تولی و تبری حاصل احساس عمیق در خوبان ....  
در روایت داریم که مومن ، مومن نمی شود مگر اینکه دو تا حس در او مساوی شود : خوف و  
رجاء

نقش خوف و رجاء در تربیت چقدر است  
اینقدری هست که خداوند می فرماید : رسل مبشرین و منذرین . یعنی ابزار پیامبران این دو بوده  
پیامبران انذار می کنند تا مخاطب بترسد ( انذار برای ایجاد ترس است ) تا وارد خطوط قرمز نشود  
تبشیر بخاطر اینست که مخاطب انگیزه داشته باشد و حرکت کند .

عزیزی گفت : من احساس می کنم این مباحث ، سخنرانی مثل شهید مطهری را نمی سازد .  
من می گویم این مباحث اگر با زحماتی که شهید مطهری در مباحث علمی کرده ادغام شود ،  
فردی کاملتر از شهید مطهری را می سازد .  
شهید مطهری با فن بیان به این معنا کار نکرده بود . آنچه اتفاق افتاد ، حاصل زحمات معارفی او  
بوده و اگر به آن تلاش ها فن بیان ضمیمه می شد ، خیلی موفقیت بیشتری حاصل می شد .

مقدمات نظری احساس

قسمت اول

آشنایی با احساس ( و مفاهیم نزدیک آن )

آدم ها بیشتر روی عقل گناه می کنند یا احساسشان؟ اگر عقل بود که گناه نمی کردند. العقل  
ما عبد به الرحمان و اكتسب به الجنان. لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في...  
چون احساس بر عقل غلبه کرده، فائده ندارد و گناه می کند  
من يك ساعت عقلانی و منطقی صحبت کردم  
بعد از جلسه می گفتند با اینکه چنین شخصی که با نامحرم ارتباط برقرار کرده، احمق هست...  
ولی باز هم می گفت که چه کار کنم که دوستش دارم  
محبت به دنیا کار دست آدم ها می دهد. این محبت و احساس را هم فقط با عقل نمی شود مهار  
کرد. خود خدا هم که می خواهد بنده هایش را تربیت کند، فقط با عقل حرف نزده  
در کنار کار اندیشه ای در قرآن، آیاتی دارد که روی احساس مخاطب کار کرده است  
محبت و نفرت در وجودش ایجاد کرده است  
لازمه ی تربیت انسان ها، احساس است  
چون مخاطب ما انسان است و چون انسان احساس دارد پس باید با احساس او کار داشته باشیم.  
همین احساس نمی گذارد که آنجور که شما می خواهید تربیت شود  
سخنرانان دینی، نسبت به دنیای احساس انسان، اطلاعاتشان کم است  
نمی دانیم که انسان چند نوع احساس دارد و این احساسات چگونه شکل می گیرد.  
من به جرأت می گویم که سخنرانانی که در سطح یک صحبت می کنند، ولی اطلاعات زیادی  
در مورد احساس انسان ها ندارند.  
چه فرایندی طی می شود که احساس در وجود مخاطب شکل می گیرد  
سخنرانی که اینها را نمی داند مثل اینست که چشم هایش را بسته و تیر می اندازد چون نمی داند  
که در فضای احساس دارد کجا را می زند.  
قبل از ورود به روش های پرورش احساس، توضیح چند عنوان لازم است.

۱. تعریف احساس و رابطه اش با مفاهیم نزدیک با احساس  
کتاب درس هایی از قرآن آیت الله مصباح، جلد ۲ یک فصل را به بحث احساس پرداخته است

آیت الله جوادی هم در بحث پیامبران (تفسیر موضوعی) که بحث خوف و رجاء را مطرح می کند یک مقدار بحث کمی کرده است .

در بحث هوش هیجانی غربی ها یک مقدار به این مبحث پرداختند .

۲. فرایند تأثیر احساسی انسان

۳. دانستن فرایند تأثیری

۱. تعریف احساس و رابطه اش با مفاهیم نزدیک با احساس

تعریف احساس و پرورش احساس در سخنرانی :

**تحریک و فعالسازی امیال ، گرایش ها و عواطف انسانی پیرامون موضوع مورد**

**پذیرش او جهت ایجاد رفتارهای مطلوب دینی**

باید در موضوعی وارد احساس شخص شوید که قبل از آن در اقناعش کار کرده باشی و مخاطب را قانع کنی

احساس را بخاطر اینکه مقدمه ی تغییر رفتار هست کار می کنیم ، هدف ما تقوای مخاطب است .

**احساس ، فعالسازی گرایش ها ، امیال و عواطف است**

خداوند متعال در وجود ما گرایش های سلبی و ایجابی قرار داده .

ایجابی مثل کمال طلبی

گرایش های سلبی مثل نقص گریزی

گرایش خطر گریزی در وجود همه ی انسان ها هست . این خطر گریزی اگر یک عامل خارجی مثل زلزله ایجاد شود ، خطر گریزی ها فعال می شود . وقتی خطر گریزی ایجاد شد ، احساس ترس ایجاد می شود .

تفاوت گرایش و احساس این شد که احساس ، فعال شده ی گرایش ها هست . یعنی اگر می

خواهی احساسی را در مخاطب فعال کنی باید گرایش مربوط به آن را فعال کنی .

زیباگرایی انسان که فعال شد ، احساس محبت ایجاد می شود

کمال طلبی انسان که فعال شود ، محبت به او پیدا می کنیم

هر احساسی در وجود ما ، حاصل فعال شدن یکسری گرایش ها هست

حالا اگر گرایش های بوجود آورنده ی احساس های مهم را بشناسی در سخنرانی می فهمی که کدام گرایش را باید فعال کنی که احساس مربوط به آن ، فعال شود .  
این سخنران می داند که کدام گرایش را باید فعال کند تا فلان احساس در او فعال شود .

ما بررسی می کنیم که خوب است یک سخنران گرایش ها ، امیال و احساسات را بشناسد  
ما می گوئیم اگر می خواهی ترس ایجاد کنی ، این گرایش با این گرایش ترس ایجاد می کند و  
همینطور...

غربی ها قوانین عالم را پیدا کردند ، بعد هواپیما ساختند و ...  
اونوری ها کار کردند و پیدا کردند ، مثلا ماهواره می سازند و شما باید زور بزنی تا دختری را با  
حجاب کنی .

چند مطلب در مبانی احساس :

۲. فرایند تأثر احساسی انسان

یعنی مسیری که در وجود یک انسان طی می شود تا این انسان ، احساسی می شود .  
وقتی این مراحل را فهمیدی مثل یک پزشک می ماند که جراح مغز یا قلب است . لذا باید هم  
بداند که قلب چه قسمت هایی دارد و هم اینکه باید بداند که کجای قلب را باید بشکافی تا ...  
حرف شما چه مرحله ای را طی می کند که احساس شخص را تحریک می کند .

در این سخنرانی چه گرایش هایی فعال می شود که احساس تحریک می شود . و چه احساس  
هایی تحریک می شود .

اول داستان مظلومیت آقا را برجسته نشان داد که غم در دل مخاطب ایجاد شد که امام رضا چقدر  
مظلوم بوده

در نهایت سخنرانی ، کرم و کمال امام رضا را نشان داد و احساس امید در مخاطب ایجاد شد و این  
اشک ، اشک امید بود . اون با اون جنایتش امام شفاعتش کرد ، حالا ما ...  
ما در سخنرانی نیاز داریم که فرایند احساس انسان را بشناسیم .

حضرت علی علیه السلام : ما فکر می کنیم که انسان یک جرم صغیر است در حالیکه عجائب و  
پیچیدگی های ... اترعم انک جرم صغیر ...



پیام ( منظورمان کلام سخنران و فراز احساسی سخنران هست )

به مطلب احساسی ، فعلا پیام می گوئیم

این مطلب که سمت مخاطب می آید ، از ما جدا می شود ...

کلام هم قاعده اش ؛ و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی .

خدا این کلام را باید به هدف بزند

در این زحمت وقتی مطلب احساسی از شما جدا می شود ، اولین لایه ی وجود انسان که با آن

برخورد می کند ، لایه ی عواطف است .

مطلب احساسی به گوش ما می خورد ، ولی قبل از اینکه مطلب را بفهمیم ، لایه ی عواطف ما

روی فهم ما تأثیر می گذارد . نسبت به اینکه نگاه منفی داشته باشی یا مثبت ، کلام را نسبت به

عاطفه ی خود فهم می کنی

انظر الی ما قال و لاتنظر الی من قال

این کلام آقا ، بخاطر اینست که آدم ها به من قال نگاه می کنند و متناسب با شخص گوینده ،

مطلب را می گیرند .

آقا می فرماید که مراقب باشید که عواطف شما روی فهم شما تأثیر نگذارد ولی برای خیلی ها

تأثیر می گذارد

شما در دانشگاه داری حرف های خوبی می زنی ولی این دانشجو از روحانیت بدش می آید .

شما حرف خوبی می زنی ولی او بد برداشت می کند . چون نسبت به این لباس حسّاس هست .

کسی که عاطفه ی منفی داشته باشد نسبت به گوینده ، حرف های این سخنران را بد برداشت می

کند و تأثیر منفی روی او می گذارد .

آقای صدیقی داشت سخنرانی می کرد ( فایلی از ایشان داشت پخش می شد ) و من در کنار یک

جوان بودیم و داشتیم می شنیدیم ؛ آقای صدیقی بیشتر مواقع حالت گریه دارد و وقتی احساسی

می گوید گاهی بغض می کند و گریه می کند .

به یک فرازی رسید و بغض و حالت گریه گرفت ؛ من تو حس رفتم و داشتم لذت می بردم

دکتر سروش یک جمله ای دارد : بهترین جا برای تدریس اندیشه های کمونیست ، دانشگاه تهران

است .

شما از این جمله ، چی برداشت می کنید ؟

( این جمله برای شهید مطهری بود نه دکتر سروش ؛ در کتاب ... )

ما وقتی می فهمیم شهید مطهری این جمله را گفته ؛ عاطفه ی مثبت ما نسبت به شهید مطهری باعث می شود که تحت تأثیر شخصیت ایشان قرار بگیریم و تحلیل مثبتی داشته باشیم اما سروش ممکن است آدم بدی باشد ولی آیا اینطور است که همیشه حرف بد بزند و امکان این ندارد که حرف خوبی بزند ؟ پس آدم ها تحت تأثیر عاطفه ی خود فهم مثبت با منفی ای نسبت به مطلب پیدا می کنند . لذا یک سخنران وقتی می خواهد روی احساس مخاطب کار کند اول باید عاطفه ی شخص مقابل را از منفی تبدیل به مثبت کند و الا این احساس منفی نمی گذارد که شما روی احساس او کار کنی . عاطفه ی منفی ، فهم شخص را عوض می کند و منفی می کند حالا که لایه ای از لایه های وجود انسان موثر است که عواطف هست

**پس سخنران باید بلد باشد که عاطفه ی منفی مخاطب را نسبت به خود خنثی کند یا مثبت کند .**

مطلبی که گفته می شود ، ذهن مخاطب اول با اطلاعات قبلی خودش چک می کند و اگر با اطلاعات قبلی اش سازگار نباشد ، ذهن مخاطب گیر می کند و نمی پذیرد .

اگر کسی این داستانی که شما نقل می کنی را از جای دیگری و طور دیگری شنیده باشد ، دیگر احساساتش تحریک نمی شود و در همین مطلب گیر می کند . لذا قبلش باید در اقلان اندیشه کار کنیم و باید طوری بگوییم که با اطلاعات قبلی اش تعارضی نداشته باشد

اگر تعارضی نداشت ، این مطلب می رود در یک جعبه ای . این جعبه ، فضای گرایش ها و امیال هست . اگر مطلب شما توانایی فعال سازی گرایش ها و امیال را داشته باشد می تواند آن را فعال کند و در نتیجه احساس ایجاد کند ولی اگر مطلب شما فرآوری نشده باشد و این توانمندی در آن نباشد . روش هایی که در تحریک احساس می گوییم بگونه ای هست که توانایی فعال سازی گرایش ها و امیال مورد نظر را داشته باشد که در نتیجه احساس مورد نظر را تحریک کند .

عواطف - فهم و درک - اطلاعات قبلی - فعال شدن امیال و گرایش ها - تحریک احساس

اگر مخاطب عواطفش نسبت به سخنران مثبت شود ، گاردش باز می شود و مطلب را به خوبی می گیرد .

اسم درس ؛ عوامل زمینه ساز احساس

هوایما که می خواهد پرواز کند یک باند می خواهد که بتواند سرعت بگیرد

یکی از عوامل زمینه سازی و آسفالت کردن مسیر ، ارتباط عاطفی هست

برای ارتباط عاطفی سخنران با مخاطب ، ۸ روش وجود دارد که در فضای جلسات خانم ها این روش ها را توصیه نمی کنیم .

( صمیمانه و دوستانه عرض می کنم ، متأسفانه دوستان طلبه ی ما از فضای کار در فضای ویژه ی

خانم ها لطمه های زیادی می خورند . کمتر طلبه ای هست که در این فضاها فعالیت کند و

چشمش آسیب نبیند . اولین لطمه اینست که عصمت چشمش خدشه دار می شود .

مهمترین سرمایه ی طلبه ، تقوایش هست . اگر تقوایش گرفته شد دیگر کاری از دست او بر نمی

آید

من ۵ سال است که برای خودم ممنوع کرده ام ، جلسه ی ویژه ی خواهران

من تکلیف نمی بینم و تکلیف ندارم . من راه را نبستم و مشترک برگزار می کنم .

جایی که من برای تقوای خودم احساس خطر می کنم ، اجازه ندارم که بروم .

ثانیا خداوند برای هدایت بندگانش ، گیر من و شماست ؟ اگر ما هم نرویم ، خدا بخواهد هدایت

کند آیا نمی تواند ... خدا می تواند سببش را جور کند .

کسی بداند که اگر برود می تواند تقوایش را حفظ کند ، برود . ولی انسان می داند که از روی

هوای نفس دارد می رود .

خانم ها خیلی زود علاقه مند و عاشق می شوند .

خیلی ها دچار می شوند ، ولوم عاطفه را در خانم ها نباید بالا ببریم .

**هشت روش در سخنرانی برای ایجاد عاطفه خیلی مبتلا به هست :**

**۱. آشنایی دادن**

بیان نقاط مشترک با مخاطب

مخاطب حس کند که من و او باهم یک نقطه ی مشترک داریم که باعث می شود عاطفه ی او از منفی تبدیل به مثبت شود

در داستان تبلیغ پیامبر اکرم در طائف ؛ اطراف طائف باغی بود برای دو تا یهودی . حضرت بسم الله گفت و یک انگوری که غلام به حضرت تعارف کرد را خورد . غلام پرسید حضرت فرمود : اهل کجا هستی ؟ گفت : نینوا . حضرت فرمود : اهل شهر برادرم هستی... این آشنایی دادن ، نزدیکی ایجاد کرد .

اول از همه از مخاطبم می پرسم که اهل کجا هستی ؟... سعی می کنم که خودم را جوری به آن ها وصل کنم .

این باعث می شود که شخص ، یک احساس مشترک پیدا کند .

لقد جاءکم رسول من انفسکم

اینکه از خودتان هست ، تأثیر دارد

این نقطه ی مشترک می تواند شهر باشد ، می تواند علائق باشد

گاهی موقع می توان اینطور گفت :

من و شما یک نقطه ی مشترک داریم و آن اینکه همه ی ما عاشق امیرالمومنین هستیم .

هر کی به مولایش علی ارادت دارد یک صلوات بفرستد .

در یک جمعی می خواستم صحبت کنم که اهل شهید مطهری بودند ...

گفتم ؛ من وقتی آثار شهید مطهری را مرور کردم ، دیدم یک نبوغ خیلی بالایی دارد . مثلاً گفته

بود که من این مطلب را دیشب تمام کردم ....

باید نقطه ی مشترکی پیدا کنیم

## ۲ . تعریف مخاطب

ما آدم ها دست خودمان نیست ، آدمی که از ما تعریف کند را بیشتر دوست داریم

عاطفه ی انسان تحت تأثیر تعریف قرار می گیرد

ما در سخنرانی‌ها خیلی وقت‌ها همیشه اشکالات مخاطب را می‌گیریم و دست روی نقاط ضعف مخاطب می‌گذاریم، یک سخنران خوب باید خیلی از جاها باید از مخاطبش تعریف کند

**تعریف باید مستدل باشد نه بی دلیل و الا تلقی هندوانه زیر بغل گذاشتن می‌شود**

به جمعی که غروب جمعه زیارت آل یاسین داشتند، بهشون گفتم: دمتون گرم که نگذاشتید غروب جمعه آقا غریب بماند... تعریف مستدل رفتار مستمع بود. آقا خوشحال می‌شود که یک عده جوان... از همین برای انگیزه سازی استفاده کردم؛ و گفتم: یکسری حرف‌ها هست که همه جا نمی‌شود گفت، شما هم به هر کسی نگویید و این مخصوص شماست.

یزدی‌ها یک نقطه‌ی مثبتی دارد و آن اینکه اقتصادی هستند، اهل حساب و کتاب هستند، خسیس نیستند بلکه اهل اسراف نیستند. اسراف در یزد کم است. تجمل‌گرایی کمتر است و ساده‌زیستی دارند. تشویق خوب است و در اسلام توصیه شده است.

### ۳. دعا برای مخاطب

دعا برای مخاطب، حسن نیت سخنران را بصورت غیر مستقیم نشان می‌دهد. در سخنرانی‌ها مثلاً آقای پناهیان از این استفاده می‌کند مثلاً می‌گوید: یک دعا می‌گویم که شما آمین بگویید. خدایا این جمع را از یاران امام زمان قرار بده

**هر چه دعا باب میل تر باشد، در ایجاد این عاطفه بیشتر تأثیر دارد**

مثلاً: انشاء الله سال بعد بیایم و عقد شما را بخوانم، صلوات بفرستید...

### ۴. اظهار درک مخاطب

هر جا می‌خواهی به مخاطب یک تکلیفی بار کنی که اینگونه باش، یا اینگونه نباش اول او را درک کن. درک مخاطب عاطفه‌ی مثبت ایجاد می‌کند مثلاً می‌خواهی بگویی که به نامحرم نگاه نکن. به او بگو: عزیزم من این را می‌فهمم که در جامعه‌ی الان خیلی سخت است جلوی چشمت را بگیری ولی...

ما المجاهد فی سبیل الله ....؟ مجاهد فی سبیل الله به پای کسی که می تواند گناه کند و عفت پیشه کند نمی رسد

یا بگوییم : خواهرم می دانم خیلی سخت در هوای گرم روسری و ... است ولی وقتی همین سختی را تحمل کنی ، پیش امام زمان عزیز می شوی ....

می دانم تحملش سخت است حرف ناحق از والدین ولی همین پدر و مادر بهشت و جهنم تو هستند ...

اظهار درك مخاطب

## ۵ . خطاب مناسب و عاطفی

مثلا من در دبیرستان می گویم : داداشای خوبم

در رادیو می گویم : عزیزان شنونده که بحث من را می شنوند

همین عزیزا نکته ی عاطفی دارد

کلمه ی « رفقا »

کلمه ی « فرزندان من »

یک جایی که محفل علمایی هست ؛ سروران معظم

ولی از خطاب های سنگینی که فاصله می اندازد نباید خیلی و هر جا استفاده کرد بلکه همان

خطاب های عاطفی بهتر است .

در قرآن : یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم ....

۶ تا کلمه بکار برده و همه اش خطاب بوده است . « ای بندگان من ... »

## ۶ . لحن دلسوزانه

بعضی وقت ها ما سخنرانان ، لحنمان متکبرانه است

حداقل چند تا سخنرانی خودمان را بنشینیم و گوش کنیم

حتی چند تا سخنرانی خود را فیلم بگیرید و بعد فیلم خودتان را ببینید . گاهی موقع حتی حواسمان

به تیک های عصبی خودمان هم نیست .

بعضی ها یک جوری حرف می زنم که گویا من خیلی خوب هستم و شما خیلی بد هستید و سعی کنید که شما هم مثل من خوب باشید .  
گناه نکن عزیزم با این عبارت « گناهانمان ما را بیچاره کرده » خیلی فرق می کند .

اگر به جوان بگویی که نمازت را بخوان ، تارک الصلاة بیچاره است .  
اما گاهی اینطور می گویم : عزیزان با هرچی می خواهید شوخی کنید ، کنید ولی با نماز شوخی نکنید . در شبانه روز یک ربع طول می کشد . در آن دنیا وقتی می بینیم که بخاطر یک ربع چه عذابی را می خواهیم تحمل کنیم ، پشیمان می شویم . قالوا لم نك من المصلين ....  
بیان دوم دلسوزانه بود

## ۷ . بیان نظرات مخاطب

بیان نظرات مخاطب  
ممکن است از شما بگویند که : حاج آقا به اینها که می گویی ، خودت عمل می کنی ؟  
خداوند در قیامت ۷۰ تا جاهل را می بخشد قبل از اینکه یک عالم را ببخشد .  
اما من یک چیزی بگویم : اگر من هم عمل نکردم ، شما عمل کنید . نگو که حاج آقا عمل نکن ، بگو این کلام امیرالمومنین است و اگر....  
با این کلام ها ذهنیت او را خالی می کنیم

## ۸ . گذشت از خطاهای مخاطب

جواب بدی را با خوبی بده ، یهو می بینی اونی که با تو دشمن است ، دوست صمیمی تو می شود .  
واقعا هم اثر دارد . کسی به امام باقر علیه السلام توهین کرد و گفت : انت بقر ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم فصلت ۳۴  
نه ، من باقر هستم  
اگر مادر من اونی که تو گفتی هست ، خدا او را ببخشد و اگر اینطور نیست ، خدا تو را ببخشد .

در سخنرانی شما اگر کسی خطایی کرد و تیکه انداخت ، صبر بر بدی دیگران تأثیر مثبتی دارد ولی عملکرد منفی شما می تواند تأثیر خیلی منفی ای دارد .

بعضی از ماها عکس العمل هایمان نسبت به خطاهای مخاطب خیلی بد و منفی هست .

بچه ها گاهی موقع سر و صدا می کنند یا خانم ها ، نباید برخورد بد و زننده کنیم

مراقب عکس العمل هایمان باشیم

=====

تکلیف کارگاه پژوهش :

پیرامون هر موضوع یا پیام مانعی ندارد

از این هشت روش که در ارتباط عاطفی گفتیم ؛ سعی کنید از ۴ تا از این خطاب ها استفاده کنید .

به صورت کنترل شده استثناء اذیت هم می توانید کنید که صبر سخنران هم امتحان شود

## کارگاه صبح سه شنبه

سه شنبه ۰۸ سپتامبر ۲۰۱۵

۱۱:۳۵ ق.ظ

اگر پیام را بدون راهکار رها کنیم ، کار را ابتر و ناتمام کرده ایم .

گذشت از خطای مخاطبین یعنی اینکه اگر مخاطب کار بدی کرد نباید عکس العمل منفی ای

نسبت به او انجام دهیم ، نباید حساسیت نشان داد .

غالباً مردم پس زمینه ی فکرشان یک شبهاتی هست ....

شما ممکن است ۵ ساعت مطلب برای یک موضوع داشته باشید ولی در سخنرانی ، همه را یکجا

نمی گوید .

سوالاتی که چالش ایجاد می کند ، و اصل منبر را زیر سوال می برد را نباید واگذار کرد به بعد از

منبر .

تشبیه : کار تشبیه خیلی ارزشمند هست هم برای تبیین و هم برای اقناع

اگر کسی اهل بیت را قبول نداشته باشد ، جایش در جهنم است . ( بارو )



دو تا سوال در ذهنم بود: اینکه همه ی کارها را دارد می کند ، چرا اینطور می شود

سوال دیگر : نسبت اعمال با ولایت چیست ؟

تشبیهی به ذهنم رسید : مثال تسبیح .

در منبر هم این کار را می کنم ، می گویم ، کسی تسبیح دارد ؟ و بعد تسبیح را می گیرم .

بحث ماندگاری کلام . استفاده از شیء در منبر ، ماندگاری کلام می آورد .

این عرض خدا و این هم فرش

خداوند متعال می فرماید که من یک ریسمان قرار دادم

این نخ ولایت است و این دانه ها اعمال است

اگر نخ را بگذاریم ، ما با دانه ها روی زمین بازی می کنیم

اگر فقط نخ باشد ، باز هم نمی شود بالا رفت ، چون دانه ها نیست که بتوانیم پله پله بالا ببریم .

پس هم باید اعمال باشد و هم ولایت

( البته این دانه ها را می توان به قرآن هم تشبیه کرد و این نخ که مفسر قرآن هستند همان اهل بیت

هستند )

=====

مخاطب : میانسال ( از ویژگی های این دوره ؛ سازگاری با تحلیل رفتن جسم - در اثر مریضی ها و

مشکلات خواسته ها و دعاهایی دارند که ممکن است مستجاب نشود )

مخاطب از نظر جامعه شناسی : مسجدی ( راهبرد : عمق بخشیدن به مطالب سطحی )

موضوع : گفتگوی با خدا

پیام : پذیرش عدم استجابت بعضی از دعاها دید ما

انسان اگر کسی را دوست داشته باشد ، از صحبت کردن با او هم لذت می برد .

این مطلب در جمع رفقاء خودش را به خوبی نشان می دهد .

هرچقدر این رفاقت قویتر باشد و شباهت بیشتر باشد از صحبت کردن با او بیشتر لذت می برد .

شما بندگان خوب خدا ، خودتان را رفیق و دوست خدا را می دانید . خدا را دوست دارید

و همه ی ما بخاطر نعمت های زیادی که خداوند متعال به ما داده ، او را دوست داریم .

ما همه بنده ی خدا هستیم و لذا گفتگو با خالق خودمان را دوست داریم .

اینکه ما دعا می کنیم و یا سفارش به دعا شده است ، یکی از علت های آن ارتباط با خدا و گفتگو با خالق هست که انسان را رشد می دهد .  
خداوندا جمع ما را موفق به گفتگو و

=====

غضب ؛ ....

شما محصلین عزیز و با پشتکار  
دعای برای مخاطب ( خدا انشاء الله شما را موفق کند )

سه شنبه عصر ۱۷ / ۶ / ۹۴

سه شنبه، ۰۸ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۴:۱۵ ب.ظ

منبری بدنبال جلب نظر و توجه مردم هست  
استرس نشان دهنده ی اینست که نظر مردم برای من مهم است  
در چهل حدیث ؛ امام صادق علیه السلام : کسی اراده کند در یک عمل که بخواهد مردم او را  
تحسینش کنند ، ( دوست داشته باشد که این منبره بگیرد و همه بگویند ، چه منبری ! دوست دارد  
که مردم خوششان بیاید و او را تحسین کنند  
گاهی دوست داری که منبرت تأثیر بگذارد برای خدا  
اما گاهی دوست داری که مردم بگویند که عجب منبری !  
مواظب باشید که در منبرهایمان مردم شریک نشوند و الا دیگر آن منبر بدرد خدا نمی خورد  
خیلی کار کردن روی نفس می خواهد که انسان منبر می رود فقط بخاطر خدا برود .  
مبادا روز قیامت شود که یک منبری که اینقدر می ارزد ، بگویند از ۱۰ هزار تا منبرت ، ۹۸۰۰ تای  
آن بخاطر مردم بوده و کنار بگذارند

شیطان ملعون می داند که یک منبر چقدر می ارزد

آقای قرائتی داستانی را نقل می کرد ، آن استاد بزرگوار در حالت احتضار به او می گویند که اعمال مقبول نبوده . درس هایی که دادی و... به گریه افتادم ، گفتند هیچ کدام قبول نیست در آن حال به گریه افتادم ؛ یعنی من حتی محبت اهل بیت هم نداشتم ! گفتند بله داشتی . بخاطر همین به تو مهلت می دهیم

آن اخلاص ، خطری که تهدیدش می کند اینست که بخاطر مردم و یا تحسین مردم باشد

یک راهکار می گویم که این را تجربه کنید و از وقتی من این راهکار را انجام دادم ، از این لغزش مصون ماندم

وقتی روی منبر مستقر شدید ، اول به مردم سلام کنید .

من بدأ بالكلام قبل السلام فلاتجبوا ( جوابش را ندهید )

بعد بسم الله را می گویم و شروع می کنم

وقتی سلام را دادی ، بسم الله را زود نگو

بلکه به اندازه ی ۲۰ الی ۳۰ ثانیه تا یک دقیقه ( عجله نکنید در شروع کردن )

اندازه ی چند ثانیه جمع را نگاه می کنم . خود این نگاه کردن ، استرس را کم می کند

یک نفس عمیق و کمی آب خنک خوردن استرس را کمتر می کند

قبل از بسم الله گفتن یک نگاه به جمع کن و یک توجه به خودت کن ، و بگو ؛ منبرت بسیار عالی

هم شود اینها نمی توانند به تو خیری برسانند و اگر خیلی هم افتضاح شود ، این ها نمی توانند

ضرری بزنند . لا یملک لنفسه نفعاً و لا ضراً

بگو برای من مهم نیست که اینها خوششان بیاید یا نه .

خدایا فقط بخاطر تو سخن می گویم

بسم الله را به قصد استعانت و کمک از خدا که خدایا کمک کن که برای تو و فقط بخاطر تو

حرف بزنم

دلت را از محبت مردم در همین چند ثانیه خالی می کنم . که منبر را فقط بخاطر خدا و برای خدا

اجرا می کنم .

هر کس هر چقدر هم منبری قوی ای باشد ، مقداری استرس برایش هست

یکی از کلیدی ترین نکات برای کنترل استرس قبل از سخنرانی ؛ همین برای خدا سخن گفتن هست که از او بخواهیم که خدایا برای تو سخن می گویم لذا کمک کن . من برای یاری دینت سخن می گویم

این ذکر را به دلتان القاء کنید و از روی باور قلبی بگویید :

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

خدایا همه کاره تویی و من هیچ کاره ام

اگر کسی یاری خدا را طلبید ؛ الله جنود السموات و الارض

وقتی در دلمان به خدا بگوییم که اگر صلاح بدانی که من را ضایع کنی ، من تسلیم هستم .

اخلاص بیشتر می شود

گاهی لازم است یک مجلس خراب شود بخاطر سلامت من

من کالمیت بین یدی الغسال هستم

لذا نگران خراب شدن منبرم نیستم

=====

رابطه ی فصل اقناع و احساس با فصل مخاطب شناسی و پردازش چیست

در پردازش گفتم که کلید راهکارها ، رفتاری و کلید ...

شما در رفتارها بررسی می کنی که مهمترین علل بدحجابی دختر این ۵ تا هست . حالا باید او را

اقناع کنی . با روش های اقناع اندیشه که هر کدام از سوالات این دختر را با چه روش های اقناع

اندیشه ای باید

مثلا با استقراء ممکن است

مثلا با مقایسه و تشبیه ممکن است اقناع اندیشه شود

یا با روش دیگر

پس اینها ابزار می شود

در احساس نیز . مثلا گفتیم که باید ترس از قیامت پیدا کند

حالا چطور ترس را ایجاد کنیم که در فصل ایجاد احساس می گوئیم .

در انسان بررسی کردیم و دیدیم که ۶ احساس اصلی دارد و بقیه فرعی هستند .

احساسات فرعی از ترکیب متناسب احساسات اصلی بوجود می آید .

### **محبت ، نفرت ، ترس ، امید ، غم ، شادی**

اگر منبری توان ایجاد این ۶ احساس را ایجاد کند ، تمام احساسات انسان در اختیار منبری قرار می

گیرد . مثلا اگر می خواهی یک نفر توبه کند ، یکی از ارکان توبه ، احساس پشیمانی هست .

کفی بالندم التوبه . خود پشیمانی مهمترین مسأله در توبه است . احساس پشیمانی ، فرعی هست

و حاصل ترکیب ترس ، نفرت و غم هست .

ترس از عذاب آن گناه و نفرت از انجام آن گناه و غم مرتکب شدن گناه در شخص ترکیب شود

، پشیمانی و توبه شکل می گیرد .

### **غالب رفتارهای انسان متأثر از احساسات اصلی هست .**

علامه ذیل آیه ی انالله و انا الیه راجعون به یک بحثی می پردازد . سه تا سبک در تربیت اخلاقی

انسان موجود است .

۱ . سبک یونان باستان

آثار و پیامدهای مادی عمل را برای شخص می گفتند .

۲ . سبک انبیاء الهی

ترس از عواقب عمل در قیامت و دنیا و اشاره به ثمرات عمل در دنیا و آخرت

۳ . قرآن در تربیت اخلاقی

### **خداوند ریشه های رفتارها را شناسایی می کند و آن ریشه را می سوزاند**

قرآن می بیند که حب الدنیا رأس کل خطیئه لذا روی حب انسان کار می کند و وقتی حب را

تغییر داد ، تمام رفتارها متأثر می شود . لذا تمام رفتارها نیتش از الهی بودن به ....

ترس ، ریشه ی بسیاری از رفتارها در دنیا هست .

می ترسد روزی اش کم شود ، دروغ می کند ، دزدی می کند ، چاپلوسی م یکنند ....

خداوند متعال از خوف مردم به خوف خودش عوض می کند

الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الله ...

ریشه ی این تربیت اخلاقی ، احساسات است . نفرت که یک احساس بسیار مهم در انسان است . انسان ها اگر از گناه بدشان بیاید ، گناه نمی کنند . پرسیدند که شما چطور گناه نمی کنی ؟ گفت : اگر شما هم مثل من گناه را نجاست بینی ، نفرت پیدا می کنی و رغبت به گناه پیدا نمی کنی

این احساسات اصلی را چگونه می توان ایجاد کرد .  
فرمول احساسات اصلی

حاصل ترکیب فعالسازی کدام گرایش ها هست . وقتی گرایش ها فعال شوند ، احساس اصلی ایجاد می شوند و وقتی چند احساس اصلی ترکیب شوند ، احساس فرعی شکل می گیرد .

### احساس ترس

ان انت الانذیر

انما انت منذر

خداوند متعال در سوره ی توبه می فرماید : ماکان المومنون لینفروا کافه ... لیندروا قومهم شهید مطهری در ده گفتار می گوید که انذار یعنی اعلان خطر . ( که دقیقتر از ترساندتر است )

### ترس را چگونه می توانیم در مخاطب ایجاد کنیم

احساسات انسان مثبت : شادی ، محبت و امید

احساسات منفی : ترس ، نفرت ، غم

ترس فی ذاته منفی هست ولی وقتی جهت مثبت پیدا کند ، مثبت می شود .

احساسات مثبت ، حاصل فعال سازی گرایش های ایجابی ماست .

( گرایش های مثبت مثل زیبایی گرایی ، جمع گرایی ، منفعت گرایی )

احساسات منفی ، حاصل فعال سازی گرایش های منفی ماست .

درد گریزی ، نقص گریزی ، ضرر گریزی

احساس ترس ، حاصل فعالسازی دو تا چیز باهم هست . باید گرایش خطر گریزی را فعال کنیم . اگر در مخاطب بتوانی خطر گریزی را فعال کنی و امنیت را از او بگیری ، می ترسد . اگر یکی از آن ها به تنهایی باشد ، فائده ای ندارد . همه ی انسانها در وجودشان این گرایش ها موجود است ولی فقط باید آن را فعال کرد .

کوسه ، خطر گریزی انسان را فعال می کند ولی برای انسانی که در یک قفس آهنی هست نه ، چون احساس امنیت می کند .

بچه هیأتی ها چرا وقتی از خطر قیامت بگویی نمی ترسند ، چون می گویند که اهل بیت نمی گذارند که ما جهنم برویم

باید امنیت را از او بگیریم ، و بعد خطر را توضیح دهی که احساس ترس ایجاد می شود . هر آدمی از هر خطری نمی ترسد .

دلت با شفاعت خوش نباشد ، در مورد شفاعت یک روایت می خوانم تا بدانی که هر کسی با شفاعت خوب نمی شود و مورد شفاعت واقع نمی شود  
سوره ی کهف داریم : ان يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل  
از خازن جهنم از شدت تشنگی طلب آب می کنند .

برای آنها مس گذاخته می آورند . ( مهل ) . اینقدر این مس داغ هست که وقتی نگاه می کنند به این ظرف ، پوست صورتشان از حرارت ، آب می شود . یشوی الوجوه  
تصوری ممکن است شکل بگیرد که یکبار می سوزی و تمام می شود .

یعنی چند دقیقه بعد از سوختن تمام اعصابش از کار می افتد و دیگر عذاب را حس نمی کند  
همین امنیت را دوباره قرآن می گیرد

كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب ...

=====

درس کاربردی

بعضی ها یکجوری از کفار و غربی ها حرف می زنند که محبت دشمنان را در دل مردم ایجاد می کنند . یاد مردم نرود که اینها دشمن هستند ، دشمنیشان را دارند می کنند ولی مدلش را عوض کردند . ما باید نسبت به دشمن و گناه ، بغض در دل مردم ایجاد کنیم باید یک کاری کنیم که شخص از گناه ، بدحجابی و رابطه و ... بدش بیاید با حس نفرت باید این کار را انجام داد

چند گرایش هست که باعث ...

گرایش ذلت گریزی

هیچ انسانی دوست ندارد که ذلیل شود

امام رحمه الله علیه چه کار کرد که مردم از آمریکا بدشان بیاید . قانون کاپتولاسیون یعنی سگ آمریکا از ایرانی شرف داشته باشد

یک حس نفرت باعث انقلاب می شود

الان کارهایی که آمریکایی ها که بواسطه ی داعش انجام می دهد را به مردم بگوئید تا نفرت نسبت به آمریکا در مردم ایجاد شود

آنهايي که دوست داريد آمریکا بیاید ، آمریکا رفت در عراق ، چه کار کرد در عراق ؟ در زندان ابوغریب چه کردند

در گردن اینها قلاده می انداختند ...

آمریکا بیاید ، با ما بدتر از اینها می کند ، چون بغض آنها نسبت به ما بیشتر است عاشق کشته مرده ی آنها نباشیم

**ذلت گریزی را فعال کنیم تا احساس نفرت ایجاد شود**

**ضرر گریزی هم موجب فعال شدن نفرت می شود**

کسی که باعث ضرر و زیان شما شده ، از او نفرت پیدا می کنی . اگر ضرر های گناه را بگوئیم ، شخص از گناه بدش می آید

۳. نقص گریزی



هیچ انسانی دوست ندارد که ناقص باشد . یک معتاد که در او نواقصی بود انسانها وقتی می دیدند از او بدشان می آمد . باید به فرد نشان دهیم که چه چیزهایی او را ضایع و خراب می کند و موجب نقصش می شود

عزیزم می دانی با این کارها چقدر از چشم امام زمان افتادی ! چقدر آقا به تو امید داشت نشان دادن نقص باعث می شود که شخص احساس نفرت پیدا کند .

ذلت گریزی ، ضرر گریزی و نقص گریزی .

به شخص نشان دهیم که این شخصی که به او علاقه داری ، الان تو را از روی قیافه ات انتخاب کرد ، فردا کس دیگری را هم از روی قیافه اش انتخاب می کند .

این سخنران از یک روشی استفاده می کند به اسم مناجات ( مناجات در سخنرانی ) که بخاطر این ، جمعیت زیادی شرکت می کنند .

این مخاطب تشنه ی لحظاتی ارتباط با خداست  
مباحث پیش پا افتاده ی روانشناسی را می گوید

اما وقتی کل فیلم را که می بینی ، می فهمی که مطالب روانشناسی ۵۰ درصد هم اهمیت ندارد ولی حدود ۲۰ دقیقه مناجاتی ایجاد می کند که در این ارتباط با خدا ، مخاطب اشک می ریزد با اینکه مخاطبانش متدین نبودند .

گاهی یک غیر معمم ، .... با اینکه هنرمندانه اجرا نمی کند ولی چون مردم تشنه ی معنویت هستند

....

برای من و شما باید سوال باشد که در جامعه ی ما ، چه اتفاقی می افتد که این مخاطب ، برای همچنین جلسه ای حاضر می شود پول دهد

چون یک اوج احساسی دارد و یک تخلیه ی روحی دارد لذا لذت مناجات را می چشد .

**ما زیاد از ارتباط با خدا صحبت می کنیم اما گاهی لازم است لذت ارتباط با خدا را بجای اینکه بشنوند ، بچشد**

## روش کاربردی : مناجات

در دانشگاه آزاد شهرک غرب تهران

منطقه ی میلیارد نشین تهران است ( خانه ی زیر ده میلیارد بعید است که پیدا کنید )

دانشکده ی زبانهای خارجی ، من را دعوت کرد برای سخنرانی

گفت دختران ما در این جا بد حجاب نیستند بلکه بی حجاب هستند

گفتم که من ۴ جلسه زمان می خواهم که حجاب آن ها را درست کنم

گفتم شما یک جلسه بیاورید ، بقیه اش با من

عنوان سخنرانی را گذاشتم ، مجردها به بهشت نمی روند

عنوان جذاب گذاشتم

موضوعم این بود ؛ جوانی ، عاشقی ، بندگی

گفتم : جوان اگر عاشق نشود ، چه کار کند !

گفتم حاصلخیزتر از قلب جوان برای عاشق شدن ، وجود ندارد

بحث جوان و عاشق...

گفتم حالا بذار عاشق شدن را بهتون نشان بدهم

در همین جلسه می خواهم عاشق شدن را به شما نشان بدهم ، این عشق ها که در و پیتی هست

بعد از یک ساعت از بحث ؛ من مناجات را اجرا کردم

یک مناجات به سبک خودمان اجرا کردم

این بچه ها با این سرو وضع ها های صدای گریه در سالن پیچید و اشک می ریختند

بعد که این لذت را چشیدند ، دوباره جلسه ی دوم بیشتر آمدند

معمولا آدم ها در آن اوج احساسات ، تصمیمات بزرگی در زندگی می گیرند .

می گوید دیگر کنار می گذارم

یک اراده ی بزرگ در او ایجاد می شود

مناجات می تواند یک احساس و اراده ی بزرگ در شخص ایجاد کند

مناجات در سخنرانی چگونه استفاده می شود :

منظورمان سخن گفتن با چیزی غیر از مخاطب ، از زبان مخاطب ، برای ایجاد یک احساس خاص .  
( مناجات با اشیاء ، نفس و ... هم داریم . مناجات با هر موجودی غیر از مخاطب )

می گوئیم : خدایا ، دلم تنگ شده برایت ، می خواهم بیایم ولی رویم نمی شود .  
بعضی وقت ها می خواهیم احساس ترس یا پشیمانی یا .. ایجاد کنیم

بعضی حرف ها را مستقیم نمی توانیم بگوئیم ولی وقتی در قالب مناجات می گوئیم دیگر به او  
بر نمی خورد .

خدایا دیگه خودم از خودم بدم میاد ، از کارهایی که کرده ام خجالت می کشم  
یکی از فائده های مناجات ؛ غیر مستقیم گفتن حرف هایی هست که نمی شود مستقیم گفت

۵ مدل مناجات :

در مناجات ، چه قطعاتی را باید اجراء کنیم و کنار هم بگذاریم ؟

آقای هاشمی نژاد

اول منبر با صوت مناجات می خواند ( منظور ما این مناجات نیست )

منظور ما مناجات مداحان نیست

بلکه منظورمان مناجاتی در وسط سخنرانی با صوت سخنرانانه هست

التفات نیاز داریم

در قرآن ، خدا دارد با ما حرف می زند ولی یهو می بینیم که ما داریم با خدا حرف می زنیم  
تا قبل از مناجات داریم با مخاطب حرف می زنیم ولی وقتی به مناجات می رسیم می خواهیم با

خدا حرف نیاز داریم در اینجا نیاز به مدخل داریم

۱ . مدخل

مثل داستان ، یک فراز دعا

این فراز دعای کمیل را می توانیم مدخل قرار دهیم

یا رب ! ارحم ضعف بدنی

شما در مورد قیامت و عذاب های قیامت می گویی بعد شروع می کنی و می گویی ، آنقدر قیامت سخت است ... دوستان من نگوئید که ما جهنم نمی روی ، اگر می بینیم که نمی ترسیم از عذاب ، در خودمان شک کنیم

امیرالمومنین در دعای کمیل می گوید ؛ یا رب ارحم ضعف بدنی  
چقدر خوبه که آدم یک خلوت کند ، بعضی از ماها خیلی وقت هست که خلوت با خدا نکردیم  
و صحبت نکردیم . یاد شهدا بخیر که نیمه شب ، قبر می کردند

تو هم با خدا خلوت کن ، بگو ارحم ضعف بدنی ... خدایا به این پوست نازک من رحم کن .  
خدای آقا بشم که او می گوید به بدن ضعیف علی رحم کن . خدایا استخوان های من شکننده  
است ، خدایا من معصیت کردم ولی امید به رحمت داشتم و معصیت کردم  
خدایا می دانم دلم سفت شده و آنقدر گناه کردم که این چشم ها دیگه اشک نداره  
ولی بحق ابی عبدالله به دلهای ما نگاه کن

کسی به اندازه ی بال مگس ، از ترس قیامت اشک بریزد ، دریاهایی از آتش را خاموش کند .  
با یک شیبی که اصلا احساس سکت نمی شد ، وارد حرف زدن با خدا شدم  
داشتم با مخاطب حرف می زدم ولی وارد خطاب شد  
آن مدخل و فراز دعای کمیل باعث شد که من ....  
در این مناجات احساس ترس با پشیمانی بود  
رویگردش محبتی نبود بلکه ترس از اتفاقات بود

مخاطب وقتی اشک می ریزد و تخلیه ی روحی می شود ، تازه آماده می شود که شما روی رفتار  
ش کار کنی . آماده ی بندگی هست . عزم کنیم و قرار بگذاریم که از فردا اینچنین باشیم .

۲ . خطاب مناسب و عاطفی ( نسبت به طرف مخاطب )

نقل می کنند یک غلامی بود که صاحبش از او ناراضی بود ، هر جا که می نشست ، بدی اش را  
می گفت

مدتی گذشت در یک کوچه ای ، این غلام با یک اشخاصی درگیر شد ، داشتند غلام را می زدند ، سراسیمه دوید ، با آنها برخورد کرد و دست غلامش را گرفت و شروع کرد پاک کردن دست و پایش

غلام نگرانی و محبت صاحبش را دید و گفت مگه تو نمی گفتی از من ناراضی هست ، ولی چرا اینجا نجاتم دادی ؟ گفت بله ولی غلام من هستی و منتسب به من هستی

ماهم سربازای تو هستیم و مال تو هستیم ، گنه کاریم و کوتاهی کردیم و روسیاه هستیم ...

من از طرف شما می گویم : آقا راضی نشو ، خواستیم جوانیم را خرج شما کنیم ، ولی خوب نکردیم ولی راضی نشو که خسرالدنیا و الاخره شویم

ما آرزویمان این بود که طلبه شویم و دردی از شما را مرحم بگذاریم ولی الان شدم زخم دلت چقدر نیمه شب ها گریه کردی

ولی از من ناراضی نشو ، بالاخره یک روز می شوم آنچه که شما می خواستی ...

این حال یک طلبه هست ، من حرف دلم را گفتم

من حرفی را در این مناجات خواستم بگویم

مناجاتی دل مخاطب را می لرزاند که سخنران وصل شود و حرف بزند

ما از شما نمی خواهیم در مناجات ، مصنوعی و ادا بیآوری که هیچ فائده ای ندارد . تظاهر فائده و اثری ندارد

می خواهی مناجات دلها را متحول کند

صدا می زنی ؛ آقا جان ! یابن الحسن ... در همین صدا زدن باید سیمت را وصل کنی .

خوش بحال طلبه ای که در طلبگی با دو تا صدا زدن ، سیمش وصل شده

آنجایی که با حال اضطرار آقا را صدا می زنی ، جواب می گیری

اقاجان کمک کن . این دلها را تو می توانی منقلب کنی

وقتی با تمام وجود صدایش می زنی . گاهی صدایش می زنی و جواب نمی گیریم ، دوباره بیشتر

دلم می شکند که آقا عنایت کن که من نوکر تو هستم ، کمک کن که دست اینها را تو دست تو بگذارم ....

سوم مرحله ی مناجات :

بیان حالات مخاطب و ابراز احساسات نسبت به طرف مناجات هست

یک مرحله ی مناجات می گوئیم :

می دانم که روسیاه هستم ، می دانم که اینطور که می خواستی نشدم ولی به خودت قسم که دوست دارم ، من را از در خانه ات نران و ....

۴ . بیان ویژگی های طرف مناجات

آقا جان من بد هستم

شما که به دشمنت هم محبت کردی .... عادتکم الاحسان ، سجیتکم الکریم  
خدایا مگه نگفتی که جوان بیاد در خونه ام به ملائکه ام مباحثات می کنم ...

کارگاه عصر سه شنبه ۱۷ / ۶

سه شنبه، ۰۸ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۷:۰۲ ب.ظ

بجای پروردگار ، بگوئیم : ای مهربان ، ای خدای من

بیان حالت مخاطب و ابراز احساسات

اظهار عجز

بیان آرزوها و درخواست

سعی کنید وقتی مناجات را شروع کردید و احساس کردید که هنوز شخص در فضای مناجات

نیامده ، سعی کنید که این مناجات را بیشتر ادامه دهید . مخاطب گاهی نیاز دارد که آرام آرام

پیش برود و با خطاب ها و کلمات مختلف ، کم کم همراه می شود .

اگر طولانی کردی و دیدی که مخاطب تکان نخورده ، دیگه باید فیتله را پایین بکشی .

خدایا توفیق بده که گناه را ترک کنم ، نگوییم بلکه بگوئیم که خدایا کمکم کن .

=====

در مناجات یک مقدار از گناهان و گرفتاری های خودمان را هم بگوییم تا مخاطب بیشتر با ما همراه شوند .

## چهارشنبه صبح ۶ / ۱۸

چهارشنبه، ۰۹ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۸:۱۰ ق.ظ

### فصل احساس در سخنرانی

دو دسته احساس اصلی داریم

عواطف - فهم - اطلاعات قبلی - احساس

احساسات اصلی مثبت و منفی

چرا مثبت و منفی نام گذاشتیم؟

چون احساسات مثبت از فعالسازی گرایش های ایجابی شکل می گیرد

با توجه به اینکه از ترکیب احساسات اصلی ، احساسات فرعی بوجود می آید و با توجه به اینکه

غالب رفتارهای ما از یکی از این احساسات منفی شکل می گیرد

یا از روی ترس ، یا نفرت یا امید یک کاری را می کنیم لذا هم بخاطر خودشان و هم بخاطر اینکه

تشکیل دهنده ی احساسات فرعی هستند لازم هست که اینها را تجزیه کنیم که بینیم از فعالسازی

چه گرایش هایی شکل می گیرند

ترس از فعالسازی خطر گریزی با گرفتن امنیت شکل می گیرد

یا احساس نفرت را بررسی کردیم و گفتیم سه گرایش در انسان هست که اگر فعال شوند احساس

نفرت می شود: ذلت گریزی ، نقص گریزی ، ضرر گریزی

هیچ انسانی از ذلت خوشش نمی آید ، هیچ انسانی از ضرر و نقص خوشش نمی آید

سومین حس از احساسات منفی :

احساس غم هست . در معارف به غم توجه شده است . عموم مردم دوست ندارند که غمگین باشند .

ما غم های ممدوح داریم مثل غم ابی عبدالله . نفس المهموم لهمنا تسبیح سفارش شده که غم اهل بیت را داشته باشید . شیعیان ما با حزن ما محزون می شود دیگر ؛ غم معصیت و آخرت را خوردن که اگر یک قطره اشک از پشیمانی گناه و ترس آخرت بریزد ، دریا های آتش را خاموش می کند پس غم را لازم داریم که این غم ، مقدمه ی ترک معصیت است محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است .

### چند تا گرایش با غم گره خورده اند

#### گرایش تنهایی گریزی

ما انسانها از تنهایی خوشمان نمی آید . تنهایی ، غم در دل انسان می آورد وقتی از تنهایی قبر برای مردم می گوئیم ؛ یک غمی در دلشان می افتد . گاهی موقع این فراز را می گوئیم که خیلی اثرگذار است اون روزی که ما را آنجا می برند ، می گذارند ما را در خانه ی قبرمان و همه هم برمی گردند ، شب اول قبر ، بهترین رفیقات هم نمی مانند و همه برمی گردند ، فقط ما می مانیم و خدا . در روایت است که من خانه ی کرم ها هستم ، من خانه ی تنهایی هستم ...

چند وقت پیش یکی از اقوامان از دنیا رفته بود ، وقتی برای مراسم تشییع و تدفین رفتم ، موقع دفن این شخص که شد ، دیدم که هیچ کس جلو نمی آید . همه منتظر بودند که این نوجوان بیاید جلو . چند دقیقه ای بدن این میت روی زمین بود ، پسر مرحوم آمد جلو ، من دلم نیامد ، به او گفتم که تو کنار برو و من رفتم جلو ، داشتم جای مرده .... در همین چند دقیقه که داشتم صورت میت را باز می کردم تا روی خاک بگذارم در همین چند دقیقه دیدم کرم ها راه افتادند روی صورتش ... خوش بحال کسی که اون دنیا رو سفید است دلا رحمی به جان خویشتن کن ، که مورا....



وقتی این صحنه را برای مردم تصویرسازی می کنی می بینی که این قیافه گرفتن ها آنجا بدرد ما نمی خورد بلکه دستگیری کردن ها به درد انسان می خورد

**در این قضیه قبر ، اگر یک جاهایی از قضیه مرگ را بخواهم تصویر کنم ، ترس ایجاد می شود چون خطرگریزی فعال می شود . و در یک جا غم حاصل می شود چون تنهایی گریزی حاصل می شود .**

کافی هست اشاره کنیم به روایت رسول اکرم که به امواتان رحم کنید از شب اول قبر ، به میت ، شبی سخت تر از شب اول قبر نمی گذرد ، بعد خطرگریزی فعال می شود ....

اگر این فرمول را بدانیم می فهمیم که چه کار کنیم ، چه احساسی ایجاد می شود .

**یکی از فائده های احساس غم اینست که جلوی شادی هایی که بدمستی ایجاد می کند را می گیرد .**

**گرایش فقدان گریزی ، موجب احساس غم می شود .**

ما دوست نداریم ، چیزی را از دست بدهیم . مثل اینکه صبح بیایی و ببینی که ماشینت را دزدیدند . ما هر چیزی که از دست بدهیم ، یک غمی در ما ایجاد می شود . بستگی دارد به اینکه آن چیزی که از دست می دهیم ، چقدر برای ما مهم هست یا نه . این غم متفاوت می شود .

من به پای گناه ، آبروی خودم پیش امام زمان را از دست دادم ، لذا فقدان گریزی ....

**سومین گرایی که موجب احساس غم می شود ؛ درد گریزی ماست**

انسانها از درد فراری هستند و هر چیزی که موجب درد جسمانی و روحانی آن ها می شود ، فراری هستند . درد که ایجاد می شود ، غم در دل افراد می افتد .  
وقتی از بعضی دردها و سختی هایی که شخص می کشد بخاطر بعضی معصیت ها سبب غم می شود

اگر از عذاب های آخرت بگویی ، سبب غم می شود  
یکی از عذاب ها و دردهای روحی در قیامت اینست که در دعای کمیل هست « خدایا من را با  
احبا جمع کن و با دشمنان اهل بیت و بدها در قیامت جمع نکن ، خود این مطلب یک درد روحی  
هست و یک غمی در دل انسان ایجاد نکن .

## فرق حس ترس با حس غم

ترس حاصل فعال شدن خطرگریزی بود / نفرت  
مثال ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا ... احساس نفرت هست .  
ما قبل از اینکه به ضرر و درد و فقدان دچار شویم از دچار شدن به اینها ترس داریم . ووقتی که  
دچار می شویم ، ازدچار شدن به اینها غم در ما ایجاد می شود .  
بچه ها چرا از آمپول می ترسند ؟  
ترس از تنها شدن ، ترس از ...

## قبل از این سه ( ضرر ، درد ، فقدان ) در ما ترس ایجاد می شود بعدش غم می شود

در اثر گناه اینها پیش آمده و خبر نداری .... ووقتی فهمید که ایجاد شده در او ، در او غم ایجاد  
می شود .  
اگر کسی مال یتیم خورده باشد ، بعد از شنیدن ان الذین یاکلون اموال الیتامی ... در او غم ایجاد  
می شود .  
وقتی اینها را فهمیدیم ، می فهمیم که کجای داستان را اگر پر و بال دهیم این احساسات ایجاد می  
شود .  
داستان سعد را همه ی ما شنیده ایم . آقا ، سعد را تحویل گرفتند در تشییع سعد .... حتی پای برهنه  
تشییع کردند ، ملائکه برای تشییعش آمدند . اگر همین قسمت را پر و بال دهید ، غبطه ایجاد می  
شود در مخاطب

ولی وقتی به این قسمت می‌رسیم که پیامبر به مادرش فرمود نگو خوش بحالش ، چون سعد الان فشار قبر دارد ( اگر این قسمت را پرورش دهیم ، خطر گریزی اش فعال می‌شود چون سعد با این مقام اینطور می‌شود وای به حال ما )

بعد سوال پیش می‌آید که چه شده ، مگر چه کار کرده ؟ با زن و بچه اش بد اخلاق بوده بعد از گفتن این جمله دو اتفاق می‌افتد :

یک عده ای بد اخلاق نیستند با زن و بچه ؛ از این به بعد می‌ترسند از بد اخلاقی با زن و بچه  
یک عده ای بد اخلاق هستند ، اینها می‌فهمند که فشار قبر برای آنها حاصل شده ، پس اگر با این اوضاع بمیرند ، اوضاعشان خیلی خراب است . لذا یک غم و نگرانی در آنها ایجاد می‌شود  
لذا این ترس و غم باهم جمع می‌شوند و حس پشیمانی در شخص ایجاد می‌شود .

ما گاهی موقع با یک داستان می‌توانیم احساسهای مختلفی را در مخاطبان فعال کنیم ..

سه تا احساس محبت ، شادی و امید باقی می‌ماند .

=====

« درس کاربردی »

روشی هست که در سخنرانی می‌تواند خیلی از گره های ما را باز کند

درس بندی فصل احساس ما به این شکل است

مبانی و مقدمات نظری احساس

عوامل و موانع زمینه ساز احساس

( مثلا اگر می‌خواهی احساس مخاطب را ایجاد کنی ، باید یک زمینه هایی را فراهم کنی و یک

موانعی هم وجود دارد .... بحث ارتباط با مخاطب )

محتوای احساس برانگیز

مثل شعر

سخنرانی که از شعر استفاده می‌کند ، قدرت احساسی بیشتری دارد

داستان ( قویترین محتوای احساس برانگیز است )

ویژگی های یک داستان احساس برانگیز را می گوئیم که شما باید دقت کنید که برای سخنرانیان یک داستان ....

درس چهارم: روش های تحریک احساس در سخنرانی

در روش ها بحث ما از قالب است. قالب یعنی اسلوبی که بواسطه ی آن می توانید یک چیز را تولید کنید. مثلاً روش مناجات یک قالب است که متناسب با محتوای سخنرانی می توانی هر چه که می خواهی بریزی. یک نفر با این قالب، محتوایی را می ریزد که ترس ایجاد می شود و برای شخص دیگر، عشق به خدا تولید می شود.

از آنجایی که داستان، قویترین محتوای سخن هست، یکجورایی آچار فرانسه ای دارد... داستان در فضای سخنرانی اینگونه هست که می توانی با داستان رفتار سازی یا تحریک سازی کنی یا ....

شخصی می گوید که رهبر جامعه اگر عادل باشد، در جامعه و بین مسئولین نباید .... می گوئیم شما حضرت علی علیه السلام را قبول داری که عادل بوده، در زمان ایشان هم بعضی از سران ...

انسان بعد از منتخب شدن ممکن است با اختیار خودش .... تخلف مسئول دلیل بر فسق رهبر نیست.

داستان فرماندار متخلف را ذکر می کنم، می شود توضیح به نمونه داستان یک محتوایی هست که در سخنرانی خیلی بدرد ما می خورد یک سخنران اگر قبل از سخنرانی نسبت به تولید محتوایش نگاه کرد و اگر کمتر از سه داستان خوب جمع آوری کرده باشد، ندید می توان گفت که این سخنرانی، سخنرانی خوبی نیست. اگر این داستان نباشد، این سخنرانی از حیث مواد کمبود دارد. لذا برای داستان اهمیت قائل هستیم. ولی یک مشکلی وجود دارد و آن اینکه کتبی که داستان های قوی داشته باشد و موضوعی باشد، در کتابهای بازار پیدا نمی کنید.

آیه و روایت سخت پیدا نمی شود ولی داستان خوب، سخت پیدا می شود دو تا راه داریم:

کتبی که داستان های معتبر و قوی دارند، در طول سال در برنامه ی مطالعه ی آزاد که در فصل آماده سازی منبر گفتیم مطالعه کنیم و بهترین های آنها را فیش برداری کنی.

راه دیگر اینست که شما قدرت تولید داستان پیدا کنید .

داستان بسازید .

تولید داستان یک توانمندی ای هست که شما را از کمبود داستان برای همیشه خلاصی می بخشد . هر جا داستان خوبی داشتی که بهتر ، اما اگر نداشتی و پیدا نکردی یک سخنران قوی ، یک داستانواره می سازد . در رشته ی ادبیات یکی از مباحث مهم بحث داستان سرایی و داستان ساختن هست . فیلم ها و سریال ها با یک داستان قوی هست . شعراء و حکماء داستان می ساختند . پروین اعتصامی ، کلیله و دمنه

مگر داستان غیر واقعی می تواند تحریک احساس کند ؟ بله ، مثل فیلم ها و سریال ها داستان یک قدرتی دارد که اگر واقعی هم نباشد و قوی ساخته شده باشد می تواند تحریک داستان کند .

جالب است که به شما بگویم ، داستان واره در قرآن هم استفاده شده است .

مفسرین به جای داستان واره می گویند ؛ مثل

آیه ۲۶۶ بقره

ایود احد کم ان تکون له جنه من نخیل ...

از همان اول کلام بر می آید که داستان واقعی نیست . چون می فرماید که آیا دوست دارد یکی از شما ( یکی از شما ) معلوم می شود که واقعی نیست . دوست داشتن احساس هست ، از احساس شما می پرسد که شما در آخر بگویی که دوست ندارم . این آیه بدنبال این است که احساس نفرت را در ما تحریک کند ( دوست نداشتن )

یک داستان چند تا قطعه دارد :

شما می توانی متناسب با احساس مخاطب و احساسی که نیاز داری و آنچه که خواهی ، داستان را بسازی .

آیا دوست دارد یکی از شما ، یک باغی داشته باشد که در آن باغ ، درخت هایی از خرما و انگور داشته باشد .

از کجا می‌گوییم که داستان وارّه است؟ چون خداوند متعال می‌تواند این باغ را تصویرسازی و توصیف نکند، چرا جزئیات داستان را می‌گوید؟ چون این جزئیات داستان هست که به تحریک احساس کمک می‌کند. اینکه چه درخت‌هایی هست را هم می‌گوید.

خداوند یک جور تصویر می‌کند که شما با او همراه شوید...

در آن باغ، از زیر این درخت‌ها یک رودهایی جاری باشد، در این باغ با صفا میوه‌هایی وجود داشته باشد، و شما که همچنین باغی داری، به سن پیری بررسی یک داستان خوب، شخصیت‌هایش خیلی خوب طراحی شده‌اند. شخصیت این داستان سنش پیر هست چون اگر جوان باشی و باغت بسوزد و آتیش بگیرد می‌گوید که خوب دوباره می‌سازم ولی اگر پیر باشد دیگر امید به دوباره ساختن ندارد.

یک مجموعه‌ای مشغول نوشتن هستیم به اسم: «روش شناسی بیان خدا در قرآن»

واصابه الکبر و له ذریه ضعفاء... این شخصیت داستان کسی هست که بچه‌های ضعیفی دارد. (کلام خدای حکیم هست که کلمه کلمه اش روی حکمت هست؛ اینها را می‌گوید چون برای تحریک احساس لازم است)، یک بادی بوزد و یک دفعه آتش بگیرد.

شما اگر پیر باشی و یک باغی داشته باشی و... آیا دوست داری؟

واقعی نیست ولی می‌روی در داستان و می‌گویی که دوست ندارم

در این آیه، فقدان گریزی را با داستان وارّه دارد فعال می‌کند. در نتیجه مخاطب می‌گوید که دوست ندارم

کذلک یبین الله...

چند بار در قرآن کذلک یبین الله...

ما اینجوری تبیین می‌کنیم. یعنی خدا می‌گوید که من مدل و سبک دارم در تبیین و شما این

سبک من را نگاه کنید. یعنی خداوند متعال می‌فرماید این مدل تبیین من است.

این یک سبک هست که باید از این آیه یاد بگیریم.

ممکن است بعضی‌ها بگویند مثل، اما همه‌ی ویژگی‌های یک داستان را دارد.

شما هر جا لازم شد می‌توانی با استفاده از قدرت خلاقیت می‌توانی داستان بسازی.

خیلی از مثل‌هایی که چند بعدی هست همینطور است

من با یک داستان می خواهم احساس نفرت شما را تحریک کنم  
( در سخنرانی ابایی نداریم ... دروغ نمی شود ، در اولش می گوئیم : فرض بگیرید .... لذا خلاف  
واقع نمی شود )

من این داستان را در موضوع ...

متأسفانه گاهی موقع یک اتفاقی در جامعه می افتد . مردم ما به این لباس خیلی اعتماد دارند . اگر  
ناچار باشند که ناموسشان را پیش کسی بگذارند ، نزد روحانی می گذارند  
متأسفانه ما طلبه ها گاهی موقع غفلت می کنیم و به این امانت خیانت می کنیم  
حوادثی شنیده می شود از طلبه ها ، که چقدر در مردم تاثیر می گذارد  
حواست باشد که به اعتماد مردم به این لباس خیانت نکن  
برای نشان دادن قبح این خیانت یک داستانی آورده

فرض کنید یک روحانی می رود تبلیغ ، مسجد را نگاه می کند که خانه ی عالم ندارد . مردم آن  
شهر می بینند که حاج آقا جا ندارد ، می گوید که حاج آقا بیا منزل ما . این روحانی وارد منزل  
این شخص متدین می شود

این بنده ی خدا روی حساب اعتمادی که به این روحانی دارد ، دغدغه ندارد . گاهی موقع روی  
حساب این اعتماد ، کارهایی که جاهای دیگر می کنند در اینجا نمی کنند  
فرض کنید که پذیرایی این منزل را برای این روحانی ، دختر جوانشان انجام می دهد  
در چنین موقعیتی که شرائط امتحان هست ، خیلی باید مراقب باشیم  
کم کم در این مراودات توجهش به دختر صاحب خانه جمع می شود ...

فرض کنید حاج آقا در این مدت ۱۵ روز ماه رمضان ، بعضی وقت ها دختره سوالهایش را از  
روحانی می پرسد . وسوسه ای می آید و بدون خبر والدین ، پیشنهادی را  
آیت الله بهجت در نظراتش هست : تکلیفا اشکال دارد و عقد صحیح است و فقط معصیت کرده  
که بدون اذن ...

در روزهای آخر؛ در این رابطه ی پنهانی، پدر مطلع می شود. وقتی پدر می فهمد که روحانی از اعتماد او سوء استفاده کرده، چقدر بدش می آید... اگر این خبر بیچند در آن شهر چه اتفاقی می افتد. انسان وقتی فکرش را می کند، می بیند که

هوا و هوس گرد برخاسته ....

وقتی شهوت اوج می گیرد ...

چه کردی؟

چقدر هر شخصی این رفتار را می شنود، بدش می آید ....

این داستانی که نقل کردم واقعی نبود ولی وقتی شخصیت داستان جلو می رود، و این رفتار از شخصیت داستان سر می زند، شما از این اتفاقی که در این داستان می افتد ناراحت می شوی. این احساس منفی کمک می کند که وقتی مخاطب در این شرایط قرار می گیرد ...

ما در داستان واره بدنبال این هستیم که داستان را به گونه ای بسازیم که احساس مورد نظر را در مخاطبمان ایجاد کنیم

در روایتی هست (داستان واره)

می فرماید: یک فردی را تصور کنید که در یک بیابانی، مسیر را گم می کند، راحله اش هم تمام می شود، مرکبش رو به موت می افتد، خودش از شدت گرسنگی و تشنگی بی حال می شود، رو به مرگ می رود ...

لحظه های آخر که روی زمین افتاده ...

در آن حال که چشم هایش آرام آرام بسته شده، یاد یک چیزی می افتد ....

جلوتر که می رود، آدم هایی یک جرعه ی آب جلوی لب هایش می گیرد، چقدر از دیدن این آدم ها خوشحال می شود

خداوند از توبه ی بنده اش همینقدر خوشحال می شود

(این هم نمونه ی روایی داستان واره است)

حالا چگونه داستان بسازیم:

اول باید موضوع بحثمان که می خواهیم داستان در موردش بسازیم، جزئی کنیم



یک قطعه ی مهم داستان ، حوادث و اتفاقات داستان است  
اول باید ذهنمان را روی یک موضوع جزئی متمرکز کنیم چون ذهن ما نسبت به یک موضوع  
کلی نمی تواند خلاقیت خوبی از خودش نشان دهد  
مثلا اگر در مورد نماز بخوای داستان واره بسازی فائده ای ندارد .  
مثلا می خواهی الان نسبت به نماز اول وقت چه احساسی در شخص ایجاد کنی ؟  
امام صادق علیه السلام فرمودند ؛ کسی که نماز را سبک بشمارد ، شفاعت اهل بیت را از دست  
می دهد

ترس از دست دادن شفاعت را می خواهیم در او ایجاد کنیم  
یک روایت یا آیه ی قرآنی را در مورد آن احساس پیدا کنیم . چون می خواهیم داستان واره ی  
شما در جهت تبیین یک مفهوم قرآنی یا روایی باشد  
خود این آیه یا روایت در مورد این موضوع جزئی ، به داستان واره ی شما جهت می شد که  
داستان شما حول این آیه یا روایت باشد  
ذهن شما جزئی می شود

### **در این مرحله شما تلاش می کنی که ایده ی اولیه ی داستان را پیدا کنی**

مثلا شفاعت اهل بیت نمی رسد به کسی که نماز اول وقت نمی خوانند ... ۵۰ درصد داستان  
سازی در ایده ی اولیه هست . در این روایت چه چیزی ترس ایجاد می کند . وقتی روز قیامت را  
در نظر می گیریم . که تنها نجات ما این شفاعت هست که وقتی بگویند که تنها باب نجات را در  
آن شرایط سخت از دست دادی دادی ، خیلی نگران کننده می شود  
حالا باید شبیه این بسازی

من مخاطبم را در چه شرائطی قرار دهم که شرائط خیلی سختی باشد ( دردناک نه قیامت که او لمس  
کند ) که در آن شرائط فقط یک راه نجات باشد که او بخاطر سهل انگاری ، راه نجات را از داده  
باشد و حالا که می خواهد از این راه نجات استفاده کند به او بگویند که تو نمی توانی از این راه  
نجات استفاده کنی ، بخاطر سهل انگاری خودش ....

در کتاب های مربوط به داستان سازی و ایده سازی ، انواع ایده ها را می گویند و می سازند :

عناوین ایده های داستان :

عشق ،

داستان تنبیه ( خوبی که بد می شود و کیفر بد شدنش را می بیند )

داستان آزمایش ( قدرت اراده در برابر وساوس شیطانی )

داستان تحصیل ( تغییر نگرش منفی قهرمان داستان به مثبت )

....

اما ما در فضای سخنرانی دیدیم که این ۱۹ تایی که آنها گفته اند شاید بدرد ما نخورد

ما خودمان یک تقسیم بندی دیگری کردیم

انواع ایده های ما در تولید داستان :

۱. ایده های آموزشی

( پناهیان می خواهد بگوید که هیچ چیزی در این عالم بی دلیل نیست ، ما اصابتکم من مصیبه فبما

کسبت ایدیکم ... یک راننده ای در یک کوچه ای رد می شد که یک بچه ای با دو چرخه می

رقت و این راننده به این دو چرخه زد و پرت شد در جوی آب....

ما می رویم با خدا مصاحبه کنیم که چرا این اتفاق افتاده است ؟ خدایا چرا این اتفاق افتاد ؟

دقت کرده که همه ی اینهایی که به خدا نسبت داده ، مستند آیه ی قرآن داشته باشد

خداوند می فرماید : این ماشین خرید ؛ رفقاییش گفتند که یک قربانی و صدقه بدهد ، گفت : نه

گفتم بذار یک تصادف کند تا بفهمد که وقتی یک نعمتی خدا بهش داده به شکرانه ی نعمتش

باید ...

بعد از خدا می پرسیم که این بچه چی ؟

گفت مادرش با مادر همسایه در خانه داشتند سبزی پاک می کردند . بچه ی همسایه لنگ است ،

زمین خورد ، مادرش خندید ، و گفت مواظب باش شصت پایت تو چشمت نرود . دل مادر دیگه

شکست و من گفتم بذار چند وقتی بچه اش بلنگد تا حواسش را جمع کند ...

این میوه فروش : آدم خوبی بود ، نماز شب می خواند و از من خواست که خدایا توفیق عمل

صالح به من بده....

هیچ چیزی در عالم بی حکمت نیست ، بلکه روی ثانیه ثانیه هست والا تضادف شکل نمی گیرد

تو با خدا معامله کن ، خدا حوادث را طوری می چیند که تو دلت می خواهد  
تقدیر را در شب قدر می توانی با این داستان ها بگویی ....

ما در این داستان ؛ احساس امید را ایجاد کردیم  
ما داستان ها را متناسب با ۶ احساس اصلی می شماریم

داستان های ترسناک ، امید آفرین ، شادی آفرین ، غم آفرین ، ....  
۶ نوع ایده می گوئیم از باب

۲ . درام ( داستان های غمناک )

ته داستان احساس غم در مخاطب ایجاد می شود

برای اینکه نوجوان ها قدر والدینشان را بیشتر بدانند من یک داستانی ساخته بودم که  
یک پسر بچه ای ، مادرش یک چشمش کور بود ... همیشه خجالت می کشید که دوستانش  
مادرش را ببینند ، برخوردهای بدی با مادرش داشت ، بورسیه می شود و دانشگاه خارج می شود و  
خیلی از مادرش خوشش نمی آید ...

اینجا مگر منزل فلانی نیست ... گفت فلانی از دنیا رفته

کجا بودی ؟ گفت : خارج

گفت مادر تان لحظه های آخر خیلی دوست داشت شما را ببیند

مادر در این داستان نوشته بود که یک عمری از اینکه من مادرت بودم بدت می آید

تو خیلی

ولی هیچ وقت نگفتم که من چشمم را بخاطر تو از دست دادم . در یک تصادفی که شد دکترها

گفتند که چشمت را از دست می دهی ،

دکترها گفتند که باید پیوند و عمل قرنیه انجام دهم ...

اما من تا آخرین لحظه دوست داشتم با همین چشم کورم بینم

فقط خواستم بدانی ....

پدر و مادرت اگر الان ظاهرشان به تیپ شما نمی خورد ، یا بی سواد هستند  
اگر الان زحمت نکشیده بود ، تو دکترانداستی  
وقتی این داستان را می گویی ، تکان می خورند  
داستان واره هست ولی احساس را منتقل می کند .

گاهی موقع داستان ما به گونه ای هست که می خواهیم ترس ایجاد شود

در روز قیامت شما را می آورند ، فرض کنید که نامه ی عملت را به دست می دهند  
مثلا دو بخش دارد

پایینی ها عددهایش یک یا دو رقمی هست و بالایی ها چند رقمی هست  
پایین حق الناس هست و حق الله ....

حق الله مثلا یک میلیون و دویست و ... نگاه به نامحرم کردی ( ملکینی هستند که دقیق ثبت می  
کنند که ... يعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور .... اگر آیه ی قرآن هم مستند وسط داستان  
واره بگویم خوب است . آیه یا روایت مستند )

خود همین تیکه آیه یا روایت که می خوانیم توجه جلب می کنند ( به عنوان مستند )  
این ها که عددهایش خیلی بزرگ است

مثلا می بیند که ۲۴ تا غیبت کردی

شروع می کنیم ، می گویم که چه کار کنم

به یک ملک می گویم که این ۲۴ تا را چه کار کنیم

می گوید که باید حلالیت بطلبی

می گویی که من در این صحرای محشر چه کار کنم

او می گوید با خودت هست

می گویم من نمی توانم شما نمی توانی کمک کنی

می گوید چون محب اهل بیت بودی ، من کمکت می کنم ، و این ۲۴ تا را نشان می دهم

این مرتضی هست .... چرا قیافه اش عوض شده است ؟ بله یوم تبلی السرائر هست ....

چهره ها آشکار شده

به مرتضی می گوید ( این سخنرانی دانش آموزی هست )

من را می شناسی ؟ منم فلانی ، ...هم کلاسی ات

ظاهرا اون موقع که دبیرستان بودیم زیر آبت را زدم و...حلالم کن

نامرد تو بودی این کار را کردی ، تو ببخش

می گوید می بخشم ولی به من می گویم : دو هزار رکعت نماز کم دارم . دو هزار رکعت نماز

مقبول بده تا راضی شوم

می گوید من ۲۰۰ رکعت بیشتر ندارم

می گوید مشکل خودت هست . از روزه هات بده تا یه جوری درستش کنیم

تازه این اولیش هست ...

هر کدام از این ۲۴ تا روی یک چیزی گیر هستند

مواظب حق الناس ها باشید ، خودتان را گیر مردم نیاندازید که روز قیامت کار همه گیر هست و

به این راحتی رضایت نمی دهند .

عزیزان من مراقب باشید ، در روایت هست ....

بعد از یاد گرفتن این نمونه ها

قدم بعدی ، شخصیت داستان هست

۲ . شخصیت های داستان

انواع شخصیت

الف ) مخاطب ( آیا دوست دارید یکی از شما ... )

ب ) خود سخنران ( گاهی موقع برای خودت داستان می سازی ، می گویی فرض کنید که من ...

رفتم مکه .. )

ج ) شخص ثالث ( شما یکی را تصور کنید ... جاهایی که اگر این اتفاق برای من یا مخاطب بد

باشد ، از شخص ثالث استفاده می کن ...

د ) اطرافیان مخاطب ( بابای شما ....

ه) شخصیت های شناخته شده (فرض کنید آیت الله بهجت ...

فرض کنید من خدمت آیت الله بهجت رسیده ام ، ایشان اجازه داده اند که من هفته ای نیم ساعت بر ای استفاده بروم... می خواستم مخاطب را به این شوق برسانم ...چقدر شما خوشحال می شوید که ایشان شما را به عنوان شاگرد خصوصی ات بپذیرد . بعد می گفتم : آقای بهجت شاگرد خصوصی یک خانمی هست که هر روز ۸ صبح می رفت دم در خانه اش و از او استفاده می کرد . چرا هر روز نمی رویم زیارتش....)

ع) شخصیت حقوقی (فرض کنید یک قاضی ....

دو نفر ما موتور رفتند و آب پاشیدند روی شخص با کلاسی ... گفت از دستتان شکایت می کنم ، گفتند برو بینم کسی شاهد نداری و دستت جایی بند نیست  
فان الشاهد هو الحاکم

خ) شخصیت های مجازی و حیوانی و ....(مورچه ای بود ، بلبل بود ... داستان های پروین اعتصامی ....

جیک جیک مستونت بود ، فکر زمستونت بود ...

طراحی دیالوگ های داستان

( من چشمم را دادم تا تو چشم داشته باشی...)

بابات پیر شد بخاطر جوانی تو .... )

جمله هایی که در دیالگ به کار می بریم باید باور پذیر باشد . صوت و لحن را خوب پیاده کنیم  
پیام داستان را با اتفاقات منتقل کنیم نه با دیالوگ  
در طراحی دیالوگها باید نکات زیر رعایت شود

۱ . باورپذیری

۲ . صوت و لحن ....

یک موضوع انتخاب کنید و ریزش کنید و در آن ریز موضوع از آیات و روایات استفاده کنید  
فرض کنید در ریز موضوع مواسات موالی برادرهای دینی ( برادر دینی ات که گرفتار شده است  
باید پول داری کمک کنی ... احساس امید به پاداش الهی )

## کارگاه صبح ۱۸ / ۶

چهارشنبه، ۰۹ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۹:۵۷ ق.ظ

ترس و غم از اتلاف عمر  
خطرگریزی، سلب امنیت، گریز از ضرر، فقدان و نقص

اون دنیا چند تا سوال می پرسند: عمرت را در چه راهی مصرف کردی ....  
ما را برگردان تا اعمال خوب انجام دهیم .

فرض کنید یک شخصی وضع مالی اش خوب نبوده، فقیر بوده، با زحمت زیاد و کارگری زیاد یک پولی را پس انداز می کنه، از این سرمایه اش به خوبی می تواند استفاده کند و سرمایه ی خودش را بیشتر می کند، در کنارش بازهم کار می کند و به سرمایه اش اضافه می کند بعد از دهها سال زحمت و تلاش، در سن ۵۰ سالگی این سرمایه را می دهد به فرزند جوانش که انرژی و امید و انگیزه ی بیشتری دارد که با این سرمایه کار کند و بتواند سرمایه را بیشتر کند تا هم خودش و هم خانواده، زندگی راحت و بهتری داشته باشند .  
این جوان وقتی پول را می گیرد، بدون اینکه سرمایه گذاری کند و بخواهد بهره ببرد شروع می کند به خرج کردن . با دوستانش اینطرف و آنطرف می روند و خرج می کند .....

بعد از یکسال پدر از سرمایه ای که به پسرش داده می پرسد ، پسر می گوید که بابا چیزی ندارم فقط یکمقدار کم باقی مانده ....

## عصر چهارشنبه

چهارشنبه، ۰۹ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۴:۳۲ ب.ظ

ما گاهی موقع وقتی ایمان را تقویت می کنیم ، رفتارها درست می شود  
خدایی که بندگانش را آفریده بهتر از من و شما می داند که بندگانش چطور هدایت می شود  
خدا ، قیامت و ولایت  
وقتی این سه درست شود ، بقیه ی رفتارها با یک رفتار درست می شود .  
مجموعه ی آیه های بندگی که خدا در قرآن ، قیامت در قرآن و ولایت در قرآن که هر کدام ده  
جلسه منبر هست و برای مسجدی ها کار شده  
برای دانش آموزی  
خدای عشق برای بحث خدا  
لذت مرگ برای بحث قیامت  
یاری امام عصر چگونه برای بحث امامت  
در برنامه ریزی های تبلیغی غفلت نکنید که اول این سه پایه را محکم کنید ، بعد به رفتارها  
پردازید .

=====

رسیدیم به احساس محبت ، امید و شادی

سه تا احساس مثبت و قابل توجه در فضای منبر

امید یک پای تبلیغ نبوت است



هل الدين الا الحب ( محبت )

شادی که متهم هستیم به عدم شادی منبر

حس محبت با چند گرایش در ارتباط است

۱. لذت گرایی

همه ی ما دوست داریم لذت ببریم ، آدمیزاد لذت طلب و لذت گرا هست . چیزی که لذت دارد

مورد محبت ما قرار می گیرد . چرا بچه ها بازی را دوست دارند ، چون لذت دارند

چرا بعضی بزرگترها ماشین آنچنانی را دوست دارند ، چون لذت دارد

چرا زن و مرد نسبت به هم علاقه پیدا می کنند ، چون لذت دارد

انسان چیزهایی که برایش لذت دارد را دوست دارد

در سخنرانی اگر نشان دهی که یک چیز لذت دارد ، آن چیز مورد محبت مخاطب قرار می گیرد

دانش آموزان نسبت به بهشت یک تلقی ای دارند که سبب می شود که محبت به بهشت نداشته

باشند . اگر به او بگویی که گناهان را ترک کن تا بهشتی شوی ، خیلی انگیزه ساز نیست

من برای اینکه این احساس در آنها تقویت شود چون کار دارم ، باید بهشت را لذتش را برایش

ملموس کنم . به آنها می گفتم ؛ بچه ها تهش از لذت چی می خواهی ؟

چه می خواهی

یک ویلا و خانه ی آنچنانی مجلل ، یک بنز آخرین مدل ، چند تازن می خواهی ؟ ۱۰ تازن هم

برای شما . دیگه چی می خواهی ؟ حساب بانکی ات را می گیرند و می گویند چند میلیارد الان

بریزید به حسابش ....

به همین راحتی لذت های دنیا تمام می شود . دنیا چی دارد برای لذت بردن

یا خوردن یا خوابیدن یا شهوت رانی

غیر از اینها دیگه چیزی نیست ....

اگر یک میلیارد در حاضر شود که اینها همه را به شما بدهد .... عوض شما ۲۰ تا کار را بذار کنار ،

قبوله یا نه ؟

خدایش کسی اگر اینها را بدهد ، کدام آدم عاقل حاضر است ...

خدا در قرآن یک چک سفید امضاء داده و فرموده: اللهم ما يشاءون (هر چه تو بخواهی، تو بنویس، چی می خواهی، چقدر می خواهی.... زن اگر می خواهی در روایت دارد که اگر ذره ای از آن در عالم تجلی کند، تمام مردان عالم جنب می شوند....  
لهم ما يشاءون... خدا نمی فرماید که من چی می دهم، بلکه می فرماید که هر چه تو می خواهی تازه ولدینا مزید

باید لذت گرایی اش را فعال کنیم.

حالا چی می خواهی از من؟ نگاه به نامحرم نکن، نماز بخوان،....  
لذت گرایی را آوردیم و فعالش کردیم لذا....

در مناجات هم همینطور بود که وقتی لذت برد پای مناجات خدا، دیگر حاضر است از لذت های دیگر دست بردارد. یا لذت نماز در نیمه شب...

لذت انفاق را و وقتی بچشیم نسبت به انفاق محبت پیدا می کنیم

ایجاد لذت نسبت به خوبی ها یکی دیگر از کارهای ماست

## کمال گرایی

چرا این دختر خانم را دوست دارد؟ چون خوشگل است

این محبت حاصل دیدن یک کمال ظاهری هست، و الا اگر یک تصادف کند و زشت شود دیگر نمی خواهیمش

اینکه اهل بیت را دوست داریم چون دارای کمالات هستند. آنچه خوبان همه دارند تو همه یکجا داری

نقص، نفرت می آورد. خود خداوند متعال در اوج کمالات است.

کمال گرایی یک پای دیگر محبت است

اگر جوان، عاشق شهداء شود، راه او را می رود

وقتی کمالات فوتبالیست ها را ببیند ، عاشق اونها می شود و راه آنها را می رود ولی ما کم گذاشتیم و کم گفتیم . شما وقتی می خواهی شخص نسبت به نماز یک احساسی پیدا کند ، لذت عبادت را به او بگو .  
یک شعری مولوی در مورد نماز دارد که خیلی زیباست .

## ۲ . منفعت گرایی

وقتی به پدر و مادر نیاز دارد ، دوستشان دارد ولی وقتی دیگر نیازی به آنها ندارد و باری روی دوشش می شود ، آنها را کنار می گذارد .  
یا در خدمت به والدین ، منفعت قیامتی ببیند که هما جتتک و نارک خدمت و محبت و احسان کند  
منفعت طلبی باعث می شود که یکسری چیزها را دوست داشته باشیم .  
در کنار محبت اهل بیت که موجب علاقه ی ما هست ، منفعی هم می بریم که بی تأثیر در محبت ما به آنها نیست  
حب به پول و ریاست و ... چون منافع دارد  
در سخنرانی بتوانی برای مخاطب نشان دهی که یک رفتاری برای او منفعت دارد .

**امید چگونه شکل می گیرد ؟ در اثر اضافه کردن یک چیز ( احتمال دستیابی ) به منفعت طلبی و کمال طلبی و راحت طلبی هست**

اگر احساس کنی که می شود به یک کمالی دست یابی ، امید پیدا می کنی .

در ذیل آیه ی یا ایته النفس المطمئنه

یک شخصی از امام صادق می پرسد که آیا مومن هم از مرگ کراهت دارد ؟ لا والله  
وقتی ملک الموت می خواهد مومن را قبض روح کند ....

این روایت را حضرت می فرماید . اگر شما برای مخاطب بخوانی ، و بعد احتمال دستیابی اینکه مخاطب می تواند به این دست پیدا کند ، شوق و امید را در مخاطب بر می انگیزد ...

شمایی که یک عمری پای روضه بودی ، اهل نماز اول وقت بودی .... می توانی شامل این روایت شوی .

ملك الموت می گوید که من از مادر به تو مهربان تر هستم . وقتی چشم هایش را باز می کند ، ۱۴ معصوم را می بیند در کنار خودش ، بعد به او می گوید که می خواهی به اینها ملحق شوی ؟ برای او هیچ چیزی لذت بخش تر از این نیست که به اینها برسد .  
فادخلی فی عبادی یعنی معصومین

### منفعت طلبی

به او می گوئیم که این منافع ، احتمال دارد که به آنها دست پیدا کنی .

### احساس شادی

گرایش منفعت طلبی ، کمال طلبی و ....

اگر فرد احساس کند که این کمال یا لذت را بدست آورده ، شاد می شود

اگر کمال را در کسی ببیند ، ....

ما کمالات را دوست داریم بدست بیاوریم ، و وقتی بدست می آوریم احساس شادی به ما دست می دهد .

اگر کمالات را در دیگری ببینی ، احساس محبت به تو دست می دهد ( نسبت به آن شخص )

=====

### رفتار سازی

اقتناع ، پرورش احساس و بعد رفتارسازی

اگر در مخاطب اندیشه را اقتناع کنیم و احساس را فعال کنیم ، برای تغییر رفتار کفایت نمیکند

سیگاری هایی را دیده اید ؟ ( یک دسته از مخاطبین ما در تبلیغ که نمی توانم بی تفاوت از

کنارشان عبور کنم ، سیگاری ها هستند )

خیلی از سیگاری ها اگر صحبت می کنید می گوید که من هم ناراحت هستم و دوست ندارم که بکشم ( یعنی احساسم رشد یافته ) ، و خودش هم می گوید که همه اش ضرر است ( اقناع هم شده است ) ولی می گوید که نمی توانم ترک کنم .

رفتار نیاز به کمک های رفتاری دارد

باید برای تغییر رفتار یک کارهایی انجام دهیم

برای رفتارسازی یک فرایند ترسیم کرده ایم .

فصل احساس دارای دو بخش رفتارسازی و ملکه سازی و ملکه سوزی

رفتاری که عادت شده و ملکه شده است ، اصلاحش خیلی سخت است

اما رفتارهایی که هنوز ملکه نشده است یک فرایند دارند :

۱ . انگیزه سازی ( انگیزه سازی برای رفتار است نه انگیزه سازی برای شنیدن صحبت های ما )

۲ . برنامه دادن برای رفتار

۳ . الگو دادن برای آن برنامه

۴ . ارتباط محتوایی

۵ . فنون متابعت

اگر می خواهید یک رفتاری در سخنرانی به شکل جدی تغییر کند باید از این ۵ قسمت به شکل جدی استفاده کنی .

همه ی سخنرانی و ثمره اش باید این باشد که رفتار شخص تغییر کند . خداوند در قرآن ؛ ۵۲ بار

فرموده که الذین آمنوا و عملوا الصالحات

این عمل صالح هست که اوضاعش در کشور ما خراب است

مردم ما بیشتر رفتارهایشان خراب است نه اعتقاداتشان

طبق روایات کسی که ایمانش درست باشد ، این ایمان نجات دهنده هست .

اهمیت ایمان از عمل بیشتر است .

می گویند بعضی از محبین شما شراب می خورند و .... آیا ما می توانیم بگوییم فاسق؟ حضرت فرمودند که بگویید: طیب الروح، فاسق العمل  
آیا می توانیم تبری بجوییم؟ حضرت فرمود که نه، باید از عملش تبری بجوییم نه خودش  
بحث اعتقاد خیلی مهم و با اهمیت هست.  
سلام ما را به شیعیانمان برسان (جابر) و بگو که خود ما هم با عمل به خدا مقرب می شویم

بعضی از جاها وقت داریم که فرایند کامل اجرا کنیم و بعضی از جاها نه  
اگر وقت نداشتیم باید از روش ارتباط محتوایی استفاده کنیم که یکجورایی کار فرآیند کامل را  
می تواند برای ما انجام دهد  
ارتباط محتوایی روشی هست که هر جایی که وقتمان کم بود، از این روش می توانیم استفاده  
کنیم

ارتباط محتوایی: برقرار ارتباط بین مواد سخنرانی (اعم از آیه، روایت، شعر، داستان، آمار،  
علوم روز...) با لغزش گاه های رفتار مخاطب (جایی که احتمال لغزش مخاطب هست)  
یک سخنرانی از آقای هاشمی نژاد گوش دادم (آدم مهذب هست و سخنرانی های پربار و غنی  
ای دارد. در ۴۵ دقیقه، ۵۰ تا مطلب مستقل گفت. شاید ۳۵ تا داستان گفت. اگر موادش را می  
شمردی ۵۰ تا مطلب در ۴۵ دقیقه گفت. شاید یک مخاطب عادی می گفت: احسنت، عجب  
منبری. ولی من گفتم حیف شد. چون وقتی ۵۰ تا مطلب می گویی این مطالب حیف می شود  
چون مطالب زیادی را حفظ می کند ولی این ۵۰ تا مطلب با رفتار مخاطب به شکل صحیح گره  
نخورده است.

ما گاهی موقع از گره های رفتاری غافل می شویم، در حالیکه این گره ها سبب می شود که  
مطلب به بار بنشیند.

من یتق الله يجعل له مخرجا .....

کسی تقوا داشته باشد در زندگی وانمی ماند ....

این توضیح خیلی خاصیت و ثمر ندارد

اما اگر ارتباط محتوایی داشته باشی ، می گویی : عزیز دلم می دونی یعنی چی ؟ یعنی تقوا را در بازار رعایت کن ، تو بازار دروغ نگو ، بی خودی قسم دروغ نخور ، نگو که اگر دروغ نگویم قسط مغازه ام عقب می ماند ....

خدا وعده کرده که از جایی روزی می دهم که فکرش را نمی کنی .  
در بازار رضای مشهد همه سراغ شوشتری را می گیرند . چون دروغ نمی گوید به مشتری ، غش در معامله نمی کند . من یتق الله يجعل له مخرجا را باید باور کرد .

تو با کسی که دوستش داری ، در رابطه ات تقوا را رعایت کن ، من خودم درست می کنم .  
خدا دوست دارد که چگونه باشی

گناه را در هر کاری که داری کنار بگذار ، از آنجایی که فکر نمی کنی دستت را می گیرند  
آیه ی من یتق الله را با دو دسته از مخاطبینم گره زدم و بصورت کاربردی گفتم که این آیه در مغازه و بازار یعنی این ....

می فهمه که کجای زندگی اش را باید عمل کند

ما گاهی موقع محتواها را در منبر ، روی هواها می کنیم  
حتما در هر دسته از محتواها را به یک جای زندگی مخاطب گره بزیم

سعی کنیم از یک مدل گره استفاده نکنیم بلکه انواع گره ها را استفاده کنیم تا زیبا و اثربخش شود

( کاربرد این آیه یا روایت در زندگی که به کجای زندگی این آیه و روایت مربوط می شود یعنی وصل شود این آیه به یک جای زندگی )

## ۱. گره توییخی

ما گاهی موقع در قالب توییخ ، گره می زنیم

گاهی موقع که در مورد والدین صحبت می کنیم ، گره توییخی می زنم ( با جوان ها )  
به پدر و مادر تان اف نگوید ، آنوقت شخص بخاطر ریفش و سر ریفش ، سر باباش داد می زند ، آدم اینقدر بی معرفت و بی چشم و رو که بابایی که زحمت کشیده و عرق ریخته که سلول سلول های بدن شما را رشد داده

عزیزان بترسید از ناراضی شدن والدینت نه ...

پیامبر اکرم ؛ بترس از نفرین والدین که از شمشیر تیزتر است

یک جوانی ، پدر و مادر داری بلد بود ، مادرش می گفت که ماست بگیر ؛ می گفت : چشم ، مامان ، نوکرتم ... این مادر وقتی دستش را ببوسی ، محبتش قلمبه می شود و یک دعا می کند و همان کافی است .

گره اول توبیخی بود ،

گره دوم تشویقی بود

هر مخاطبی باید ببیند که تحمل کشش مخاطبش برای توبیخ تا چه حد است ، ما باید به اندازه ی خودمان . اصل توبیخ اگر هنرمندانه انجام شود لازم و خوب است  
من در توبیخم گفتم که طرف ( سوم شخص ) نگفتم شما ...  
ویل لکل همزه لمزه ...

## ۲. گره تشویقی

بعد از گره توبیخی ، گره تشویقی بزنید . چون تندی توبیخ را می گیرد و تعادل در کلام ایجاد می کند .

مثلا می گوئید در روایت دارد که شیعیان من را سه جا امتحان کنید

اوقات نماز ؛ آدم در بازار راه برود می تواند شیعیان امام صادق را تشخیص دهد .

یک جوری باشیم که وقتی امام زمان در بازار ما رد شد و چشمش افتاد به بازار ما خوشنود شود و برای ما دعا کند . نه اینکه غصه بخورد ...

گره تشویقی مثل اینکه بگوئید ؛ آفرین ، احسنت ، بعضی ها بلد هستند ....

و من الناس من يتخذ من دون الله اندادا ....

رحم الله امرأ...

طوبى لمن شغله عيبه عن عيوب الناس...

## ۳. گره آرزویی

از قالب آرزو استفاده کنید



امام هادی علیه السلام ، در دعای ندبه می فرماید ؛ اینگونه با آقایان صبح جمعه ها حرف بزنید .  
آقا جان برای ما سخت است که همه را ببینیم و شما را نبینیم . به خودم نگاه می کنم که آیا واقعا  
سختم هست . خوش به حال اونهایی که سختشان هست . بعضی از ماها عادت کردیم به نبود آقا و  
واقعا دوری از آقا سختمان نیست .

شهید ردّانی پور در بیابان ها می دوید و یابن الحسن می گفت و اشک می ریخت  
شهید مجد : اینجا قبر شهیدی است که به آرزوی دیدار و در انتظار دیدار مولایش ....

**ای کاش این عشق ها را به ما بدهند که دیگر صبح جمعه هر کاری کنیم ، نتوانیم  
بخواییم و نتوانیم غروب جمعه برویم پارک و دلتنگ هستیم . از خدا بخواهیم که  
اینچنین عشقی را به ما بدهد .**

این چه انتظاری هست که وقتی به جوان شیعه می گویم آخرین باری که با آقایت حرف زدی ،  
کی بوده ؟ می گوید که یادم نمی آید .  
گره آرزویی و توبیخ هم بود .

#### **۴ . گره تلقینی**

در دنیای امروز یکی از مطالبی که در رسانه خیلی کار می کنند ، تلقین و القاء به مخاطب هست .  
گاهی موقع شخص ، شهادت بعضی از کارها را ندارد و نیاز به تلقین دارد . یک عده ای روز  
قیامت می گویند : یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا  
خود این آیه ، گره آرزویی هست ولی من می خواهم تلقینی بگویم  
عزیز دلم اگر می خواهی در دنیا روی دروایی داشته باشی ، این حال و روزت در قیامت هست .  
وقتی رفیقت می گوید بیا بالا بریم ، چرا می ترسی و خجالت می کشد . از چی می ترسی ، با  
جرات بگو نه ، ما اهلش نیستیم ، اگر خندید ، بگو می بنمت و نخند  
علم الهدی ۱۴ سالش بود و در سلول بزه کاران انداختیمش . بعد از یک هفته دیدیم نماز جماعت  
به امامت سید حسین علم الهدی در آنجا راه انداخته است . مومن نباید بی خاصیت باشد ، نباید  
ترسو و بزدل باشد . محکم باش و نترس . تو اثر بگذار و جو را بگیر نه اینکه جو تو را بگیرد . این  
گره تلقینی هست . قل اعوذ برب الفلق .. قل یا ایها الکافرون ... تلقینی هست

## ۵. گره سوالی

آنجاهایی که می خواهیم تویخ کنیم ولی شأن مخاطب نیست ، گره سوالی هست . گره سوالی یک تویخ مایی دارد ولی می خواهیم مخاطب را به فکر فرو ببریم .  
نمونه : خدا رحمت کند علامه ی جعفری را ، شخص گفت ؛ رفتم دم درب علامه . بعد از سلام و احوالپرسی ، گفتم الان فرصت دارید که مزاحم بشوم . گفت : الان شرمنده ام ، الان وقت بازی با بچه ام هست و وقت او ضایع می شود . من برایم خیلی جالب بود که در برنامه اش برای بازی با بچه اش هم وقت گذاشته است  
گاهی موقع حواسمان به همه جا هست ، کلی برای مردم وقت می گذاریم ولی به فکر بچه ی خودمان نیستیم

چقدر بد است ، بچه ی یک عالم وقتی بزرگ شد ، اهل نماز و دین نباشد ....

**آیا درست هست که آدم صبح تا شب ، چند جور کلاس برود ، ولی با خستگی خانه برود و نتیجه ی این بابا ، بابای روحانی ای که همیشه خسته و بی حوصله هست و حال ما را ندارد و کار دارد .**

همه سروران ما هستید . ولی من یک دقتی کردم در اساتیدم ، دیدم یک عده از اساتیدم بچه هایشان طلبه شدند و یک عده دیگر نشدند . برایم سوال شد که اینها چه کردند ، دیدم یکی از کلیدی ترین کارها که بچه ی شما راه شما را ادامه دهد ، رابطه ی عاطفی و قوی پدر با بچه هست . ولی اگر وقت آنها ذبح شود ، رابطه ی عاطفی که خراب شد باید حرص بخوریم بخاطر نماز و حجاب و ... رابطه ی عاطفی ، کانال ارتباطی ما با بچه ها هست

این ۵ گره را با ۶ شرط

۱ . گره باید ریز باشد نه کلی ( جزئی و مصداقی باشد ) ریز باید بگویی که کجای رفتارش

۲ . باید متنوع باشد ( آرزو ، سوال ، تلقین ...

۳ . در موارد منفی از شخص ثالث استفاده کنیم

۴ . گره زدن به لغزش گاه ها ( بین کدامش لغزشگاه این مخاطب است )

۵ . زیادی گره هم خوب نیست

۶. تنوع در گره ها با توجه به انواع مخاطبین ( یک گره به خانم ها ، آقایان ، بچه ها ، دانشجویان ... )

یک موضوع و پیام انتخاب می کنی و یک محتوایی را آماده می کنی و دو تا گره نسبت به محتوا و مخاطبیتان آماده می کنید . اگر سه گره هم شد اشکالی ندارد .

## کارگاه عصر چهارشنبه

چهارشنبه، ۰۹ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۵:۵۴ ب.ظ

پیام هدفمند انتخاب شده و پردازش شده و اقناع شده و احساس و رفتار مناسب گفته شده است  
۱۰ دقیقه صحبت شما که هدفمند شده انتخاب شده است  
گره ، یک پیام کوتاه است و دیگر پردازش ندارد .  
در پیام ، کاری به محتوا نداری و حلقه می زنی و ....  
ممکن است گره ها اثر بگذارد ولی اگر نگذاشت ، مخل نبوده است . ولی اگر در سخنرانی ، پیام اثر نگذارد ، مخل بوده است .

تلقین : عکس این شهید را بگذار در اتاقت و روزی ۵ دقیقه با او حرف بزن

آرزویی : ای کاش با شهداء انس می داشتیم

=====

ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين

کسانیکه اسراف می کنند ، برادران شیطان هستند

شیطانی که قرآن کریم می فرماید ؛ ان الشيطان كانوا لکم عدوا مبینا

دشمن آشکار ما هست ، یعنی شمشیر را از رو بسته هست . حالا ما بشویم برادر شیطان

اینکه شخص سیب را می خورد و باقیمانده ی سیب را بیرون می ریزد ، این اسراف هست

طرف نان را می خوره و باقیمانده ی نان سفره را به راحتی بیرون می ریزه  
آب می خوره ، بقیه ی آب را بیرون می ریزه  
یکی از علماء وقتی آب می خورد ، باقی مانده ی لیوان آبش را رویش یک درپوشی می گذاشت  
و دوباره که می خواست استفاده می کرد .

فرض کنید ، شما یک اثر هنری ساخته است ، یک گلدان بسیار زیبا با سفال درست کرده و  
حسابی کنده کاری و تزئینش کرده است ، این گلدان را در مغازه ی خودش برای فروش گذاشته  
است ، یکباره یکنفر می آید و می پرسد این گلدان چند ؟ یک قیمت بسیار بالایی می گوید ؛ مثلاً  
می گوید یک میلیون تومن . این هم پول می دهد و می خرد . گلدان بسیار زیبا بود و حالا از  
مغازه دار خریده است ، و خودش مالک شده . اما جلوی چشم فروشنده می زند و این گلدان را  
می شکند .

فروشنده خیلی ناراحت می شود ، می گوید چه می کنی ؟ چرا گلدان را می شکنی !  
می گوید برای خودم هست ، خودم مالکش هستم ، می گوید درست هست که برای خودت  
هست ولی این حاصل دسترنج من بوده ، دوست ندارم جلوی من به این راحتی آن را بشکنی  
هدف من این بوده که مردم از این هنر من استفاده کننده و لذت ببرند  
وقتی حاصل دسترنج من را جلوی خودم می شکنی ناراحت می شوم

خدایا چقدر نعمت ها که به من دادی و من هدر دادم !

ای مهربان من ! جلوی چشم تو ، نعمت هایت را ضایع کردم !

تا به حال شده به خودمان بگیم که من سر سفره ی خدا نشستم و این نعمت ها امانت های خدا در  
دست من هستند؟!!

ای کاش در استفاده از همه ی نعمت های خدا حد تعادل را رعایت می کردیم ؟

ای کاش در استفاده از عمرمان و وقتمان اسراف نمی کردیم که ساعت های زیاد عمرمان را هر  
روز به حرف ها و کارهای بیهوده سپری نمی کردیم !

من می دانم که شما می توانید ، نعمت های خدا را به بهترین شکل مدیریت کنید .

همانطور که در خرید وسائل اسراف نمی کنید ، می توانید در استفاده از وسائل هم اسراف نکنید

میوه می خرید به اندازه ی نیاز ، و مراقب هستید که این میوه ها خراب نشود ، به نحوی استفاده نمی کنید که بیهوده بیرون بریزید .

=====

## صبح پنج شنبه ۱۹ / ۶

پنجشنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۸:۱۶ ق.ظ

من تعجب می کنم ، قسم به خدا که دل می میرد و غصه ی آدم می شود که .... و تفرقکم فی  
حقکم ...

شاید امام زمان را هم همین قصه دار کند که دشمنان اهل بیت ، باهم متحد هستند . ( دشمنان ما  
یک ناتو - پیمان - فرهنگی تشکیل دادند . آنها هم با هم اختلاف دارند ولی وقتی پای اهداف  
مشترکشان که می شود باهم مجتمع می شوند ) حالا شما چرا در حقتان متفرق هستید  
چرا طلبه ها و مجموعه های طلبگی اینقدر متفرق هستند .

امام خمینی می فرمود که اگر همه ی انبیاء در یک برج جمع شوند هیچوقت باهم دعوایشان نمی  
شود چون هوای نفس نیست .

اختلاف ها از هوای نفس هست . گاهی برای تهذیب نفس هم که شده برای گروه ها و موسسات  
دیگر دعا می کنم که مبادا ما هم مثل اهل دنیا که سر دنیا با هم می جنگند ، ...  
مثل جدال گفتارها بر سر مردارها ...

سر رقابت و هوای نفس متأسفانه چه کینه ها که ایجاد نمی شو  
ما باید بین گروه ها و طلبه ها و ... برای خدمت باید اتحاد ایجاد کنیم .

در ابتدای کلاس امروز این را خواندم که هر کجا که هستیم به این فرهنگ عمل کنیم که متحد باشیم پای ولایت .

هر کدام از شما که می خواهد قدمی در راه دین خدا بردارد و فکر می کند که امیر بیان می تواند کمک کند ... ما همه جوره در خدمت هستیم .

الذین جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا

هر کدام از عزیزان به جهت توان فردی یا گروهشان ، هر کمکی که می توانند به امیر بیان کنند ، انجام دهند چون کار ، کار ما نیست بلکه هر کاری که می کنیم به جهت عزت بیشتر اسلام هست .

این نگاه که یک حرکتی برای خدا دارد انجام می شود و من هم یک نخودی در این آش باشم قطعاً توانایی های مختلف و این اجتماع توانایی ها می تواند کمک کند . عزیزانی که مایلند کمک کنند ، اسم و شماره تماسشان را بنویسند و بعد نوع کمکشان را بنویسند .

=====

امام علی علیه السلام : العقول ائمة الافكار ، و الافكار ائمة القلوب و القلوب ائمة الحواس و

الحواس ائمة الاعضاء ( یک روایت راهبردی می باشد )

جایگاه امامت در سیستم وجودی انسان تشریح می کند

عقل ، امام فکر هست و ... یعنی تبعیت دارند از همدیگر . در سخنرانی که اندیشه هست ، اگر اندیشه نباشد ، عقل تبعیت نمی کند . جایگاه عقل در وجود انسان جایگاه امامت دارد . قلب ، تابع عقل است . سیر اندیشه ، احساس و رفتار را با این روایت می توان فهمید . رفتار هم متأثر از اندیشه و احساس هست .

ما یک فرایند رفتار سازی داریم که شامل ۵ مرحله است

۱ . ارتباط محتوایی

اندیشه ، احساس و رفتار سازی در هر جا خوب پیاده شود مخاطب در اختیار شماست

بقیه ی مباحث در خدمت این سه مرحله ی اصلی و حول آن ها هست .

**مرحله ی انگیزه سازی رفتار و انگیزه سازی برای برنامه**

چون اگر انگیزه سازی نکنی ، مخاطب میلی ندارد و سراغ رفتار نمی آید .

۸ تا روش برای انگیزه سازی رفتار هست

در قدم بعدی می خواهیم به مخاطب برنامه بدهیم .

مثلا به طلبه ها می گوییم که اگر طلبه ای دوست دارد که فرزندش طلبه شود کافی است در

دوران رشد بچه اش این نکته را رعایت کند .

**این همان است که گفتید ...**

**من می دانم که غالب طلبه ها دوست دارند که بچه ی خودشان طلبه شود .**

**خوب این برنامه ی من در راستای همانی است که تو می گویی و دوست داری**

حالا می خواهم برنامه دهم ....

ما برای اینکه رفتار مخاطب عوض شود محتاج برنامه های کاربردی و دارای شرایط مطلوب

هستیم

مخاطب ما در خیلی از جاها واقعا اگر برنامه ی خوبی پیاده کنی ، عمل می کند .

در حوزه این یک بحران هست ، ....

بحران نداشتن هدف و برنامه در زندگی یک طلبه

غالب طلبه ها از روز اول که می آیند که حیرت دارند و نمی دانند که باید چه کنند .

می گویند که درست را بخوان تا سرباز خوبی شوی ، دقیقا اینکه من چه باری را باید بردارم از

دوش امام زمان و می خواهم چه کاره شوم را نمی دانم ... ساعت ها و روزها و ماهها از عمرمان را

هدر می دهیم و مشخص نیست ... در انتخاب هدف و برنامه ریزی غالب طلبه ها نمی دانند چه

شکلی باید یک هدف ۴۰ ساله انتخاب کند و برای آن یک برنامه ریزی ۵ سال ۵ سال یا سال به

سال داشته باشیم .

شهید مطهری به نقل از شیخ انصاری می گوید که اگر نمی دانست و سوالی می پرسید ، می گفت

که : ندانم ، ندانم ، ندانم ... شاگردان می گفتند که چرا اینقدر بلند می گویی ، می گفت : عمدا

می گویم تا شما هم یاد بگیرید .

افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب ، زمینی که بلند است

خیلی وقت ها رفتارها مشکل دارد چون نمی داند که چه کار کند

## ویژگی های برنامه ی مناسب

### ۱. تناسب با شرائط اکثریت مخاطبین

منبر نروید مگر اینکه برای موضوع سخنتان ، برنامه ای تهیه کرده باشید ، یعنی مخاطبتان را روی هوا رها نکنید .

بعضی ها آخر منبر ، فقط دعا می کنند که انشاء الله خداوند توفیق عمل عنایت کند ، ولی برنامه برای عمل نمی دهد .

بعضی ها آدرس می دهند که برو فلان کتاب ها را بخر و تهیه کن و مطالعه کن ...

اولا نمی تواند تهیه کند ، ثانيا نمی فهمد آن کتاب ها را ...

این برنامه متناسب با شرائط اکثریت مخاطبین نیست

شما باید از برنامه ای که آماده کردی باید یک تست کیفی بگیری .

وقتی مجلس عروسی و گناه برگزار می شود ، نرو

محکم بایست و نرو

درک نمی کند که نرفتن بعضی وقت ها ، منجر به دعوای آنچنانی و قطع رحم می شود .

لذا یا عمل نمی کند و یا اگر عمل کند ، دعوا و مشکلات دیگر ایجاد می شود .

در برنامه ریزی باید شرائط مخاطبمان را ببینیم که چیست .

سخنران باید فکر کند ، مشورت کند

ریشه ی خیلی از مفاسد و دعوای در خانه ، غضب هست

زن وقتی کم محبتی ببیند ، بهانه گیر می شود و غرغر می کند . یا نزدیک به عادت ماهانه که می

شود ...

این عصبانیت به عنوان یک پیام باید حل شود . حلش به اینست که برنامه برای کنترل عصبانیت در

خانه بدهیم .

اگر به مخاطب بگویم که یکی از برنامه ها برای کنترل عصبانیت اینست که به مخاطبیم بگویم که

وضو بگیر . در حالیکه اجرای این برنامه شاید واقعی نباشد چون وسط دعوا نمی رود ...

راحت ترش اینست که یک لیوان آب خنک بخور . جواب را بعد از آب خنک بده ، اثر دارد



این آب خنک مناسب با اکثریت هست .

برو از خانه بیرون یک دور بزن ، تا هوا به کله ات بخورد ، از محیط دعوا دور شوی .

گره ای که می شود با دست باز کرد ، با دندان باز نمی کنی

اما این برنامه ی بیرون رفتن ، برای خانم ها قابل اجرا نیست .

به زن می گوئیم که در حال عصبانیت حرف نزن ، هر حرفی در عصبانیت ، کار را خراب می کند

. آقاتون بگوید ، بگوید ... تا خالی شود و یک مقدار که آرام شود می فهمد اشتباهش را .

به خانمها می گوئیم : مرد بالاخره قدرت دارد . حداقل زور بازویش بیشتر است . خیلی سر به

سرش بگذاری ، حرمتش شکسته می شود

لذا این دعوایی که کردی چه ثمره ای داشت . اینکه این همه می گویی شوهرم حرمت م را نگه

نمی دارد ، شوهرم ... بخاطر اینست که جلوی زبانت را نگرفتی .

صدمبار بدی کردی و دیدی ثمرش را / خوبی چه بدی داشت که یکبار نکردی

## ۲ . مستند بودن به آیات ، روایات یا ادله ی عقلی قانع کننده

حرفی که ما می زنیم مردم به عنوان نظر دین تلقی می کنند . برای برنامه ی خودمان مستندات

قرآنی یا روایی بیاوریم . در هر موضوعی که صحبت می کنیم دغدغه داشته باشیم و بگردیم و

بینیم که آیا برنامه ای داده شده است یا نه

کتاب اخلاقی راهکار داده اند .

مستند حداقلی اش این باشد که ...

مناجات با خدا ، انس در نیمه شب را در رابطه ی با دختر و پسر من تجویز می کنم . چون باید

محبت بالاتری را بچشد و دلش گیر کند تا این را کنار بگذارد . شهداء از همه ی علاقه هایشان

می گذشتند و این جاذبه ی عشق خداست . این خودش یک مدل برنامه است

یکی از اشتباهات ما اینست که اگر می خواهیم یک رفتار نا مطلوبی را برطرف کنیم ، روی

خودمان زوم می کنیم . مخاطب نسبت به آن رفتار یک وابستگی ای دارد لذا نمی تواند

من ایجابی بحث می کنم ، و این ایجاب موجب سلب ان قضیه می شود

مثلا چرا نمی تواند گناه را ترک کند ، چون ایمانش ضعیف است . من برنامه می دهم برای تقویت ایمان و وقتی ایمان تقویت شد ، آن گناه را ترک می کند

لذا اگر برای ترک رابطه ی دختر و پسر به جوان بگویی ، قبول نمی کند . پس ما می آییم روی نماز تأکید می کنیم که نماز را بخواند . در نتیجه ؛ ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر

در روایت امام صادق هست که تارک الصلاة از زناکار بدتر است

آمدند به پیامبر گفتند : یک آدمی پشت سر شما نماز می خواند ولی خیلی گناهان انجام می دهد ، حضرت فرمودند : ولی همین نمازش او نواز گناهان باز می داره

یکی از همین جوان ها گفت : من هم یکی از اینها هستم . ولی نمازم را کنار گذاشته بودم بخاطر گناهان . اما از امروز می خواهم نماز را بخوانم ...

شما ممکن است بگویید : کجای دین گفته که برای ترک رابطه ی دختر و پسر ، باید نماز را بخوانیم ؟...

### ۳ . تنوع سطوح و اشکال برنامه

مخاطبین ما ولو همه یکجور باشند ، مثلا همگی دانش آموز دبیرستانی باشند . اما تفاوت سطح و شرائط دارند .

در یک کلاس ، ده درصد بچه حزب اللهی دارند ، ده درصد خراب هستند و ۸۰ درصد متوسط هستند

در منبرهای مسجد و هیأت هم شایع هست که تفاوت سطح ها زیاد است . یکی متأهل هست یکی مجرد ، یکی بچه دارد ، یکی نه ، یکی ...

سعی کن برنامه ای که می دهی تنوع داشته باشد هم از حیث سطح ؛ هم برنامه ی آسان را بده و هم سخت . حداقل فائده ی برنامه ی سخت اینست که برنامه های دیگر در چشم مخاطب آسانتر به چشم می آید . لذا نگوئید که نمی تواند و نگوئید.

تنوع اشکال :

انواع برنامه را می‌گوییم . شاید سطح‌ها یکسان باشد ولی حالت‌های مختلف را می‌گوییم . یعنی اگر اینطور نمی‌توانی ، طور دیگری ... مثلاً برای غضب ؛ انواع و حالت‌های مختلف را بگوییم . هندوانه یا میوه‌ی خنک بخور ، صلوات بفرست ، آب بخور ، تنفس عمیق بکش یا ...

#### ۴ . اشاره به برنامه‌های غلط و نقد آنان

در روانشناسی اجتماعی یک بحثی هست به اسم استدلال دو جانبه هر جا برای فرهیختگان و نخبگان و آدم‌هایی که با هوش هستند و اهل فکر هستند ، از استدلال دو جانبه استفاده کنید . یعنی اول نظر مخاطب را نقد کنید و بعد نظر صحیح را اعمال کنید . برای آدم‌های نخبه ، اگر ...

اول باید برنامه‌ی غلط را بگوییم و بعد برنامه‌ی صحیح را بگوییم . بینیم نسبت به این موضوع چه برنامه‌هایی مد نظر مخاطب هست و شایع هست ، باید آنها را بگوییم ...

مثلاً شما ممکن است در مورد آرامش صحبت کنید . الان در شهرهای بزرگ ، آرامش گمشده‌ی مردم هست . مردم اکثراً عصبی هستند . بعد از یک تصادف کوچک می‌آیند پایین و یغی می‌گیرند برنامه دادن برای آرامش ، من که می‌دانم می‌خواهی بگویی « الا بذکرالله ... اما قبلش شما باید ببینی که چه برنامه‌هایی برای آرامش توصیه شده است از جاهای دیگر ... مثلاً یوگا را توصیه می‌کنند .

مدی تیشن ، ریلکسیشن که در عرفان‌های نوظهور هست موسیقی به عنوان یک راهکار برای آرامش جا افتاده مواد مخدر ، سیگار یک از روش‌های آرامش مشروبات الکلی ( بعضی از مردم ، خوردن مشروبات را بخاطر خلاص شدن از گرفتاری‌هایشان می‌دانند )

شما باید نقد کنی که این موسیقی آرامش نمی‌آورد و باید دلیل بیاوری . نقد یک برنامه‌ی غلط ، باید باشد تا بتوانی برنامه‌ی صحیح را بگویی

## ۵. ترغیب مخاطب به خلاقیت در یافتن راهکارهای دیگر و مشورت با یک خبره

### در صورت تردید

این راهکارها را من گفتم ولی خودت هم بگرد راهکار پیدا کن و چاره بیاندیش . من جدّ وجد هر کس تلاش کند ، راهش را پیدا میکند

الذین جاهدوا فینا لهندینهم سبلنا

بخوایم می توانیم راهش را پیدا می کنیم

مومن کیس هست ، و زرنگی اش در ترک گناه است .

اگر یک چیز خوبی می خواهیم که والدین برایت بخرند ، چقدر روش به کار می بریم تا آنها را راضی کنیم !

برای گناه کردن هم همینطور باید زرنگ باشیم . گریه کن برای اینکه جهنم نروی ، التماس کن برای اینکه گناه نکنی . بابا هست ، وقتی می بیند که تو اصرار می کنی که به مجلس عروسی گناه نروی او هم قبول می کند . تو باید نشان بدهی که در ترک گناه جدی هستی .

ما باید او را تشویق به خلاقیت کنیم ولی برای اینکه راه اشتباهی را نرود بخاطر اطلاعات کم ، حتما بعدش با یک روحانی یا اهل خبره ای مشورت کند تا به راه اشتباه نرود

## مرحله ی سوم از رفتارسازی : الگودهی

### فوائد الگودهی در رفتارسازی

#### ۱. عینی شدن رفتار مورد نظر

در علوم تربیتی یکی از روش های تربیتی ، الگودهی هست

الگودادن چند تا خاصیت دارد

حتما وقتی برنامه می دهید ، بعدش الگو معرفی کنید

یک فائده ی الگودهی ، عینی شدن رفتار مورد نظر برای مخاطب هست

برنامه ای که شما می دهی ، کلی هست . ولی وقتی الگو می آوری ، این برنامه از ذهنی بودن

تبدیل به یک الگوی عینی می شود .

وقتی می گویی که مراقب رفتارت باش...

بعد می گویی که خدا رحمت کند شهید کلاه دوز را ...  
پوتین های خودش را به دست گرفته بود و با پای برهنه روی پله ها می رفت که مبادا ، صدای  
چکمه ها روی پله ها مزاحم همسایه ها باشد ...  
مراقبت از حق الناس مخصوصا حق همسایه  
صبح به صبح ماشینش را هل می داد تا سر کوچه و بعد سر کوچه که خلوت بود استارت می زد که  
روشن شود ( صدای کاربراتش همسایه ها را بیدار نکند )

باید یاد بدهیم که  
ائمه معصوم شدند که ما ترک معصیت را یاد بگیریم . یعنی الگوی ترک معصیت باشیم ولی ما  
معصوم شدن آنها را بهانه کرده ایم و می گوییم ؛ آنها که معصوم شدند حالا ما نمی خواهد ...

## ۲. اثبات امکان انجام عمل

در روایت داریم که اگر چشم هایت را مراقبت کنی ، ترون العجائب  
جز حسرت و از چشم افتادن همسرت و... این نگاه کردن چه ثمره ای داشت  
( اینها نگیزه سازی برای رفتار بود )  
بعد راهکار می دهیم  
قل للمومنین یغضوا من ابصارهم  
غض بصر یعنی میدان دید را تنگ کردن  
جلویت را نگاه کن و چشمت را بالا نیاور که همه جا  
هر دیدن یک خواسته در وجودد شما ایجاد می کند و دائم درون و نفس شما میدان خواسته های  
زیاد نفسانی  
نگو که نمی شود  
حاج همت ؛ معروف بود که گویا با چشم بسته راه می رود  
آنقدر مراقبت می کرد که چشمش به نامحرم نیافتد  
می گفتند که ما این چشم را برای زیارت آقا می خواهیم  
اگر چشمشان به نامحرم می افتاد اشک می ریختند تا پاک شود و آلوده نماند

شهید امین : رفت جبهه با به گناه نیافتند .  
اگر کلاسی می روی که به گناه می افتی ، خوب نرو  
اگر نمی توانی مراقبت کنی باید اصل کاری را حفظ کنیم ، چی را پای چی می دیم و فدا می  
کنیم .

اثبات می کنیم که می شود .

بیت المال سخت است ، بله

شهید بابایی نصف شب بچه اش تب شدید کرد ، ماشین را در حیات سوار نشد  
خانمش گفت که ماشین در حیات است  
رفت تو خیابان و گفت که ماشین برای بیت المال هست

۳. یادگیری چگونگی عمل برای مخاطب

شهید خانساری

مادرش می گفت که پسر من یک عادت داشت و می زد به پیشانی اش و می گفت ؛ وای مادر وای  
مادر و اشک می ریخت

وقتی جنازه اش را آوردند ، همه ی بدنش سوخته بود غیر از پیشانی اش

شب های دراز بدون ... قلبم به گناه نموده عادت چه کنم

مادر این شهید می گوید : به من گفت که تلفنی که برای مرخصی فلان موقع می آیم

شب شد دیدم نیامد ، نا امید شدم . صبح که رفتم بعد از نماز صبح نان بگیرم ، دیدم مجتبی بیرون

در ، کنار کوچه نشسته و خوابیده ، برف می آمد و سرد بود

گفتم چرا اینجا خوابیدی و در نزدی

من نیمه شب رسیدم ، و گفتم اگر زنگ بزنم می ترسی ...

اینجوری باید مادر داری کنیم

نباید مادر حرص بخورد .

باید تمام زورمان را بزنیم و همیشه از ما راضی باشند

## ۴. ماندگاری

برنامه ها ممکن است یادش رود ولی الگوها یادش نرود  
خاطره ی شهید کلاه دوز ، شهید بابایی ...

## چهار مدل الگو

انواع الگوها

مثبت / منفی

مثبت : کلی ، جزئی

منفی : کلی ، جزئی

گاهی موقع باید الگویی را نشان دهیم و بگوییم که اینجوری نباش ، این الگو را الگوی خودت  
قرار نده

جوانها من دو تا داداش می شناسم که یکی میلیاردر هست و دیگری کارتن خواب است /  
اگر داستان این دو تا داداش بررسی کنید . از خواهرشان پرسیدم  
گفت : این برادر کارتن خواب ؛ جوان که بود ، بخاطر کفتر بازی روی بابام ایستاد و بابام نفرینش  
کرد و گفت : الهی یک عمر بدوی و هیچ چیزی نداشتی  
اون داداش دیگرم ؛ اینقدر به پدر و مادرم خوبی کرد که تا آخرین روز عمرشان برایش دعا می  
کردند

انشاء الله به سنگ دست بزنی ، طلا شود

ما یک جاهایی الگوهای جزئی داریم .

گاهی اوقات ما در یک موضوعی ، الگوی جزئی کم داریم

اول حاج همت را مثال زدم و بعد گفتم که شهداء مراقب چشمشان بودند

مثلا می گوییم که شهداء اینگونه بودند ( این می شود الگو دهی کلی )

قد افلح المومنون ( کلی )

عباد الرحمن ....

=====

در کارگاه :

یک موضوع یا پیام انتخاب کنید ؛ در آن پیام سعی کنید برنامه ای مناسب با شرایط مخاطب بدهید .  
یک برنامه ی جامع که این شرایط را داشته باشد

بعدا روی آن برنامه الگو دهید

حداقل دو نوع الگو از چهار نوع الگو در آن برنامه باید باشد

=====

### شرایط الگودهی :

۱ . جامع الاطراف باشد

یکجای دیگرش نلنگد . مثلا در جاهای دیگر زندگی اش گیرهای دیگری دارد ( البته ما مواردی داشتیم که در همه ی زمینه ها الگو نیست و اهل بیت به عنوان الگو در یک زمینه ای معرفی کرده اند )

۲ . از حیث سن ، جنس ، متناسب با مخاطب باشد

۳ .. عصری سازی در الگو

مثلا از مالک اشتر اگر بخواهی الگو سازی کنی می گویی ، ایشان داشت در خیابان می رفت ، و یک شخصی بی احترامی کرد ... فرض کنید فرمانده ی سپاه دارد در خیابان راه می رود و شخصی به او اهانت کند و او بعدا برود برایش دعا کند ...  
مثلا در داستان بشر حافی .... از خانه صدای غنا می آمد... مثل اینکه در خانه ای الان پارتنی می گیرند ...

اینها عصری سازی هست

۴ . مقایسه ی الگوی مثبت و منفی اثر گذاری الگو را بیشتر می کند

۵ . مطابق بودن الگوی داده شده با برنامه ی داده شده

=====

کارگاه صبح پنجشنبه

پنجشنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵



عصری سازی یعنی اون مورد ، امروز اینطور می شود  
موردی هست که در آن زمان بوده ولی الان نیست ، ما می آییم امروزی اش می کنیم  
مثلا می گوئیم اون موقع سوار اسب می شدند ، الان سوال ماشین ( این می شود عصری سازی )

=====

سخنرانی خودم  
موضوع : حسّ راحت طلبی /  
پیام : وبال گردن دیگران نبودن

یکی از غرائزی که در وجود انسان ها قرار دارد ؛ راحت طلبی هست .  
همین حسّ راحت طلبی اگر نبود انسان هیچ گاه در زندگی تلاش نمی کرد .  
اگر کسی برای دنیایش تلاش می کند بخاطر اینست که به یک راحتی نسبی ای دست پیدا کند  
اگر برای آخرتش تلاش می کند به فکر راحتی و آسایش زندگی بعد از مرگش هست .  
اما بعضی وقت ها این راحت طلبی ، ممکن است انسان را به انحراف بکشاند .  
اینکه شخص دوست داشته باشد کارهای شخصی اش را دیگران انجام بدهند ، حسّ خوبی نیست .  
در روایت داریم : ملعون من القی کله علی الناس

بله انسان یک موجود اجتماعی هست و کارهایش را با کمک دیگران انجام می دهد ، در خیلی از  
مسائل انسان از دیگران بهره می برد . شما وقتی به خرید می روید ، کالاهایی را می خرید که  
دیگران مراحل آماده سازی و تهیه اش را انجام داده اند  
منظور ما این مورد نیست  
یا حتی کارگر می گیرید برای انجام یک کاری ؛ به او مزد می دهید تا کاری را انجام دهد  
این مورد هم مشکلی ندارد  
ولی گاهی انسان کارهای شخصی خودش را بدون هیچ اجر و مزدی به دوش دیگران می اندازد .

به قولی وبال گردن هست . این اصلا خوب نیست .  
در منزل نشسته ؛ پایش را روی پای دیگر انداخته و مرتب به زن و بچه دستور می دهد ،  
خانم چایی بیار ، بچه کنترل را بیار و...

خانواده ی امام خمینی می گویند : ایشان تمام کارهای شخصی اش را خودش انجام می داد و به  
بقیه اعضاء خانواده نمی سپرد  
مثلا می فرمودند که سر سفره : وقتی ایشان آب می خواست ، و پارچ آب اون طرف سفره بود ،  
از جای خودش بلند می شد و می رفت اون سر سفره و آب می ریخت  
همه تعجب می کردند و ناراحت می شدند ، می گفتند : چرا به ما نگفتی ؟ می فرمود : کار  
شخصی مربوط به خودم بود .

از اونطرف بعضی افراد متأسفانه در کارهای دولتی ، اداری یا نظامی ؛ از نیروهای زیردستان برای  
انجام کارهای شخصی خودشان استفاده می کنند .

=====

اینکه گفته شد در سخنرانی برای پیام باید برنامه و الگو بدهید  
منظور این نیست که در مورد برنامه صحبت کنید  
و کلمه ی برنامه را بگویید ...

لفظ برنامه خیلی تکرار شد

اینکه به صراحت بگوید که حجاب هم برنامه می خواهد نیاز نیست  
این دعا که همسر مناسب خدا بدهد ، در دبیرستان دخترانه مناسب نیست .

این روایت که مردی او را نبیند ... خیلی بالاتر از درک و فهم مخاطب هست

برنامه ی حجاب بالاخره چی شد ؟....

=====

پوشیدگی بدن شما خواهران از آسیب های اجتماعی خوب نیست .

فقط بیشتر توصیه بود که تو نباید این کار را کنی و این کارها خوب نیست ....

بعضی از جملات اشتباه بود : مثل

حجاب برای محافظت ماندن شما از نگاههای ....

تعبیر « گپ خودمونی » بجای گفتن عین روایت ، نیاز نیست .

علاوه بر اینکه در جمع دختران مناسب نیست

حرف « راء » را محافظت کن

پنج شنبه عصر ۱۹ / ۶

پنجشنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵

۰۴:۱۵ ب.ظ

یکی از بیان های اهل بهشت اینست که وقتی وارد بهشت می شوند می گویند : الحمدلله الذی

هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله

ذره ذره ی توفیقاتمان حاصل بسیاری از حوادث در عالم هست . خداوند نعمت های زیادی را در

کنار هم قرار داد تا این جلسه تشکیل شود و ما همه دور هم جمع شویم .

الحمدلله رب العالمین

اگر از این کاملتر شکری بود ، خداوند در سوره ی حمد قرار می داد .

اگر می فهمیدیم که منبر رفتن برای مکتب اهل بیت چقدر ارزش دارد و به ازای هر یک منبر

مخلصانه چی به ما عطا می کنند ، حاضر بودیم که به مردم پول بدهیم تا اجازه دهند در مجلسشان

منبر برویم .

اگر فضیلت یک منبر را می دانستیم ، بر سر یک منبر دعوا می شد و قدر می دانستیم منبر رفتن را .  
و حال اینکه گاهی موقع غافل می شویم و نه تنها قدر نمی دانیم و تنبلی می کنیم ، بلکه بعد از پیدا  
کردن توفیق ، شرط و شروط هم می گذاریم .

یکبار فاطمیه دعوت شدم جایی برای منبر ، گفتم : باشه میام . ولی در ضمن قبول ، گوشه ی دلم  
توجه داشت به پاکت منبر که یکمقدار گرفتاری های مالی ام کم شود . هنوز در حال غفلت بودم  
و خوشحال بودم که منبرم هماهنگ شده و پاکت چربی هم داره ، بعد از چند دقیقه به خودم  
توجه پیدا کردم و گفتم : خاک بر سرت ، امام زمان برای مجلس مادرش دعوت کرده که منبر  
بروی ولی تو به فکر پولش هستی ! آقا همین قدر منت بر سرت گذاشته و قبول کرده که در  
مجلس مادرش نوکری اش را کنی آنوقت تو به فکر پولت هستی !؟

بعد از آن ، هر دعوتی اگر نیتم را قبلش درست نکنم و تا مطمئن نشدم که برای خدا هست ، قبول  
نمی کنم و می دارم که اول با خودم کنار بیام ...

با خودمان قرار بذاریم ؛ بگوییم خدایا من فقط بخاطر تو منبر می روم ، دادن دادن ، ندادن ندادن  
اگر ندادند و ناراحت شدیم معلوم می شود که مخلص نیستیم و الا معلوم می شود که دروغ می  
گوییم . اگر دوباره هم دعوت کردند ، باید برویم .

یک استاد داشتیم ، می گفت که ۱۳ سال رفتم یکجایی منبر ، پول ندادند ، و من می رفتم  
قضیه برای دهه ی ۶۰ هست

در آن زمان ۴ میلیون تومان به من داد

گفت : حاجی من پول ۱۳ سال منبرت را جمع کردم و می خواستم مطمئن شوم که برای خدا می  
آیی یا برای پول ؟ دیدم برای خدا می آیی .

اهل بیت نمی گذارند که کسی زیر دینشان بماند . ولی گاهی مواقع هم امتحان می کنند ، خوش  
بحال اونهایی که در امتحانات موفق شوند . دعا کنید که این روحیه ، حالت و اخلاص را از ما  
نگیرند و الا اگر بهترین موفقیت ها هم باشد ، هیچ چیزی نمی ارزد .

خیلی از ماها مشهورتر و موفق تر از دنیا رفتند و فراموش شدند .

خدایا توفیق عمری نوکری خالصانه ، پای رکاب امام زمان به ما عنایت کن

در روایت داریم که سنت حسنه اگر کسی بگذارد ... این سنت حسنه که سه تا سوره ی توحید هست ، و یک ختم قرآن حساب می شود و هدیه به امیرالمومنین هست و توسل هم حساب می شود سعی کنید این را ترویج کنید .

این صلواتی که برای حضرت معصومه می گیریم ، بخاطر یک قراری هست که من با خانم گذاشتم و یک حاجتی دارم که در مقابل قبل از هر جلسه یک صلوات برای ایشان می گیرم

=====

فصل ششم : انگیزه سازی در سخنرانی هست

انگیزه سازی دارای ۴ درس هست

انگیزه سازی ابتدایی ، میانی ، پایانی ، قبل از سخنرانی

اینکه در ابتدای سخنرانی چه کنیم که مخاطب با تمام وجود دوست داشته باشد که بحث ما را گوش کند ، انگیزه ی پیگیری بحث را داشته باشد . اینکه او با علاقه بحث را دنبال کند ، حاصل انگیزه سازی هست . اینکه در ابتدای سخنرانی توجهش جلب شود و مشتاقانه بحث را دنبال کند که بهره ی او را بیشتر می کند . گاهی موقع یک ربع از سخنرانی ما گذشته ولی هنوز توجهات به ما نیست .

نیمه ی شعبان دعوت شدم گلستان که ۲ الی ۳ هزار نفر در خیابان بودند . روی یک سن بزرگ بود ، و خیلی شلوغ بود . احساس کردم که اگر انگیزه سازی ابتدایی را بلد نبودم ، هیچ کس از سخنرانی من بهره نمی برد .

در ۵ دقیقه آن جمعیت با آن همه سکوت محض شدند

در دانشگاه هم همینطور است . دانشجوی جماعت خیلی راغب به صحبت های حاج آقا نیست یکبار با اینکه بسیج بانی جلسه بود ، ارگست و مجری عروسی دعوت کرده بودند ( روز دانشجو

بود ) ۱۳۰۰ دانشجو و دختر و پسر در سالن ، به بسیج معترض شدم ....

گفتم با این فضایی که درست کردید ، من روی سن و جایگاه چی بگویم .

یهو موسیقی را قطع کرد و گفت از حاج آقای هادی پور دعوت می کنیم برای سخنرانی ... در این فضا که همه در حال بودند ، خیلی سخت بود کنترل ... اگر کسی بلد نباشد ایجاد انگیزه کند ....

بعضی روش ها در کنترل جمعیت ها و مجالس شلوغ و سنگین فوق العاده است یک منبری باید بتواند با ایجاد انگیزه ، مجلس را بدست بگیرد و مسلط شود

در ابتدای جلسه ، ۵ الی ۱۰ دقیقه ایجاد انگیزه می کنیم  
۱۰ دقیقه ی دوم اقناع اندیشه است

( بعضی از روش های انگیزه سازی علاقه ی مخاطب را نهایتا تا ده دقیقه پیش می برد ، لذا نیازمند انگیزه سازی میانی هستیم که حدود ۲۰ روش هست و حداکثر زمانیکه نیاز دارد یک دقیقه هست که گاهی با یک کلمه می توان انگیزه سازی میانی کنیم )  
در انگیزه سازی میانی شما مخاطب را مرتب شارژ می کنی لذا ظرفیت مخاطب برای شنیدن بیشتر می شود . گاهی موقع بعد از انگیزه سازی میانی ، آنها دائما طالب می شوند که باز هم بشنوند و میل به شنیدن پیدا می کنند . گاهی تا نزدیک به ۴ ساعت صحبت با درخواست مخاطب طول کشیده است .

انگیزه سازی پایانی : بخاطر اینست که می خواهیم مخاطب در شب ها و جلسات بعدی هم با ما همراه شوند و بیایند .

انگیزه سازی قبل از سخنرانی

یکسری فرمول ها هست که قبل از اینکه جایی برویم می توانیم استفاده کنیم تا مخاطب بیاید . مثلا یک دانشگاهی می خواهد من را دعوت کند ، جلو جلو یک فیلمی از سخنرانی من را یک تکه جالب و جذابش را پخش می کنند .  
یا انتخاب تیترو عنوان برای آمدن مستمع خیلی خوب است .

در جلسه ی امروز ؛ از انگیزه سازی ابتدایی یک روش و یک درس هم از انگیزه سازی میانی هم یک درس را می گوئیم

تعریف انگیزه سازی ابتدایی :

به آن دسته از روشها که در آغاز سخنرانی ، که همراهی مخاطب با سخنران را در طول سخنرانی باعث می گردد و موجب تقویت و تداوم رفتار تا رسیدن ...  
در ابتدای سوره ی شمس ، همینطور قسم می خورد و چیزی نمی گوید و مستمع منتظر است تا ببیند که چه می خواهد بگوید و در نهایت می فرماید « قد افلح من زکاهها ... »

مطالعه ی مباحث انگیزش در روانشناسی را توصیه می کنم . چون با ایجاد انگیزه در مخاطب کار داریم . غربی ها در این زمینه حرف هایی دارند که بعضی از آن ها قابل توجه هست نظریه ی اسناد از حرف هایی هست که قابل تأمل است .  
آدم ها بسته به اینکه آن اتفاقی که برایشان می افتد را به چه چیزی ربط بدهند ، انگیزه متفاوت می شود و فرق می کند ولی آدم هایی که اتفاقات را اسناد می دهند به تلاش خودشان ، اینها آدم هایی هستن که انگیزه های خوبی پیدا می کنند . اگر شما هم به بچه ی خودتان یاد بدهید که اگر عقب مانده است به پای کم کاری خودش بگذارد نه شانس موفقیت ها و شکست هایشان را اسناد بدهند به تلاش خودشان . این باعث می شود که برای برنامه های بعدی هم اگر موفقیت می خواهد تلاشش را بیشتر کند .  
ما سعی کردیم مباحثی که در انگیزش مطرح هست را در فضای سخنرانی کاربردی کنیم

مدل های ایجاد انگیزه

ابهام

بهانه گویی

سوال

تعریف

اعجاب

در جلسات سنگین و سخت من بیشتر از یکی از این روش ها استفاده کردم  
روش هایی که تا پایان سخنرانی انگیزه ایجاد می کند ؟

سوال

تعریف از موضوع

روش هایی که تا ۱۰ دقیقه

ابهام

تعریف از ماخذ

بهانه گویی

اول منبر گل قضیه هست و خیلی مهم است .

اولین روش :

ابهام

منظور ما از روش ابهام ، ابهام در قالب هست نه در محتوا

مخاطب محتواهای ما را می فهمد ولی موضوع ما را نمی تواند حدس بزند .

فرایند انگیزه سازی اش از کنجکاوی مخاطب کمک می شود

ابهام یعنی مخفی نگاه داشتن موضوع سخن و پیش بردن ابهام آمیز سخنرانی جهت تحریک حس

کنجکاوی مخاطبین

مثال :

یک جلسه ای رفته بودیم تهران برای سرکشی گروه تهران ، دیدیم یک هیأت دانش آموزی

دبستانی راه انداخته بودند . از این جلسه ابهام کار می کند تا جلسات سنگین .

گفتند برای شما سخنرانی کنید . حدود ۱۵۰ دانش آموز که از بچه ی ۳ ساله تا ۱۲ ساله

رفتم در فکر که با چه روشی اینها را ساکت کنم . مطمئن بودم با روش ابهام جواب می دهد .

**ولی محتوای ابهام باید اشراف مواد نزد مخاطب باشد . ( جریان فوت کوزه گری**

(

پیدا کردم که چه چیزی را در قالب ابهام قرار دهم



بعد از بسم الله گفتم : گنده لات و چاقو کش محله بود و همه از آن حساب می بردند ، کسی جرأت نداشت پشت سر او حرف بزند ، به گوشش رساندند که پشت سرش حرف زدند ... پیداش کردند ، در خیابان به نوچه هاش گفت که بگیری دش ..... همه دنبالش دویدند ، پرید داخل خانه ، تا که خواست درب را ببندد ، اینها پشت درب را گرفتند . رفت داخل اتاق و پشت مادرش پناه گرفت .....

مادر شروع کرد التماس کردن

نوچه ها آمدند تا پیرزن را بگیرند و کنار بزنند . یک دفعه گنده لات او مد ، یکدفعه رو سر نوچه هایش داد کشید که بروید اونطرف ، گفتند : اوسا خودت گفتید که بزیمش این پیرزن یکدفعه دستش را بلند کرد و گفت : جوان ! خدا عاقبتت را بخیر کند بچه ها این گنده لاته ، شب عملیات والفجر ... رفیقش این را برایم تعریف کرد و گفت این گنده لات گفت اگر امشب من اینجا هستم به برکت دعای آن پیرزن او آلوده ی چاقو کش با یک دعا شد ، شهیدی که شفاعت م ی کند دعا اینگونه هست ، مخصوصا دعای پدر و مادر بچه ها دست پدر و مادرتان را ببوسید مبادا مادرتان می گوید برو ... هر وقت توانستی ، دست پدر و مادرت را ببوس و از او بخواه که برای من دعا کند .

رفتیم جلوتر ... یک اشتباه کردم ، وسطای بحث از پدر و مادر زدم در بحث شیطان ، گفتم شیطان که به شما حرف می زند ، یک مشت بهش بزن تا بره ....

شروع کردن به زدن همدیگر

با خودم گفتم چطور جلسه را دوباره جمع کنم

یکدفعه گفتم ؛ بچه ها اینجا را ببینید ، این شیطان هست ، داره بهتون می خنده ، با خودش می گه دیدی چطوری سرشان کلاه گذاشتم من این داستان را فقط از باب هیجانش می خواستم .

فقط می خواستم یک محتوای ابهام آمیز که اشرف مواد نزد این مخاطب باشد را گرفتم .  
مخاطب چون هیجان داشت ، بر هیجان آنها که مشغول بازی بودن غلبه کرد . سریع ابهام بحثم را  
از دعای پیرزن به دعای پدر و مادر وصل کردم .  
این ابهام در فضای دانشجویی ، هیأت ، مسجد و... نیز قابل پیاده است .

در روش ابهام ، شما موضوعت را نمی گویی و بدون اینکه حرفی بزنی ، مخاطب نمی تواند  
تشخیص دهد که ارتباط این مطلب با موضوع اصلی شما چی هست . ذهنش در گیر می شود .

یک جلسه ای بود برای هیأتی ها :

( محتوای ابهام همیشه داستان نیست ، بلکه یکی از محتوای ابهام داستان هست . البته داستان  
یک محتوای قوی ابهامی است . از آمار ، شعر ، یک مطلب علمی خیلی شگفت انگیز و جالب هم  
می توانی استفاده کنی . مثل اینکه از شگفتی های مغز صحبت می کنی )  
نکته ی اصلی در مورد ابهام اینست که بعد از خطبه هیچ حرف اضافه ای نزنی ،  
تا که خطبه تمام شد ، هیچ چیز دیگری نگو و وارد ابهام آمیز مطلب بشو  
رفقاش می کن ، تو سنگر نشسته بودیم دور هم ، یکی از رفقا دید که وقت داریم تا شروع  
عملیات

هر کس یک آرزو بگوید . بچه ها شروع کردن به آرزو گفتن  
یکی گفت : کربلا ، شهادت ،

تا نوبت به عبدالحسین برونسی رسید

گفتیم آرزوی تو چی هست ؟ گفت : آرزو دارم که تیر در گلویم بخورد و شهید بشود  
یک عمری در مجالس ابی عبدالله وقتی روضه ی علی اصغر می خواندند ، جیگرم می سوخت ،  
دوست دارم بدانم که وقتی تیر به گلو بخورد ، چه درد و حسی دارد  
وقتی آوردن او را ، دیدم هنوز زنده هست ، و تیر به گلویش خورده و  
دیگه فقط آرزویم شهادت است

آرزو خیلی مطلب مهمی است . آرزو شخصیت انسان را می سازد ، می خواهی بدانی که یک آدم  
کوچیک هست یا بزرگ ، بین ته آرزوهایش چی هست ،

شهید خسروانی :

می گه ، آرزوی ما این نیست که قدس را آزاد کنیم . آرزوی ما اینست که کاخ سفید را حسینیه کنیم .

چقدر افق نگاهش بلند است که جهانی است . نگاه او را ببینید . استکبار ستیزی و بلند همتی در این آرزو موج می زند .

با خاطره ی شهید برونسی شروع کردم ...

این سخنرانی ، شب هفتم محرم گفته شده است

از اول جلسه ... چشمها بارانی می شود و یک اشکی می ریزند

بحث آرزو هم یکی از بحث های مهم است

هدف با آرزو یکی هست و همان است .

نمونه ی روایی :

در یک سخنرانی ، حضرت دوتا انگشتش را نشان داد و گفت : این چی هست ؟

ویژگی های روش ابهام :

۱. استفاده از این روش در سخنرانی هایی با موضوع تکراری

این موضوع را قبلا شنیده است ، لذا موضوع را لو نمی دهیم و با ابهام شروع می کنیم ، لذا ویژگی

های برجسته را می شنود و جذب می شود

۲. بدیع بودن آن موجب جذابیت زیادی در بین مخاطبین

اجرای ابهام آمیز یک داستان روایی

مثلا می گویی : ابن عباس نقل می کنه ، با امام حسن علیه السلام در مسجد الحرام معتکف بودیم ،

حضرت در حال طواف خانه ی خدا بودند ، یکی از محبینشان آمدند ...

من گرفتار بودم ، یک مبلغی را قرض کردم و الان ندارم که بدهم و اگر ندهم من را زندانی می

کند . حضرت فرمود : من الان ندارم . او گفت : نمی آید ضامن من شوید

حضرت گفت بریم

گفت : شما الان معتکف هستید

حضرت فرمودند: رسول اکرم فرمودند: من قضی اخاه المومن حاجه کمن کان عبد الله تسعه  
آلاف سنه

مثل اینست که خدا را ۹ هزار سال عبادت کرده باشد. عبادتی که روزهایش روزه باشد، شب ها  
را تا صبح

این قضای حاجت مومن چنین ثوابی دارد

بعضی از ماها وقتی یک نفر به ما رو می زند ...

تا وقتی این جمله را نگفته بودم نمی دانست که موضوع بحث من چی هست

**هر چه این محتوایی که داخل ابهام می ریزیم، جذاب تر باشد، انگیزه سازی  
ابتدایی و ابهام، موثرتر واقع می شود**

با روش ابهام و بهانه گویی مجلس نیمه شعبان را ساکت کردم

یک بهانه ای از مجلس را برای سخنرانی بگیری

اول صحبتم شروع کردم با انتقاد از این موسیقی

گفتم همه ی شما به عشق امام زمان اینجا جمع شدید، ولی فکر نمی کنید که این موسیقی شما

دل آقا را به درد نمی آید

آفرین که شب نیمه شعبان برای آقا مراسم گرفتید ولی شما دیگه دل آقا را به درد نیاورید

آقا به تک تک شما آگاه هست و دانه دانه ی شما را به اسم می شناسد

آقا پرسید که حال پدرتان چطور هست. گفت از شهر که راه افتادم، حالش خوب بود و به شما

سلام رساندند. حضرت فرمود که وقتی حرکت کردی، مریض شد و از دنیا رفت

آقا پرسیدند که حال برادرت چطور است

حضرت فرمودند: برادرت با همسایه اش دعواش شد و در آن درگیری کشتند او را

شروع کرد گریه کردن، حضرت فرمود غصه ی آنها را نخور، جای آنها در برزخ بهتر از جای

آنها در دنیا هست

از پسرم نپرسیدی؟ حضرت فرمودند که پسر تو از محبین ما نیست

از اینجا که برمیگردد می بینی که پسر ت حالش بهتر شده و با دختر عمویش ازدواج می کند و یک بچه ای بدنیا می آورند به اسم علی و او محب ماست عزیز دلم! قبل از اینکه بدنیا بیایی ، آقات شما را می شناخته است .  
به این می گوئیم روش ابهام  
روش ابهام را در مجالس زیاد استفاده کنیم ، انواع مخاطبین را می توان با این روش ساکت کرد .

نمونه های ابهام

داستان عکس شاه در حال بوسیدن دست ملکه انگلیس

داستان شوخی لفظی شیعه امام باقر با نامحرم

در یک جلسه ای برای انقلاب و دهه ی فجر بود ؛ ۴۰۰ دانش آموز...

بعد از بسم الله گفتم دیشب یک کتابی را مطالعه می کردم

در روش ابهام اگر از این روش استفاده کردید ، اصلا نگران نباشید ، شما شروع می کنید و اونها

هنوز دارند حرف می زند ، شما با آرامش صحبت را ادامه دهید و اعتماد به نفس داشته باشید ، با

آرامش و ابهام آمیز صحبت را ادامه دهید ، آنها کم کم آرام می شود

در انتهای یک کتاب ، چند تا عکس داشت

عکس بوسه ی یک آقای ، دست یک خانمی را

یهو همه ی اینها ساکت شدند ( کنجکاوی تحریک شد ...

این عکس خیلی توجه من را جلب کرد ،

بوسه ی محمد رضا پهلوی به دست ملکه ی انگلیس بود

من وقتی این عکس را دیدم ، تازه فهمیدم که چرا مردم ایران در چنین روزی رفتند فرودگاه و

امام خمینی را روی دستشان گرفتند و آوردند ...

یک روزی حال و روز ما این بود که اینقدر ذلیل بودیم که ...

امروز کل دنیا می خواهند که ما هسته ای نداشته باشیم ولی زورشان نمی رسد که ...

=====

تکلیف ساعت پژوهش :

یک منبر در هر موضوعی که خواستید ؛ با روش ابهام ایجاد انگیزه اش را شروع کنید ...

=====